موسسه حقوقی آوای عدالت سروش

قانون مالیات‌های مستقیم

مجموعه قانون مالیات‌های مستقیم/

/

قانون مالیات‌های مستقیم مصوب (۱۳۴۵/۱۲/۲۸)/

/

با اصلاحاتی که ضمن ماده واحده مصوب (۱۳۴۸/۱۲/۲۴) در قانون فوق به عمل آمده/

/

باب اول مالیات بر درآمد/

/

فصل اول اشخاص مشمول مالیات/

/

ماده ۱- اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیات بر درآمد می‌باشند:/

/

-۱ هر شخص حقیقی ایرانی مقیم ایران نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران یا خارج از کشور تحصیل/ می‌کند./

/

-۲ هر شخص حقیقی ایرانی مقیم خارج از کشور نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران تحصیل می‌کند./

/

-۳ هر شخص حقوقی ایرانی نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران یا خارج از کشور تحصیل می‌کند./

/

-۴ هر شخص غیر ایرانی (اعم از حقیقی یا حقوقی) نسبت به کلیه درآمدهایی که در ایران تحصیل/ می‌کند./

/

ماده ۲- اشخاص زیر مشمول پرداخت مالیات بر درآمد به شرح زیر نمی‌باشند:/

/

-۱ اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیا حضرت شهبانو و والاحضرت ولایتعهد/

/

-۲ رؤسا و اعضای مأموریت‌های سیاسی خارجی در ایران و رؤسا و اعضای هیأت‌های نمایندگی فوق‌العاده دول/ خارجی نسبت به حقوق دریافتی از دولت متبوع خود به شرط معامله متقابل و همچنین رؤسا و اعضای/ هیأت‌های نمایندگی سازمان ملل متحد و مؤسسات تخصصی آن در ایران نسبت به حقوق دریافتی از سازمان و/ مؤسسات مزبور در صورتی که تابع ایران نباشند./

/

-۳ رؤسا و اعضای مأموریت‌های کنسولی خارجی در ایران و همچنین کارمندان مؤسسات فرهنگی دول خارجی/ نسبت به حقوق دریافتی از دول متبوع خود به شرط معامله متقابل./

/

-۴ کارشناسان خارجی که با موافقت دولت ایران از محل کمک‌های بلاعوض فنی و اقتصادی و علمی و فرهنگی/ دول خارجی یا مؤسسات بین‌المللی به ایران اعزام می‌شوند نسبت به حقوق دریافتی آنان از دول متبوعه یا/

مؤسسات بین‌المللی مذکور./

/

-۵ کارمندان محلی سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها و نمایندگی‌های دولت شاهنشاهی ایران در خارج نسبت به/ حقوق دریافتی از دولت ایران در صورتی‌که دارای تابعیت دولت ایران نباشند و به شرط معامله متقابل./

/

-۶ شهرداری‌ها و اشخاص حقوقی دولتی و شهرداری که به صورتی غیر از شرکت طبق قوانین تأسیس شده/ باشند./

/

-۷ موقوفات آستان قدس رضوی مسجد گوهر شاد آستانه حضرت معصومه آستانه حضرت عبدالعظیم / شاه نعمت‌الله ولی شاه چراغ مدرسه عالی سپهسالار سلطان علیشاه گنابادی مسجد سلطانی تهران/ سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی شیر و خورشید سرخ بنیاد پهلوی و مؤسساتی که تمام/ سرمایه آن‌ها متعلق به بنیاد پهلوی است سازمان بیمه‌های اجتماعی بنگاه حمایت مادران و نوزادان انجمن/ ملی حمایت کودکان و مؤسسه هنرستان دختران و آموزشگاه حرفه‌ای پسران که از محل موقوفه‌ای اداره/ می‌شود که تولیت آن با سلطان وقت است./

/

-۸ موقوفات عام که درآمد آن به مصرف تحقیقات علمی و فنی تعلیم و تربیت بهداشت بنا و تعمیر و/ نگاهداری مساجد و تعمیر آثار باستانی می‌رسد نسبت به آن قسمت از درآمد که منحصراً به این قبیل مصارف/ برسد مشروط بر این که از طرف دولت بر درآمد و هزینه آن نظارت شود./

/

-۹ مؤسسات عام‌المنفعه که به ثبت رسیده و درآمد آن‌ها به موجب اساسنامه منحصراً به مصرف تحقیقات/ علمی و فنی حفظ آثار باستانی تعلیم و تربیت بهداشت برسد مشروط بر این که بر درآمد و هزینه‌های/ آن‌ها از طرف دولت یا شهرداری‌ها نظارت شود و همچنین مجامع حرفه‌ای که به موجب قوانین خاص تشکیل/ شده‌اند به تشخیص هیأت وزیران./

/

-۱۰ انجمن‌های مربوط به اقلیت‌های مذهبی زردتشتی مسیح کلیمی که درآمد آن به وسیله هیأت‌های/ رسمی ملی صرف معابد و امور تعلیم و تربیت و بهداشتی می‌شود مشروط بر این که رسمیت انجمن‌ها یا/ هیأت‌های مزبور به تصویب مراجع رسمی مذهبی آن‌ها و وزارت کشور رسیده باشد./

/

تبصره ۱- آن قسمت از درآمد موقوفات مؤسسات مذکور در بند ۷ این ماده که عاید مؤسسات مزبور نمی‌شود/ مشمول معافیت نخواهد بود./

/

تبصره ۲- آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط به بندهای ۸ و ۹ و ۱۰ این ماده را وزارت دارایی با جلب نظر سازمان اوقاف/ تهیه و پس از تصویب کمیسیون دارایی مجلس شورای ملی به موقع اجرا خواهد گذارد./

/

فصل دوم منابع مالیات بر درآمد/

/

بخش اول حقوق/

/

ماده ۳- درآمدی که شخص حقیقی در خدمت شخص دیگر (اعم از حقیقی یا حقوقی) در قبال تسلیم نیروی کار/ خود بابت اشتغال در ایران بر حسب مدت یا کار انجام یافته به طور نقد یا غیر نقد تحصیل می‌کند مشمول مالیات/ حقوق است./

/

تبصره حقوقی که در مدت مأموریت خارج از کشور (از طرف دولت ایران یا اشخاص مقیم ایران) از منابع ایرانی/

عاید شخص می‌شود مشمول مالیات حقوق است./

/

ماده ۴- درآمد مشمول مالیات عبارت است از حقوق اعم از مقرری یا مزد یا حقوق اصلی (بدون وضع کسور) و/ مزایای مربوط به شغل از قبیل پاداش فوق‌العاده‌ها و حق حضور در جلسات حق کشف ناشی از خدمت/ مرجوعه مسکن اتومبیل اختصاصی و نظایر آن به طور مستمر یا غیر مستمر پس از کسر معافیت‌های مقرر/ در این قانون./

/

تبصره ۱- درآمد غیر نقدی مشمول مالیات حقوق به شرح زیر تقویم و محاسبه می‌شود:/

/

۱- مسکن با اثاثه و یا بدون آن پانزده درصد مقرری یا مزد یا حقوق اصلی./

/

۲- اتومبیل اختصاصی با راننده و سوخت و یا بدون آن‌ها پنج‌هزار ریال در ماه./

/

۳- سایر درآمدهای غیر نقدی که موضوعاً به پیشنهاد وزارت دارایی و تشخیص هیأت وزیران به عنوان مزایا/ شناخته می‌شود معادل قیمت تمام شده برای پرداخت کننده حقوق./

/

تبصره ۲- وجوهی که علاوه بر حقوق بابت حق بیمه یا حقوق بازنشستگی یا پس‌انداز و امثال آن از طرف کارفرما/ منظور می‌شود تا بعداً عاید کارمند یا کارگر شود مشروط بر این که از پانزده درصد مقرری یا حقوق اصلی و/ مزایای مستمر تجاوز نکند جزو درآمد مشمول مالیات محسوب نخواهد شد و در صورتی که از پانزده درصد مزبور/ تجاوز کند مازاد مشمول مالیات خواهد بود. مگر در مواردی که بنا به پیشنهاد وزارت دارایی و تصویب هیأت وزیران/ تعیین می‌شود که در هر صورت حداکثر از بیست درصد تجاوز نخواهد کرد./

/

کارفرما مکلف است وجوه مزبور را در حساب مخصوصی در یکی از بانک‌های ایرانی نگاهداری نماید و یا به مصرف/ خرید اوراق قرضه دولتی یا اسناد خزانه برساند وگرنه مشمول مالیات خواهد بود./

/

ماده ۵- از تاریخ اجرای این قانون تبصره ۲۹ قانون بودجه سال ۱۳۳۸ موضوع سه درصد فرهنگ و بهداشت ملغی/ می‌شود./

/

ماده ۶- پرداخت‌کنندگان حقوق هنگام هر پرداخت یا تخصیص آن مکلفند مالیات متعلق را پس از وضع معافیت‌های/ مقرر تا سیصد هزار ریال حقوق سالانه پس از کسر شصت هزار ریال به نرخ ده درصد و تا هفتصد هزار ریال/ حقوق سالانه نسبت به مازاد سیصد هزار ریال به نرخ پانزده درصد و نسبت به مازاد هفتصد هزار ریال حقوق/ سالانه به نرخ مربوط مقرر در ماده ۱۳۴ کسر و ظرف سی روز با صورتی حاوی نام و نشانی دریافت‌کنندگان حقوق/ و میزان آن به دارایی محل تأدیه کنند و در ماه‌های بعد فقط تغییرات را صورت دهند./

/

تبصره ۱- معادل شصت درصد مالیات متعلق تا هفتصد هزار ریال حقوق سالانه دریافتی حقوق و مقرری‌بگیرانی/ که به موجب مقررات جاری در سال ۱۳۴۵ مشمول مالیات حقوق نبوده‌اند از مالیات متعلق در هر پرداخت بخشوده/ خواهد شد./

/

تبصره ۲- در صورتی که مجموع حقوق دریافتی هر شخص در یک سال مالیاتی از شصت هزار ریال تجاوز نکند/ مالیات پرداختی مسترد خواهدشد مشروط بر این که ظرف چهار ماه اول سال بعد مورد مطالبه قرار گیرد./

/

تبصره ۳- از پرداخت‌های غیر مستمر به نرخ ده درصد مالیات کسر و به دارایی پرداخت خواهد شد./

/

ماده ۷– در مواردی که از اشخاص مقیم خارج که در ایران شعبه یا نمایندگی ندارند حقوق دریافت شده دریافت/ کنندگان مکلفند ظرف سی روز از تاریخ دریافت حقوق مالیات متعلق را طبق ماده ۶ به اداره دارایی محل اقامت/ خود تأدیه نمایند و تا آخر تیر ماه سال بعد اظهار نامه مربوط به حقوق دریافتی خود را به دارایی تسلیم کنند./

/

بخش دوم درآمد کشاورزی/

/

ماده ۸– درآمدی که شخص حقیقی از طریق اشتغال به فعالیت‌های کشاورزی در ایران تحصیل می‌نماید مشمول/ مالیات بر درآمد کشاورزی می‌باشد./

/

ماده ۹– درآمد مشمول مالیات بر درآمد کشاورزی عبارت است از ۱۰ تا ۴۵ درصد قیمت کل محصول سالانه در/ فصل استحصال در حوزه شهرستان نسبت به مورد فعالیت کشاورزی و به همین نسبت در مورد سایر درآمدهای/ کشاورزی از قبیل دامداری و فروش آب برای مصارف کشاورزی و نظایر آن پس از کسر معافیت‌های مقرر در این/ قانون در مورد املاک استیجاری اجاره‌بها و در مورد مزارعه و مساقات سهمی که به مالک پرداخت می‌شود از/ درآمد مشمول مالیات کسر خواهد شد./

/

تبصره ۱– نسبت مذکور در این ماده برای مناطق مختلف با توجه به نحوه کشت و عوامل مختلف کشاورزی و نوع/ محصول به موجب آیین نامه‌ای که از طرف وزارت دارایی و وزارت کشاورزی تهیه می‌شود تعیین و پس از تصویب/ هیأت وزیران به موقع اجرا گذارده خواهد شد./

/

تبصره ۲– تعیین قیمت محصولات کشاورزی در فصل استحصال برای حوزه‌های شهرستان در هر سال به عهده/ کمیسیونی است مرکب از رؤسای ادارات دارایی و کشاورزی و بانک ملی شهرستان یا نمایندگان آنان و یک نفر/ نماینده شرکت‌های تعاونی روستایی به معرفی سازمان تعاونی روستایی و یک نفر معتمد بصیر در امور/ کشاورزی که کارمند دولت نباشد به معرفی فرماندار و نظر کمیسیون در این مورد قطعی است./

/

ماده ۱۰– کلیه مشمولین مالیات بر درآمد کشاورزی مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ اجرای این قانون اظهارنامه/ طبق نمونه‌ای که از طرف وزارت دارایی تهیه می‌شود تنظیم و به اداره دارایی محل تسلیم نمایند./

/

ماده ۱۱– میزان محصول کشاورزی وسیله ادارات دارایی از طریق ممیزی برآورد و نتیجه آن به مؤدی ابلاغ خواهد/ شد. در صورتی که مؤدی ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ نسبت به نتیجه ممیزی کتباً اعتراض نکند نتیجه ممیزی/ قطعی خواهد بود و در صورت اعتراض پرونده برای رسیدگی به کمیسیون کشاورزی مرکب از یک نفر نماینده اداره/ دارایی و یک نفر نماینده اداره کشاورزی و یک نفر معتمد محل بصیر در امور کشاورزی که کارمند دولت نباشد به/ معرفی فرماندار احاله خواهد شد./

/

رأی کمیسیون که با دعوت قبلی از مؤدی صادر می‌شود به اکثریت قطعی است./

/

تبصره آیین‌نامه راجع به نحوه ممیزی املاک کشاورزی و ممیزی سایر درآمدهای موضوع این بخش از طرف/ وزارت دارایی تنظیم و به موقع اجرا گذارده خواهد شد./

/

ماده ۱۲– نتیجه ممیزی املاک کشاورزی که طبق مقررات این قانون انجام و به مرحله قطعیت برسد جز در موارد/ مذکور در مواد ۱۳ و ۱۴ نسبت به سال ممیزی و سنوات بعد مادام که تجدید ممیزی نشده است معتبر و مبنای/ تشخیص درآمد مشمول مالیات خواهد بود. فاصله بین دو ممیزی نباید کمتر از ۵ سال باشد./

/

تبصره در صورتی که پس از انقضای ۵ سال مذکور در این ماده و قبل از اقدام به ممیزی بعدی اطلاعاتی از/

طریق سازمان‌های دولتی و عمومی و مؤسسات وابسته به دولت به دست آید که حاکی از افزایش درآمد ملک/
به میزانی بیش از سی درصد نتیجه ممیزی باشد اداره دارایی پرونده مربوط را برای تشخیص درآمد قطعی به/
کمیسیون کشاورزی موضوع ماده ۱۱ ارجاع و ضمن دعوت کتبی از مؤدی برای حضور در جلسه کمیسیون مبلغ/
مورد ادعای خود را به مؤدی ابلاغ خواهد نمود رأی کمیسیون کشاورزی قطعی بوده و نسبت به مالیات سالی که/
سررسید پرداخت مالیات آن بعد از تاریخ ابلاغ دعوت‌نامه مذکور می‌باشد و سال‌های بعد تا ممیزی جدید معتبر و/
ملاک عمل خواهد بود./

/

ماده ۱۳ – در مواردی که درآمد ملکی به سبب عواملی خارج از اختیار مؤدی بیش از ۲۵ درصد کاهش حاصل کند/
مالک یا مستأجر می‌تواند قبل از برداشت محصول تقاضای رسیدگی و تخفیف مالیاتی نماید. تقاضای مذکور در/
کمیسیون کشاورزی موضوع ماده ۱۱ مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت و در صورتی که به موجب رأی کمیسیون/
ادعای مؤدی مسلم گردد درآمد مشمول مالیات مؤدی به نسبت نقصان محصول و برای مدتی که از طرف/
کمیسیون تعیین می‌شود تقلیل داده خواهد شد./

/

ماده ۱۴ – در مواردی که محصول کشاورزی ناحیه‌ای بر اثر بروز آفات عمومی یا حوادث دیگر تقلیل یابد بنا به/
تشخیص و پیشنهاد وزارت کشاورزی و تصویب هیأت وزیران مالیات کشاورزی آن ناحیه کلا یا جزئاً بخشوده خواهد/
شد./

/

ماده ۱۵ – مشمول مالیات بر درآمد کشاورزی موظف است مالیات بر درآمد کشاورزی خود را در هر سال از اول تیر/
ماه تا آخر آذر ماه به تشخیص وزارت دارایی از حیث فصل برداشت محصول در هر محل به نرخ مذکور در ماده ۱۳۴/
بپردازد./

/

ماده ۱۶ – در مورد مواد ۱۱ و ۱۳ در صورتی که مؤدی تقاضای رسیدگی محلی کند کمیسیون در صورتی با تقاضای/
مؤدی موافقت خواهد کرد که معادل هزینه رسیدگی محلی به تشخیص کمیسیون طبق مقررات مربوط از طرف/
مؤدی در صندوق دارایی تودیع شود./

/

ماده ۱۷ – تا زمانی که ممیزی املاک مزروعی طبق مقررات این قانون انجام نشده است به شرح زیر عمل خواهد/
شد:/

/

الف در مورد املاکی که سابقه ممیزی دارد درآمد مشمول مالیات به نسبت و بر اساس آخرین ممیزی با رعایت/
مقررات این قانون تشخیص و مالیات متعلق در سر رسید مقرر وصول خواهد شد و در صورتی که نتیجه آخرین/
ممیزی به مرحله قطعیت نرسیده باشد اختلافات در کمیسیون کشاورزی موضوع ماده ۱۱ حل و فصل خواهد/
شد./

/

ب– در مورد املاکی که سابقه ممیزی ندارد مادام که ممیزی موضوع این قانون به عمل نیامده است مالیات/
متعلق بر اساس درآمد مشمول مالیات مذکور در اظهارنامه مؤدی که در سررسید پرداخت مالیات هر سال تسلیم/
خواهد شد وصول می‌گردد و ادارات دارایی مکلفند نسبت به این گونه املاک خارج از نوبت اقدام به ممیزی نمایند/
و در صورتی که نتیجه قطعی ممیزی تاییست درصد بیش‌تر از اظهارنامه باشد درآمد مذکور در اظهارنامه قطعی/
تلقی می‌گردد وگرنه مالیات متعلق به مابه‌التفاوت به اضافه جریمه‌ای معادل بیست درصد آن وصول خواهد شد و/
در سنواتی که مؤدی از تسلیم اظهار نامه خودداری نمایند نتیجه قطعی ممیزی که مطابق مقررات این قانون به/
عمل خواهد آمد درآمد مشمول مالیات سنوات مذکور تلقی خواهد شد./

/

ماده ۱۸ – مشمولین این بخش که دارای دفاتر قانونی هستند درآمد مشمول مالیات آنان بر اساس مقررات مواد/
۵۸ و ۶۱ تشخیص داده می‌شود و نسبت به کسانی که ضمن فعالیت کشاورزی از طریق ایجاد فروشگاه محصول/

خود را به فروش می‌رسانند در صورتی که دارای دفاتر قانونی باشند درآمد مشمول مالیات آنان کلا بر اساس/
مقررات مواد ۵۸ و ۶۰ و ۶۱ تشخیص والا نسبت به هریک از فعالیت‌های کشاورزی و مشاغل جداگانه طبق/
مقررات بخش‌های مربوط مشمول مالیات خواهند بود./

/

بخش سوم درآمد املاک/

/

ماده ۱۹ – درآمد شخص حقیقی یا حقوقی ناشی از واگذاری قطعی یا غیر قطعی حقوق خود نسبت به املاک/
واقع در ایران اعم از حق مالکیت (عین یا منفعت) و حق انتفاع به طور دائم یا موقت پس از کسر معافیت‌های/
مقرر در این قانون مشمول مالیات بر درآمد املاک می‌باشد./

/

ماده ۲۰ – املاکی که مورد استفاده غیر مالک می‌باشد اجاری تلقی و درآمد مشمول مالیات در این مورد عبارت/
است از کل مال الاجاره اعم از نقدی و غیر نقدی پس از کسر ۲۵ درصد بابت کلیه هزینه‌ها و استهلاکات و/
تعهدات مالک نسبت به مورد اجاره./

/

تبصره ۱ – محل سکونت پدر و یا مادر و یا زن و یا شوهر و یا فرزند و همچنین محل سکونت افراد تحت تکفل مالک/
اجاری تلقی نمی‌شود مگر این که به موجب اسناد و مدارک ثابت شود که اجاره پرداخت می‌شود./

/

در صورتی که چند مستغل محل سکونت مالک و یا افراد مزبور باشد فقط یک مستغل برای سکونت مالک و یک/
مستغل برای سکونت افراد مذکور به انتخاب مالک از شمول مالیات خارج و بقیه مشمول مالیات مقرر در این ماده/
خواهد بود./

/

تبصره ۲ – از نظر مالیات بر درآمد املاک هر آپارتمان یک مستغل محسوب می‌شود./

/

تبصره ۳ – در مورد املاکی که با اثاثه یا ماشین‌آلات به اجاره واگذار می‌شود درآمد ناشی از اجاره اثاثه و/
ماشین‌آلات نیز جزو درآمد ملک محسوب و مشمول مالیات این بخش می‌باشد./

/

تبصره ۴ – مال‌الاجاره از روی سند رسمی تعیین می‌شود و در صورتی که اجاره‌نامه رسمی وجود نداشته باشد یا/
از تسلیم سند یا رونوشت آن خودداری گردد بر اساس اجاره بهای املاک مشابه تقویم خواهد شد در صورت اخیر/
اگر بعداً سند یا مدارک رسمی به دست آید که معلوم شود اجاره ملک بیش از مبلغ تقویم شده می‌باشد/
مابه‌التفاوت مالیات متعلق قابل مطالبه خواهد بود./

/

تبصره ۵ – مستحدثاتی که طبق قرارداد از طرف مستأجر در عین مستأجره به نفع موجر ایجاد می‌شود به بهای روز/
تعلق مستحدثه در تاریخ تعلق به موجر تقویم و با رعایت تبصره ماده ۱۳۴ جزو مال‌الاجاره غیر نقدی سال‌های/
مربوط محسوب خواهد شد./

/

تبصره ۶ – سازمان‌های دولتی و مؤسسات وابسته به دولت و کلیه اشخاص حقوقی مکلفند مالیات موضوع این/
بخش را از مال‌الاجاره‌هایی که پرداخت می‌کنند کسر و به اداره دارایی محل پرداخت نمایند و رسید مالیاتی آن را/
به موجر تسلیم کنند./

/

تبصره ۷ – در صورتی که مالک محل سکونت خود را بفروشد و در سند انتقال بدون اجاره بها مهلتی برای تخلیه/
ملک داده شود مستغل مزبور در مدتی‌که محل سکونت انتقال دهنده می‌باشد حداکثر تا چهار ماه در مهلت/
مذکور مشمول مالیات نخواهد بود./

/

تبصره ۸- از نظر مالیاتی در بیع شرط فروشنده مالک عین شناخته می‌شود و در مواردی که مبیع در تصرف/
انتقال‌گیرنده شرطی قرار گیرد و همچنین در مورد رهن تصرف بایع شرطی و راهن مشمول مالیات بر درآمد املاک/
است و درآمد مشمول مالیات عبارت است از ۷۵ درصد ارزش اجاری ملک بر اساس اجاره بهای املاک/
مشابه./

/

تبصره ۹- هر کس مالک شخصی محل سکونت خود را به دیگری به اجاره واگذار کند و خود خانه دیگری برای/
سکونت خویش اجاره کند در احتساب درآمد مشمول مالیات مستغلات او میزان مال‌الاجاره‌ای که به موجب سند/
رسمی می‌پردازد از کل مال‌الاجاره‌های دریافتی او کسر خواهد شد./

/

تبصره ۱۰- هزینه‌هایی که به موجب قانون یا قرارداد به عهده مالک است و از طرف مستأجر انجام می‌شود و/
همچنین مخارجی که به موجب قرارداد انجام آن از طرف مستأجر تقبل شده در صورتی که عرفاً به عهده مالک/
باشد به بهای روز انجام هزینه تقویم و به عنوان مال‌الاجاره غیر نقدی به جمع اجاره بهای سال انجام هزینه/
اضافه می‌شود./

/

ماده ۲۱- درآمد مشمول مالیات در مورد بهره مالکانه معادن عبارت است از صددرصد بهره مالکانه (اعم از نقدی یا/
جنسی)./

/

ماده ۲۲- مالیات نقل و انتقالات قطعی املاکی که در تاریخ تملک انتقال‌دهنده ارزش معاملاتی برای ملک تعیین/
نشده است عبارت از ۲ درصد قیمت مذکور در سند مشروط بر این که در مورد املاکی که به موجب مقررات قبلی/
برای آن قیمت منطقه‌ای سابق یا در اجرای حکم تبصره ماده ۲۳ برای آن‌ها ارزش معاملاتی تعیین شده است/
قیمت مذکور در سند در مورد اول از قیمت منطقه‌ای سابق و در مورد دوم از ارزش معاملاتی کمتر نباشد وگرنه/
قیمت منطقه‌ای یا ارزش معاملاتی حسب مورد مناط اعتبار است./

/

ماده ۲۳- درآمد مشمول مالیات در مورد نقل و انتقالات قطعی املاکی که تاریخ تملک آن بعد از تصویب این قانون و/
تعیین ارزش معاملاتی اراضی می‌باشد عبارت است از اضافه بهای فروش نسبت به بهای خرید به مأخذ قیمت/
مذکور در اسناد معامله مگر این که قیمت فروش از ارزش معاملاتی اراضی حین معامله کمتر باشد که در این/
صورت ارزش معاملاتی زمین مناط اعتبار است. در مورد املاکی که دارای اعیانی می‌باشد قیمت اعیانی در/
محاسبه مذکور منظور نخواهد شد و در صورتی که بهای عرصه و اعیان در سند معامله به تفکیک قید نشده باشد/
ارزش معاملاتی زمین ملاک قرار خواهد گرفت. در تمام موارد فوق وجوهی که انتقال دهنده به موجب قوانین/
مربوط بابت حق مرغوبیت یا اضافه ارزش طبق قبض رسمی به دولت یا شهرداری‌ها پرداخته است از درآمد/
مشمول کسر خواهد شد./

/

در صورتی که تملک ملک به سبب ارث و یا نقل و انتقالات بلاعوض و محاباتی باشد ارزش معاملاتی زمین در سال/
تملک مناط اعتبار است./

/

تبصره ۱- در موارد فوق در صورتی که مالیاتی به معامله تعلق نگیرد و یا مالیات متعلق کمتر از دو درصد ارزش/
معاملاتی عرصه باشد مالیات به مأخذ ۲% وصول میشود و در محاسبه مجموع درآمد مؤدی مالیات متعلق به/
مابه‌التفاوت منظور خواهد شد و مازاد قابل استرداد نیست و موارد مذکور مشمول ماده ۲۹ نخواهد بود. هرگاه در/
اولین انتقالی که بعد از تعیین ارزش معاملاتی به عمل بیاید بهای مذکور در سند بیش از ارزش معاملاتی باشد در/
انتقال بعدی ارزش معاملاتی خرید مبنای محاسبه مالیات خواهد بود./

/

حکم این تبصره شامل مالیات املاک مذکور در مواد ۲۴ و ۲۵ و متن ماده ۲۸ نیز می‌باشد./

/

تبصره ۲- تعیین ارزش معاملاتی اراضی واقع در داخل و خارج شهرها که حدود آن از لحاظ مالیاتی هر سه سال/ یک بار به پیشنهاد وزارت دارایی و تصویب هیأت وزیران تعیین میشود به عهده کمیسیون تقویم املاک میباشد که/ در هر سال در تهران از نماینده وزارت دارایی ارزیاب اداره کل ثبت اسناد و املاک نماینده انجمن شهر و در/ شهرستانها از پیشکار یا رئیس دارایی یا نماینده او رئیس اداره ثبت یا نماینده او نماینده انجمن شهر تشکیل/ می‌گردد./

/

در نقاطی که انجمن شهر وجود نداشته باشد یک نفر معتمد محل بصیر در امور تقویم املاک که کارمند دولت/ نباشد به معرفی فرماندار برای شرکت در کمیسیون دعوت خواهدشد./

/

وظایف کمیسیون تقویم املاک عبارت است از:/

/

۱- تعیین ارزش معاملاتی اراضی در هر سال بر اساس برآورد ارزش متوسط شش ماهه اخیر کمیسیون باید با/ رعایت کاهش ارزش املاک ناشی از تعلق حق واگذاری محل به مستأجر ارزش عرصه املاک را در قید اجاره یا/ خالی به تفکیک تعیین نماید./

/

۲- تقویم بهای ساختمان بر اساس نوع مصالح و مشخصات بنا و موقعیت محل./

/

تبصره ۳- در مورد زمین‌هایی که از طرف مالک تفکیک و به گواهی ثبت اسناد و تأیید شهرداری قسمتی از زمین/ به عنوان شارع عام بدون دریافت بها از تصرف مالک خارج می‌شود بهای این قسمت از زمین بر مبنای ارزش تاریخ/ تملک طبق ضوابط مذکور در این بخش محاسبه و به قیمت خرید باقیمانده زمین اضافه می‌شود./

/

ماده ۲۴- صلح معوض به شرح زیر مشمول مالیات بر درآمد املاک است:/

/

۱- در صورتی که مورد صلح ملک باشد و مال‌الصلح ملک نباشد هر گاه تاریخ تملک مورد صلح قبل از تعیین ارزش/ معاملاتی (موضوع تبصره ماده ۲۳) باشد مالیات مصالح عبارت خواهد بود از ۲ درصد مبلغی که بابت مال‌الصلح در/ سند ذکر شده است و اگر تاریخ تملک بعد از تعیین ارزش معاملاتی باشد تفاوت قیمت خرید مورد صلح تا مبلغ/ مذکور در سند مأخذ مالیات مصالح قرار خواهد گرفت./

/

۲- هر گاه مورد صلح و مال‌الصلح هر دو ملک باشد تفاوت قیمت خرید مورد صلح با مبلغ مذکور در سند بابت/ مال‌الصلح از لحاظ مصالح و تفاوت قیمت خرید مال‌الصلح با مبلغ مذکور در سند بابت آن از لحاظ متصالح مأخذ/ مالیات متعلق خواهد بود ولی هر گاه تاریخ تملک هریک از عوضین قبل از تعیین ارزش معاملاتی موضوع تبصره/ ماده ۲۳ باشد مالیات متعلق به هریک از مصالح و متصالح که قبل از تعیین ارزش معاملاتی ملک را در تملک داشته/ عبارت خواهد بود از دو درصد قیمت مذکور در سند بابت مال‌الصلح در مورد مذکور در این بند در صورتی که مبلغ/ مذکور در سند بابت مال‌الصلح کمتر از قیمت منطقه‌ای سابق یا ارزش معاملاتی آن باشد قیمت منطقه‌ای سابق/ یا ارزش معاملاتی حسب مورد مبنای محاسبه مالیات قرار خواهد گرفت./

/

۳- در صورتی که مورد صلح ملک نباشد و مال‌الصلح ملک باشد تفاوت قیمت خرید مال‌الصلح با ارزش قطعی مورد/ صلح که طبق مقررات این قانون تعیین می‌شود مأخذ مالیات متصالح قرار خواهد گرفت ولی در صورتی که تاریخ/ تملک مال‌الصلح قبل از تعیین ارزش معاملاتی باشد در این صورت مالیات متصالح عبارت خواهد بود از دو درصد/ ارزش قطعی مورد صلح./

/

تبصره در مواردی که بین عوضین تفاوت ارزش وجود داشته باشد مابه‌التفاوت درآمد اتفاقی تلقی و طرف/ معامله‌ای که از این تفاوت منتفع شده نسبت به مابه‌التفاوت مزبور مشمول مالیات بر درآمد اتفاقی خواهد بود و/

مالیاتی‌که به عنوان مالیات بر درآمد املاک بابت مابه‌التفاوت مذکور پرداخته است از مالیات متعلق کسر خواهد/
شد./

/

ماده ۲۵- نقل و انتقالاتی که به موجب ماده ۱۸۰ مشمول مالیات بر ارث است مشمول مالیات بر درآمد املاک/
نمی‌باشد ولی در مورد صلح معوض در صورتی که عوضین هر دو ملک باشد یا یکی از آن‌ها ملک و دیگری کارخانه/
یا سهام با نام باشد حسب مورد طبق مقررات ماده ۲۴ عمل خواهد شد لکن در صورتی که بین ارزش عوضین/
تفاوتی وجود داشته باشد این تفاوت مشمول مالیات بر درآمد نبوده و مشمول مالیات بر ارث خواهد بود و مالیاتی/
که به عنوان مالیات بر درآمد املاک بابت مابه‌التفاوت مذکور پرداخت شده است در محاسبه مالیات ارث متعلق/
منظور می‌شود و در صورتی که اضافه پرداخت شده باشد اضافه پرداختی مسترد می‌شود./

/

ماده ۲۶- نقل و انتقالات قطعی املاک که در اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی به عمل آمده یا خواهد آمد/
مشمول مالیات بر درآمد املاک نخواهد بود./

/

مقررات این بخش شامل انتقال قطعی واحدهای مسکونی که از طرف شرکت‌های تعاونی مسکن به اعضای/
آن‌ها به عمل می‌آید نخواهد بود./

/

ماده ۲۷- در مورد نقل و انتقالات قطعی املاک در صورتی که انتقال دهنده یا انتقال گیرنده دولت یا شهرداری‌ها یا/
مؤسسات وابسته به دولت باشد و همچنین در مواردی که ملک به وسیله اجرای ثبت یا سایر ادارات دولتی به/
مقام مقامی مالک انتقال داده می‌شود، قیمت مذکور در سند برای اراضی مناط اعتبار خواهد بود./

/

تبصره املاکی که در اجرای ماده ۳۴ قانون ثبت مصوب مرداد ۱۳۲۰ به دولت تملیک می‌شود مشمول مالیات نقل/
و انتقالات قطعی نخواهد بود./

/

ماده ۲۸- درآمد مشمول مالیات در مورد انتقال حق واگذاری محل از طرف مالک مشروط بر این که قبلاً بابت تخلیه/
آن وجهی به عنوان حق واگذاری محل به مستأجر نپرداخته باشد و تاریخ تملک ملک بعد از اجرای مفاد تبصره ماده/
۲۳ باشد عبارتست از:/

/

اضافه ارزش معاملاتی زمین در تاریخ انتقال حق واگذاری محل نسبت به ارزش معاملاتی زمین در تاریخ تملک/
ضرب در مبلغ دریافتی بابت حق واگذاری محل تقسیم بر ارزش معاملاتی زمین در تاریخ انتقال حق واگذاری/
محل./

/

تبصره ۱- در صورتی که مالک قبلاً بابت تخلیه ملک خود وجهی به عنوان حق واگذاری محل به مستأجر پرداخت و از/
مستأجر بعدی مبلغ بیش‌تری بابت انتقال حق واگذاری محل دریافت کند درآمد مشمول مالیات مالک عبارت است/
از اضافه دریافتی او نسبت به آنچه قبلاً پرداخت کرده است./

/

تبصره ۲- نسبت به املاکی که تاریخ تملک زمین آن قبل از اجرای حکم تبصره ماده ۲۳ می‌باشد کل دریافتی مالک/
بابت انتقال حق واگذاری محل برای اولین بار به طور مقطوع به نرخ دو درصد مشمول مالیات می‌باشد./

/

تبصره ۳- حق واگذاری محل از نظر این قانون عبارت است از وجوهی که مالک یا مستأجر ملک از بابت حق اشغال/
محل یا حق کسب و پیشه دریافت می‌دارند./

/

ماده ۲۹- در مواردی که نقل و انتقالات موضوع ماده ۱۹ طبق مقررات این بخش مشمول مالیات به نرخ دو درصد/
باشد وجه دیگری بابت مالیات بر درآمد مطالبه نخواهدشد./

/

ماده ۳۰- درآمد مشمول مالیات در مورد واگذاری هریک از حقوق مذکور در ماده ۱۹ از طرف مالک عین غیر از/ مواردی که ضمن مواد ۲۰ تا ۲۹ ذکر شده است عبارت است از جمع کل درآمدی که از واگذاری حقوق مزبور عاید/ مالک می‌شود./

/

ماده ۳۱- درآمد مشمول مالیات در مورد واگذاری هر یک از حقوق مذکور در ماده ۱۹ از طرف صاحبان حق غیر از/ مالک عین عبارت است از اضافه دریافتی صاحب حق نسبت به آنچه برای تحصیل این حقوق یا استفاده از آن قبلاً/ پرداخت نموده است. هزینه‌هایی که موجب تغییر در عین بنا و افزایش ارزش حق باشد در صورتی که قبلاً جزو/ هزینه‌های شغلی در محاسبه مالیات صاحب حق منظور نشده باشد از مبلغ دریافتی کسر خواهد شد./

/

ماده ۳۲- در کلیه مواردی که معاملات موضوع ماده ۱۹ به موجب سند رسمی صورت می‌گیرد صاحبان دفاتر اسناد/ رسمی مکلفند به شرح زیر عمل نمایند:/

/

الف- نسبت به انتقال قطعی اموال غیر منقول مالیات متعلق را به نرخ مذکور در ماده ۱۳۴ نسبت به درآمد/ مشمول مالیات طبق مقررات ماده ۲۳ یا به میزان دو درصد قیمت مربوط طبق ماده ۲۲ محاسبه و حین تنظیم سند/ در قبال قبض رسمی وصول نمایند و تا آخر هفته بعد با فهرستی حاوی مشخصات معاملاتی‌که در هفته قبل به/ ثبت رسیده است در مقابل اخذ رسید به اداره دارایی محل تسلیم کنند./

/

ب در سایر موارد فهرست خلاصه معاملات هر هفته خود را تا آخر هفته بعد در مقابل اخذ رسید به اداره دارایی/ محل تسلیم نمایند./

/

ماده ۳۳- در مواردی که انتقال ملک به وسیله اداره ثبت انجام می‌گیرد مالیات بر درآمد متعلق به ملک باید قبلا/ پرداخت شود و اداره ثبت با ذکر شماره مفاصا حساب اداره دارایی مربوط به ملک مورد انتقال اقدام به انتقال ملک/ نماید./

/

ماده ۳۴- صاحبان دفاتر اسناد رسمی مکلفند برای انتقال قطعی املاک از فروشنده مطالبه مفاصا حساب/ مالیاتی گذشته ملک را بنمایند و شماره آن را در سند انتقال ذکر کنند مگر این که انتقال گیرنده تعهد پرداخت آن را/ در سند انتقال بنماید که در این صورت با انتقال دهنده متضامناً مسئول پرداخت بدهی مالیاتی خواهند بود./

/

در مورد اخیر صاحبان دفاتر مکلفند مراتب را ظرف سی روز به دفتر ممیزی مالیاتی حوزه محل دفتر خانه اطلاع/ دهند./

/

ماده ۳۵- در مواردی که معاملات موضوع ماده ۱۹ به موجب اسناد رسمی انجام نمی‌گیرد طرفین معامله مکلفند/ منتهی ظرف سی روز از تاریخ انجام معامله مراتب را به دفتر ممیزی مالیاتی حوزه‌ای که ملک در آن واقع است/ کتبا اطلاع دهند./

/

ماده ۳۶- مؤدیان موضوع این بخش به جز مواردی که مالیات وسیله دفاتر اسناد رسمی وصول می‌شود مکلفند در/ مواعد زیر اظهارنامه مالیاتی خود را روی نمونه‌ای که از طرف وزارت دارایی تهیه و در دسترس آن‌ها گذاشته/ می‌شود تنظیم و به دفتر ممیزی مالیاتی حوزه‌ای که ملک در آن واقع است تسلیم نمایند:/

/

الف در مورد انتقال حق واگذاری محل سی روز پس از انجام معامله./

/

ب- در مورد مستغلات جدید البنا مشمول مالیات و مستغلات جدید البنایی که در سال‌های ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ ایجاد/

شده‌اند تا آخر تیر ماه سال ۱۳۴۹ یا در اولین سال شمول مالیات و مستغلاتی که در آن‌ها تغییرات کلی داده/
می‌شود و همچنین در مواردی که مستأجر یا میزان اجاره بها یا مالک مستغل به سبب انتقال قهری یا اختیاری/
تغییر می‌کند مالکین این نوع مستغلات مکلفند اظهارنامه مالیاتی سال مربوط را به انضمام رونوشت سند اجاره/
بها تا آخر تیر ماه سال بعد به حوزه مالیاتی محل وقوع ملک تسلیم نمایند./

/

پ- در سایر موارد تا آخر تیر ماه سال بعد./

/

تبصره مؤدیان مکلفند مالیات متعلق را در مورد بند الف حسب مورد به نرخ مذکور در ماده ۱۳۴ یا دو درصد و در/
موارد بندهای ب و پ به نرخ مذکور در ماده ۱۳۴ در موقع تسلیم اظهارنامه بپردازند مهلت پرداخت مالیات در مورد/
مؤدیان مذکور در بند ب بابت سنواتی که مکلف به تسلیم اظهارنامه نیستند تا آخر تیر ماه سال بعد/
می‌باشد./

/

ماده ۳۷- کلیه مالکین مستغلات مشمول این بخش یا قائم مقام قانونی آنان مکلفند ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب/
این قانون برای هریک از مستغلات خود اظهارنامه مخصوصی روی نمونه‌ای که از طرف وزارت دارایی تهیه/
می‌شود تنظیم و به دفتر ممیزی مالیاتی حوزه‌ای که مستغل در آن واقع است تسلیم نمایند./

/

ماده ۳۸- ارزش اجاری مستغلات در مواردی که طبق تبصره ۴ ماده ۲۰ باید بر اساس اجاره بهای املاک مشابه/
تقویم گردد وسیله ممیز مالیاتی حوزه‌ای که ملک در آن واقع است تعیین خواهد شد./

/

نظر ممیز مالیاتی نسبت به ارزش اجاری مستغلات برای درآمد سال ممیزی و سال‌های بعد قطعی است/
مگر:/

/

الف در صورتی که سند رسمی اجاره ارائه گردد که در این صورت اجاره بها از روی سند تعیین و از تاریخ تنظیم/
سند اجاره تا پایان مدت مذکور در سند مناط اعتبار خواهد بود./

/

ب- در صورتی که مستغل خالی یا مسلوب المنفعه گردد نسبت به مدتی که مستغل خالی یا مسلوب المنفعه/
باقی می‌ماند./

/

پ- در صورت تجدید ممیزی که در هر صورت فاصله هر ممیزی نسبت به ممیزی قبل نباید کمتر از سه سال/
باشد./

/

ت در صورتی که مؤدی به تشخیص ممیز ظرف یک ماه از تاریخ مطالبه دارایی اعتراض کند و به موجب رأی/
کمیسیونی مرکب از یک نفر نماینده دارایی محل یک نفر نماینده انجمن شهر و یک نفر نماینده دادگستری ارزش/
اجاری کمتر از تقویت ممیز تعیین گردد رأی کمیسیون قطعی و تا ممیزی جدید مناط اعتبار است./

/

تبصره هر گونه اختلاف راجع به مالیات مستغلات در کمیسیون موضوع بند (ت) این ماده مطرح و مورد رسیدگی/
قرار می‌گیرد و رأی کمیسیون قطعی خواهد بود./

/

بخش چهارم بهره/

/

ماده ۳۹- درآمدی که شخص حقیقی یا حقوقی اعم از ایرانی یا غیر ایرانی به عنوان بهره یا خسارت تأخیر تأدیه/
در ایران تحصیل کند پس از کسر معافیت‌های مقرر در ماده ۱۱۲ این قانون مشمول مالیات بهره خواهد بود./

/

ماده ۴۰- درآمد مشمول مالیات بهره وام طبق نرخی خواهد بود که یک سال یک بار از طرف دولت اعلان خواهد/
شد نرخ مزبور مأخذ مطالبه مالیات خواهد بود ولو این که ضمن سند یا قرارداد بهره مقرر نشده یا کمتر تعیین/
شده باشد ولی در صورتی که به موجب سند یا مدرک مثبته دیگر بیش از این مبلغ تعیین شده باشد به مأخذ/
مزبور مالیات اخذ خواهد شد./

/

تبصره ۱- درآمد مشمول مالیات در مورد بهره متعلق به اوراق قرضه شرکت‌های سهامی که برای معامله به/
عموم عرضه می‌شود به میزان نرخی که در متن سند ذکر شده دفاتر قانونی آن‌ها تشخیص و قابل وصول باشد/
به میزانی که در دفاتر قانونی آن‌ها ثبت شده و همچنین در مورد مؤسسات خارجی مقیم خارج از کشور که از/
طریق دادن وام در ایران بهره دریافت می‌دارند معادل بهره پرداختی به آن‌ها منظور خواهد شد./

/

تبصره ۲- وام موضوع معاملات شرطی و رهنی مربوط به مانده ثمن معاملات قطعی اموال غیر منقول مشمول/
مالیات بهره نخواهد بود مگر این که معلوم شود بهره پرداخت شده است./

/

تبصره ۳- بجز مواردی که ضمن مواد این بخش تصریح شده است وام دهندگان مکلفند تا آخر تیر ماه هر سال/
اظهارنامه مالیاتی مربوط به معاملات سال قبل را تنظیم و به دفتر ممیزی مالیاتی حوزه شغل خود و در صورت/
نداشتن محل شغل به دفتر ممیزی مالیاتی حوزه محل سکونت خود تسلیم و مالیات متعلق را به نرخ مذکور در/
ماده ۱۳۴ پرداخت نمایند./

/

ماده ۴۱- موعد پرداخت مالیات بهره به نرخ مذکور در ماده ۱۳۴ عبارت است از:/

/

الف- در مورد اسنادی که در دفاتر اسناد رسمی ثبت می‌گردد روز ثبت سند برای تمام مدت سند در صورتی که در/
سند قید کسر بهره برای تمام مدت سند شده باشد و در غیر این صورت برای فاصله بین ثبت سند تا پایان سال و/
آخر هر سال برای سال‌های بعد و یا روز انقضا یا فسخ یا ابطال یا تجدید سند نسبت به مدت گذشته که مالیات آن/
دریافت نشده است. در مورد تجدید سند روز تجدید مبدأ وصول مالیات طبق مفاد این بند برای آینده نیز خواهد/
بود./

/

ب- در مواردی که سندی در دفتر اسناد رسمی ثبت نمی‌شود در موقع پرداخت بهره یا منظور نمودن آن به/
بستانکار حساب صاحب درآمد./

/

ماده ۴۲- در مورد اسناد رسمی استقراضی فک دین کلا یا جزئاً و فسخ سند به طور کلی باید در تاریخ اعلام فک یا/
فسخ در دفتر اسناد رسمی تحت شماره ردیف ثبت گردد و فک دین به صورت استرداد قبوض اقساطی نیز/
مستلزم ثبت در دفتر اسناد رسمی به شرح مزبور خواهد بود و مالیات متعلق تا تاریخ ثبت محاسبه و وسیله دفتر/
خانه وصول خواهد شد./

/

ماده ۴۳- در صورتی که بدهکار مبلغی بدون تفکیک بابت قسمتی از اصل و فرع دین بپردازد معادل بهره متعلق به/
کل طلب تا تاریخ پرداخت از مبلغ پرداختی به عنوان بهره تلقی می‌گردد./

/

ماده ۴۴- اشخاص ذیل مکلف به کسر مالیات به نرخ مقرر در ماده ۱۳۴ از درآمد موضوع این بخش و تسلیم آن در/
مهلت‌های زیر به دارایی محل می‌باشند:/

/

الف صاحبان دفاتر اسناد رسمی در مورد اسنادی‌که در دفاتر اسناد رسمی ثبت می‌شود ظرف ده روز از تاریخ/
ثبت سند./

/

ب- در سایر موارد پرداخت کننده بهره یا خسارت تأدیه و در صورتی که پرداخت کننده خارج از ایران اقامت/
داشته باشد بانک یا شخصی که در ایران واسطه پرداخت بهره قرار می‌گیرد ظرف سی روز از تاریخ پرداخت بهره یا/
منظور نمودن آن به بستانکار حساب صاحب درآمد./

/

ماده ۴۵- بهره دریافتی مؤسسات و شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و شرکت‌های پس‌انداز و وام مسکن و/
شرکت‌های تعاونی مسکن تابع مقررات این بخش نبوده و مشمول احکام مالیات بر درآمد شرکت‌ها/
می‌باشد./

/

بخش پنجم درآمد اتفاقی/

/

ماده ۴۶- درآمدی که شخص حقیقی یا حقوقی از طریق شرطبندی یا بخش آزمایی ولاطار و یا هر گونه معاملات/
محاباتی یا بلاعوض به عنوان جایزه یا به هر عنوان دیگر به طور نقد یا غیر نقد در ایران تحصیل کند مشمول مالیات/
بر درآمد اتفاقی می‌باشد./

/

ماده ۴۷- درآمد مشمول مالیات موضوع این بخش عبارت است از صددرصد درآمد پس از کسر معافیت‌های مقرر/
در این قانون و در صورتی که غیر نقدی باشد به بهای روز انتقال طبق مقررات این قانون تقویم می‌شود مگر در/
مورد املاکی که به موجب مقررات قبلی یا اجرای مفاد تبصره ماده ۲۳ برای آن‌ها قیمت منطقه‌ای سابق یا ارزش/
معاملاتی تعیین شده است که در این صورت قیمت منطقه‌ای سابق یا ارزش معاملاتی حسب مورد مأخذ/
احتساب مالیات قرار خواهد گرفت./

/

ماده ۴۸- در مورد صلح معوض و هبه معوض درآمد مشمول مالیات موضوع این بخش عبارت خواهد بود از/
مابه‌التفاوت ارزش عوضین که براساس ماده ۴۷ تعیین می‌شود نسبت به طرف معامله‌ای که از آن منتفع شده/
است./

/

ماده ۴۹- صلح با شرط خیار فسخ و هبه با حق رجوع از نظر مالیاتی قطعی تلقی می‌گردد ولی در صورتی که/
ظرف سه ماه از تاریخ وقوع عقد معامله فسخ یا اقاله یا رجوع شود وجوهی که به عنوان مالیات بر درآمد وصول/
شده است از محل درآمد جاری بلافاصله مسترد می‌شود و در این صورت اگر در فاصله بین وقوع عقد و فسخ یا/
اقامه با رجوع از منافع آن استفاده شده باشد منتقل الیه نسبت به آن منفعت مشمول مالیات است لکن در/
صورتی که معامله تا تاریخ تسلیم اظهار نامه تکمیلی فسخ یا اقاله یا رجوع شود به وصول مالیات موضوع مواد ۵۳/
و ۵۴ اکتفا خواهد شد ولی در صورتی که فاصله تاریخ وقوع عقد و تاریخ تسلیم اظهارنامه تکمیلی سه ماه و یا/
کمتر باشد وجوهی که به عنوان مالیات بر درآمد گرفته شده است مسترد خواهد شد./

/

ماده ۵۰- در مورد صلح مالی که منافع آن مادام‌العمر یا برای مدت معین به مصالح یا شخص ثالث اختصاص داده/
می‌شود بهای مال به مأخذ جمع ارزش عین و منفعت در تاریخ تعلق منافع مأخذ مالیات متصالح در تاریخ مزبور/
خواهد بود./

/

تبصره در صورتی که قبل از تاریخ تعلق منفعت انتقالاتی صورت گیرد قیمت مذکور در سند مأخذ مالیات انتقال/
دهنده قرار خواهد گرفت که حسب مورد طبق مقررات این بخش یا مقررات بخش درآمد املاک مشمول مالیات/
خواهد بود./

/

لکن مأخذ مالیات آخرین انتقال گیرنده عین که منافع مال نیز به او تعلق بگیرد عبارت خواهد بود از ما به‌التفاوت/
بهای مال به شرح حکم فوق و مبلغی که طبق سند پرداخته است./

/

ماده ۵۱- در صورتی که منافع مالی به طور دائم یا موقت به صورت وقف خاص یا به صور دیگر بلاعوض به کسی/ واگذار شود انتقال گیرنده مالیات منافع هر سال را در سال بعد خواهد پرداخت./

/

ماده ۵۲- مال مورد وصیت به نفع اشخاص معین در حدودی که وصیت قانوناً نافذ است بعد از قطعی شدن آن در/ مورد وراث نسبت به مازاد سهم الارث و در مورد غیر وارث نسبت به کل آن مشمول مالیات این بخش خواهد/ بود./

/

تبصره آن قسمت از مال مورد وصیت که طبق مقررات ارث به وارث تعلق می‌گیرد مشمول مقررات مالیات بر/ ارث خواهد بود./

/

ماده ۵۳- در مورد انتقالات مشمول این بخش که در دفاتر اسناد رسمی ثبت می‌شود صاحبان دفاتر اسناد رسمی/ مکلفند به وظایف زیر عمل نمایند:/

/

الف رونوشت اسناد انتقال هر ماه را منتهی ظرف ۳۰ روز به دفتر ممیزی مالیاتی مربوط در مقابل اخذ رسید/ تسلیم نمایند./

/

ب در مورد انتقال املاک که مورد معامله عین و منفعت باشد (به استثنای وصیت) به مأخذ ارزش معاملاتی در/ صورتی که ارزش معاملاتی تعیین نشده و قیمت منطقه‌ای سابق وجود داشته باشد به مأخذ قیمت منطقه‌ای/ سابق و در غیر این موارد طبق اظهار انتقال دهنده مالیات متعلق را به نرخ مذکور در ماده ۱۳۴ وصول و تا آخر/ هفته بعد به اداره دارایی محل تحویل دهد./

/

تبصره در غیر از مواردی که معامله در دفتر خانه اسناد رسمی انجام می‌گیرد انتقال دهنده مکلف است مالیات/ متعلق را به مأخذ وجوه پرداختی (در صورتی که نقدی باشد) یا ارزش مال مورد انتقال به تشخیص خود (در/ صورتی که غیر نقدی باشد) کسر و منتهی ظرف ۳۰ روز با صورتی حاوی شرح موضوع و مشخصات صاحب درآمد/ به اداره دارایی محل تسلیم و رسید دریافت دارد./

/

ماده ۵۴- صاحبان درآمد موضوع این بخش در مواردی که مالیات بنا به اظهار انتقال دهنده پرداخت می‌شود و/ همچنین در سایر مواردی که معامله در دفتر خانه واقع نمی‌شود مکلفند اظهارنامه مالیاتی خود را ظرف دو ماه از/ تاریخ انتقال به دفتر ممیزی مالیاتی تسلیم کرده و مالیات متعلق را بپردازند./

/

ماده ۵۵- انتقالاتی که مشمول مالیات بر ارث می‌باشد مشمول مالیات بر درآمد نمی‌باشد./

/

ماده ۵۶- جوایزی که دولت برای تشویق صادرات و تولید و خرید محصولات کشاورزی پرداخت می‌نمایند مشمول/ این بخش نخواهد بود و جزو درآمد فعالیت منبع مربوط منظور و مأخذ محاسبه مالیات قرار خواهد گرفت./

/

بخش ششم درآمد مشاغل/

/

ماده ۵۷- درآمدی که شخص حقیقی از طریق اشتغال به مشاغل یا به عناوین دیگر غیر از موارد مذکور در/ بخش‌های قبلی این فصل در ایران تحصیل کند. پس از کسر معافیت‌های مقرر در این قانون مشمول مالیات بر/ درآمد مشاغل می‌باشد./

/

ماده ۵۸- درآمد مشمول مالیات در مورد مشمولین ماده ۵۷ که دارای دفاتر قانونی هستند عبارت است از کل/ فروش کالا و خدمات به اضافه سایر درآمدهای آنان که مشمول مالیات منبع دیگر شناخته نشده پس از کسر/

هزینه‌ها و استهلاکات مربوط طبق مقررات فصل هزینه‌های قابل قبول و استهلاکات./

/

تبصره ۱- از نظر مالیات دفاتر قانونی عبارت است از دفاتر مذکور در قانون تجارت و یا دفتری که طبق مفاد ماده ۱۶۱/

این قانون در حکم دفاتر قانونی شناخته شده است و یا فرم‌ها و وسایل دیگر نگاهداری حساب که با موافقت/

قبلی وزارت دارایی مورد استفاده قرار گیرد./

/

در هریک از موارد فوق باید مقررات قانون تجارت یا دستورالعمل‌های وزارت دارایی حسب مورد در تنظیم و تحریر و/

نگاهداری دفاتر و حساب و اسناد و مدارک مربوط رعایت شود وگرنه به عنوان دفاتر قانونی تلقی نخواهد/

شد./

/

تبصره ۲- مؤدیان در انتخاب یکی از روش‌های متداول حسابداری آزاد هستند ولی باید در سال‌های بعد نیز همان/

روش را اعمال نمایند./

/

ماده ۵۹- اشخاص حقیقی مذکور در زیر مکلف بنگاهداری دفاتر قانونی می‌باشند و درآمد مشمول مالیات آنان از/

روی دفاتر قانونی تشخیص داده می‌شود:/

/

۱- دارندگان کارت بازرگانی و کلیه واردکنندگان و صادرکنندگان./

/

۲- دلالان و حق‌العمل کاران که محل کسب ثابت دارند (به استثنای دلالان معاملات ملکی)./

/

۳- کارخانه‌دارانی که برای کارخانه آنان از طرف وزارت اقتصاد پروانه یا کارت به عنوان کارخانه صادر شود./

/

۴- صاحبان مؤسسات ساختمانی و تأسیسات فنی و صنعتی و دفاتر فنی و مهندسی مشاور./

/

۵- بهره‌برداران معادن./

/

۶- صاحبان مؤسسات حمل و نقل موتوری زمینی و دریایی و هوایی اعم از مسافری یا باربری./

/

۷- صاحبان سینما مؤسسات تلویزیون تماشاخانه مؤسسات فیلم‌برداری و دوبلاژ فیلم./

/

۸- صاحبان بیمارستان زایشگاه آسایشگاه تیمارستان آزمایشگاه درمانگاه (کلینیک یا پلی‌کلینیک) /

مؤسسات فیزیوتراپی./

/

۹- بهره‌برداران مؤسسات تعلیم و تربیت./

/

۱۰- دارندگان مشاغل پزشکی./

/

۱۱- وکلا دادگستری و صاحبان دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق./

/

۱۲- صاحبان مؤسسات حسابرسی و مشاوره مالی./

/

۱۳- صاحبان مجله و روزنامه و مؤسسات نشر کتاب و مؤسسات چاپ./

/

۱۴- صاحبان مؤسسات تبلیغاتی./

/

۱۵- سایر مشمولین مالیات بر درآمد مشاغل که به موجب آگهی منتشره تا آخر دی ماه هر سال از طرف وزارت/ دارایی مکلف بنگاهداری دفتر خواهند شد (نسبت به درآمد سال‌های بعد از انتشار آگهی)./

/

تبصره منظور از صاحبان مذکور در این ماده اشخاصی است که بهره‌برداری از مؤسسه به حساب آنان انجام/ می‌شود./

/

ماده ۶۰- مؤدیان مذکور در ماده ۵۹ مکلفند اظهارنامه مالیاتی مربوط به درآمد مشاغل خود را در یک سال مالیاتی/ منتهی تا آخر تیر ماه سال بعد با ترازنامه و حساب سود و زیان متکی به دفاتر قانونی به دفتر ممیزی مالیاتی/ حوزه‌ای که محل شغل مؤدی در آن حوزه واقع است تسلیم و بر اساس آن مالیات متعلق را به نرخ مذکور در ماده/ ۱۳۴ بپردازند./

/

ماده ۶۱- در موارد زیر درآمد مشمول مالیات مؤدی علی‌الرأس تشخیص خواهد شد:/

/

۱- در صورتی که تا موعد مقرر ترازنامه و حساب سود و زیان متکی به دفاتر قانونی تسلیم نشده باشد./

/

۲- در صورتی که مؤدی به درخواست کتبی ممیز مالیاتی از ارائه دفاتر و یا مدارک حساب بعضاً یا کلا در محل کار/ خود خودداری نماید. مگر این که کتبا اطلاع دهد که قبلا رسیدگی به حساب خود را به حسابدار رسمی ارجاع/ کرده است که در این مورد در صورتی دفتر غیر قابل قبول است که مؤدی گزارش حسابدار رسمی را ظرف سه/ ماه از تاریخ ابلاغ درخواست کتبی مذکور به دفتر ممیزی مالیاتی تسلیم نکند./

/

۳- در صورتی که دفاتر و اسناد و مدارک ابرازی برای محاسبه درآمد مشمول مالیات غیر قابل رسیدگی تشخیص/ شود که در این صورت ممیز مالیاتی باید مراتب را با ذکر دلیل کتبا به مؤدی ابلاغ کند. در این صورت مؤدی می‌تواند/ ظرف مدت دو ماه با مراجعه به ممیز مالیاتی اشکال رسیدگی را مرتفع و یا رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و/ زیان خود را به حسابدار رسمی ارجاع کند و مراتب را کتبا به ممیز مالیاتی اطلاع دهد. در صورتی که ظرف شش/ ماه از تاریخ ابلاغ فوق نتیجه رسیدگی حسابدار رسمی به ممیز مالیاتی تسلیم گردد طبق تبصره ماده ۲۷۹ رفتار/ و گرنه دفاتر قابل نبوده و درآمد مؤدی علی‌الرأس تشخیص خواهد شد./

/

ابلاغ مذکور قاطع مرور زمان خواهد بود./

/

۴- در صورتی که با رعایت شرایط و اوضاع و احوال اقتصادی در نسبت درآمد مشمول مالیات به حجم فعالیت یک/ مؤسسه بازرگانی در یک سال مالیاتی کاهش غیر معقولی با مقایسه با سال قبل همان مؤسسه یا سال جاری/ مؤسسات مشابه ملاحظه گردد، که در این صورت ممیز مالیاتی باید نظر خود را با ذکر دلیل کتبا به ممیز کل/ گزارش دهد. گزارش ممیز مالیاتی با اظهارنظر ممیز کل منتهی ظرف ده روز برای رسیدگی و اظهارنظر در/ کمیسیونی مرکب از ممیز کل مربوط نماینده بانک ملی محل نماینده اتاق بازرگانی یا اتاق صنایع یا شورای/ عالی اصناف حسب مورد مطرح می‌شود و در صورت عدم تشکیل اتاق صنایع یا شورای عالی اصناف نماینده/ اتاق بازرگانی در صورت عدم تشکیل اتاق بازرگانی یکی از تجار مورد اعتماد محل به دعوت اداره دارایی شرکت/ خواهد کرد. کمیسیون مکلف است با احضار مؤدی نظر خود را ظرف ۳۰ روز نسبت به قبول یا رد دفتر صریحاً اعلام/ کند که به اکثریت آرا مناط اعتبار خواهد بود./

/

ماده ۶۲- در موارد تشخیص علی‌الرأس مذکور در ماده ۶۱ درآمد مشمول مالیات در مواردی که ضمن مقررات این/ قانون ضریب خاص تعیین شده است طبق ضریب مقرر و در سایر موارد طبق جدول ضرایب تشخیص/

می‌شود./

/

ماده ۶۳- صاحبان مشاغل موضوع این بخش که مشمول ماده ۵۹ نمی‌باشند و شغل آنان نوعاً اقتضای داشتن/ درآمد سالانه مستمر دارد در صورتی که درآمد سالانه آنان از شصت هزار ریال بیشتر باشد مکلفند اظهارنامه/ مالیاتی مربوط به درآمد خود را در سال اول اجرای این قانون طبق نمونه‌ای که وسیله وزارت دارایی تهیه خواهد/ شد تنظیم و تا آخر تیر ماه سال بعد به دفتر ممیزی مالیاتی حوزه محل شغل تسلیم کنند و مالیات متعلق را به/ نرخ مذکور در ماده ۱۳۴ بپردازند./

/

تبصره ۱- مؤدیانی که دارای چند محل شغل هستند باید برای درآمد هر محل اظهارنامه جداگانه به دفتر ممیزی/ مالیاتی حوزه مربوط تسلیم کنند./

/

تبصره ۲- در مورد مشمولین این ماده که دارای محل معین برای شغل خود نمی‌باشند محل سکونت آنان از نظر/ تسلیم اظهارنامه محل شغل تلقی می‌شود./

/

تبصره ۳- مؤدیان مشمول این ماده که ترازنامه متکی به دفاتر قانونی تسلیم می‌نمایند تابع احکام مواد ۵۸ و ۶۰/ خواهند بود و در موارد مذکور در ماده ۶۱ درآمد آن‌ها طبق مواد آتی تشخیص خواهد شد./

/

ماده ۶۴- درآمد مشمول مالیات مشمولین ماده ۶۳ به میزانی که در اظهارنامه تسلیمی اعلام می‌شود مبنای/ مطالبه مالیات متعلق به درآمد سال اول اجرای این قانون خواهد بود و در صورتی که این درآمد کمتر از پانصد هزار/ ریال باشد با اعمال ضریبی که همه ساله از طرف کمیسیون ضرایب برای هریک از انواع مشاغل معین می‌شود/ مبنای مطالبه مالیات مؤدی در هر یک از ۴ سال بعد نیز خواهد بود. هر گاه ظرف سه سال از تاریخ تسلیم/ اظهارنامه مذکور حسب تشخیص قطعی طبق مقررات این قانون درآمد مشمول مالیات مؤدی بیش از مبلغ مذکور/ در اظهارنامه تعیین شود در این صورت درآمد تشخیص شده قطعی به جای درآمد مذکور در اظهارنامه برای سال/ اجرای این قانون ملاک عمل قرار می‌گیرد و در صورتی که میزان درآمد تشخیص شده قطعی کمتر از پانصد هزار/ ریال باشد با رعایت ضریب مربوط که ممکن است اضافی و یا نقصانی باشد و در صورت وجود ضریب اضافی در هر/ سال از ۵ درصد تجاوز نخواهد کرد برای ۴ سال بعد نیز مأخذ قرار خواهد گرفت و مؤدی مکلف است مالیات متعلق/ به درآمد هر سال را به نرخ مذکور در ماده ۱۳۴ تا آخر تیر ماه سال بعد محاسبه و پرداخت نماید و درآمدهای/ مشمول مالیات که به این ترتیب تعیین می‌شود قطع/

/

ی است مگر در موارد زیر:/

/

۱- در صورتی که معلوم شود مؤدی از اول یک سال مالیاتی یا در اثنای آن ترک کسب کرده است که در صورت اخیر/ مالیات متعلق به نسبت مدت اشتغال مطالبه و وصول خواهد شد./

/

۲- در صورتی که مؤدی ترازنامه متکی به دفاتر قانونی تسلیم نماید که در این صورت مالیات بر درآمد همان‌سال/ مؤدی تابع مقررات مواد ۵۸ و ۶۰ خواهد بود لکن در موارد مذکور در ماده ۶۱ مؤدی کماکان مشمول مقررات/ قسمت اول این ماده بوده ولی مشمول جریمه‌ای معادل پانزده درصد مابه‌التفاوت مالیات قطعی شده و مالیات/ اظهار شده از طرف مؤدی خواهد بود./

/

۳- در صورتی که مؤدی تا تاریخ سررسید پرداخت مالیات اسناد و مدارکی ارائه بدهد که به علل و جهات خاص/ مربوط به خود مؤدی درآمد او در یک سال مالیاتی پنجاه درصد یا بیشتر نقصان پیدا کرده و این امر مورد تأیید/ کمیسیون تشخیص قرار گیرد./

/

تبصره رأی کمیسیون تشخیص در مورد بند ۳ این ماده به اکثریت قطعی است و برای مالیات همان سال مناط/
اعتبار است و در صورتی که رأی حاکی از رد ادعای مؤدی باشد معادل پانزده درصد مالیات متعلق آن سال به/
عنوان جریمه از مؤدی اخذ خواهد شد./

/

ماده ۶۵- مشمولین ماده ۶۳ که درآمد مشمول مالیات آن‌ها در سال اول اجرای این قانون به موجب اظهارنامه/
تسلیمی پانصد هزار ریال یا بیشتر اعلام گردد از سال دوم اجرای این قانون و در صورتی که درآمد مذکور در/
اظهارنامه کمتر از پانصد هزار ریال باشد ولی به موجب تشخیص قطعی پانصد هزار ریال یا بیشتر تعیین گردد از/
سال بعد از تشخیص قطعی مکلف به نگاهداری دفاتر قانونی بوده و مشمول مقررات مواد ۵۸ و ۶۰ می‌باشند و/
در موارد مذکور در ماده ۶۱ مشمول جریمه مقرر خواهند بود ولی درآمد مشمول مالیات آنان طبق مقررات قسمت/
اول ماده ۶۴ تعیین و مالیات متعلق به آن قطعی خواهد بود مگر این که ممیز مالیاتی با ارائه اسناد و مدارک قابل/
قبول ثابت نماید که به علل و جهات خاص مربوط به مؤدی درآمد او در یک سال مالیاتی دویست و پنجاه هزار ریال یا/
بیشتر افزایش یافته و این امر مورد تأیید کمیسیون تشخیص قرار گیرد./

/

رأی کمیسیون تشخیص در این مورد به اکثریت قطعی است و برای مالیات همان سال مناط اعتبار است./

/

ماده ۶۶- ممیز مالیاتی مکلف است اظهارنامه‌های مذکور در ماده ۶۳ و همچنین مشخصات سایر مشمولین ماده/
۶۳ حوزه خود را که از تسلیم اظهارنامه به موقع خودداری نموده‌اند برای اظهار نظر به یکی از نمایندگان مشاغل/
حوزه سرممیزی مربوط ارائه دهد تا نظر خود را در روی اوراق اظهارنامه بنویسد و سپس نظر خود را با استفاده از/
تحقیقات محلی و اطلاعات مکتسبه با ذکر جهات و دلایل روی اوراق اظهار نامه نوشته و پرونده را برای اظهارنظر/
نزد سر ممیز بفرستد./

/

سر ممیز مالیاتی مکلف است ظرف ۳۰ روز با توجه به مندرجات اظهارنامه و نظرات نماینده مشاغل حوزه و ممیز/
مالیاتی مربوط و رسیدگی‌های لازم نظر خود را نسبت به میزان درآمد مشمول مالیات اعلام و پرنده را نزد ممیز/
اعاده دهد در صورتی که بین نظر سرممیز و مبلغی که مؤدی در اظهارنامه اعلام نموده پانزده درصد یا کمتر/
اختلاف باشد مبلغ مذکور در اظهارنامه مستند بوده و بر طبق مقررات این قانون مفاصا حساب صادر می‌شود و در/
غیر این صورت بر اساس نظر سرممیز اقدام به صدور برگ تشخیص مالیات خواهد شد./

/

تبصره ۱- طرز ابلاغ و حل و فصل اختلافات در مورد برگ تشخیص به شرحی است که در باب سوم مقرر شده/
است رأی صادره از کمیسیون تشخیص در این مورد قطعی و غیر قابل تجدیدنظر است./

/

تبصره ۲- نمایندگان مشاغل از طرف صاحبان مشاغل انتخاب می‌شوند./

/

آیین‌نامه طرز انتخاب نمایندگان مذکور از طرف وزارت دارایی تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران به موقع اجرا گذارده/
خواهد شد./

/

در صورتی که از تاریخ درخواست دارایی بیش از یک ماه در انتخاب و معرفی نماینده مشاغل از طرف مراجع مربوط/
تأخیر گردد و یا پس از معرفی نماینده مزبور استعفا و یا فوت کند و یا نماینده منتخب در اظهارنظر نسبت با/
ارجاعات ممیز بیش از پانزده روز تأخیر کند ممیز نسبت به تشخیص درآمد مشمول مالیات مؤدیان مربوط بدون/
اظهارنظر نماینده مشاغل اقدام خواهد کرد./

/

ماده ۶۷- مشمولین ماده ۶۳ که درآمد مشمول مالیات آنان در سال اول اجرای این قانون به موجب دفاتر قانونی/
تشخیص داده می‌شود و در یکی از سال‌های بعد مشمول مفاد ماده ۶۱ شوند و یا این که بعد از سال اول اجرای/
این قانون شروع به کار نمایند یا تغییر شغل دهند درآمد مشمول مالیات آنان در آن سال طبق مقررات مواد ۶۳ و/

۶۴ و ۶۵ و ۶۶ تشخیص داده می‌شود. درآمد تشخیص شده با رعایت احکام مواد مذکور برای مالیات بقیه مدت/
پنج سال از سال اول اجرای این قانون مأخذ خواهد بود./
/
ماده ۶۸- پس از انقضای هر دوره پنج ساله از تاریخ اجرای این قانون درآمد مؤدیان مشمول ماده ۶۳ مجددا طبق/
مواد ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ این قانون تعیین و با رعایت احکام مواد مذکور مأخذ وصول مالیات برای چهار سال/
بعد خواهد بود./
/
ماده ۶۹- سایر مشمولین مالیات بر درآمد مشاغل که مشمول مواد ۵۹ و ۶۳ نمی‌باشند مکلفند تا آخر تیر ماه هر/
سال اظهارنامه مالیاتی مربوط به درآمد سال قبل خود را طبق نمونه‌ای که از طرف وزارت دارایی تهیه خواهد شد/
تنظیم و به ممیز مالیاتی حوزه محل سکونت خود تسلیم و مالیات متعلق را به نرخ مذکور در ماده ۱۳۴ پرداخت/
نمایند./
/
ماده ۷۰- درآمد مشمول مالیات مشمولین ماده ۶۹ عبارت است از:/
/
الف هشتاد درصد دریافتی در مورد درآمد ناشی از خدمات./
/
ب- درآمد مشمول مالیات هنرمندان و هنرپیشگان سینما و تاتر و مصنفین و مؤلفین و نویسندگان ۶۵ درصد وجوه/
دریافتی از بابت درآمد حاصل از فعالیت‌های مزبور خواهد بود./
/
پ در سایر موارد مطابق جدول ضرایب./
/
تبصره در مورد مشمولین ماده ۶۹ در صورتی که با اظهارنامه خود ترازنامه و حساب سود و زیان متکی به دفاتر/
قانونی تسلیم کنند درآمد مشمول مالیات طبق مفاد ماده ۵۸ تشخیص می‌گردد و در موارد مذکور در ماده ۶۱/
درآمد مشمول مالیات آن‌ها حسب مورد طبق مفاد بندهای الف و ب این ماده به طور علی‌الرأس تشخیص/
خواهد شد./
/
ماده ۷۱- درآمد مشمول مالیات دارندگان مشاغل پزشکی در موارد تشخیص علی‌الرأس عبارت است از مجموع/
حق الزحمه‌های پزشک بابت حق عیادت و جراحی و سایر درآمدهای دریافتی او مربوط به شغل پزشکی (به/
استثنای آنچه مشمول تعریف مالیات حقوق است) که با استفاده از دفاتر بیمارستان‌ها و تحقیقات محلی و سایر/
قرائن و امارات تعیین خواهد شد. پس از کسر حداکثر چهل درصد آن بابت هزینه‌ها و استهلاک‌های قانونی و/
معالجات مجانی طبق آیین‌نامه‌ای که از طرف وزارت دارایی با جلب نظر وزارت بهداری تنظیم و به موقع اجرا گذارده/
می‌شود./
/
ماده ۷۲- وکلا دادگستری و کسانی که در محاکم اختصاصی وکالت می‌کنند مکلفند در وکالتنامه‌های خود رقم/
حق‌الوکاله را قید نمایند و معادل پنج درصد آن بابت علی‌الحساب مالیاتی روی وکالتنامه تمبر الصاق و ابطال/
نمایند که در هر حال مبلغ تمبر حسب مورد نباید کمتر از میزان مقرر در زیر باشد:/
/
الف در دعاوی و اموری که خواسته آن‌ها مالی است پنج درصد حق الوکاله مقرر در تعرفه برای هر/
مرحله./
/
ب- در مواردی که موضوع وکالت مالی نباشد یا تعیین بهای خواسته قانوناً لازم نیست و همچنین در دعاوی/
کیفری که تعیین حق‌الوکاله به نظر دادگاه است پنج درصد حداقل حق الوکاله مقرر در آیین‌نامه حق‌الوکاله برای/
هر مرحله./

/

پ در دعاوی کیفری نسبت به مورد ادعای خصوصی که مالی باشد بر طبق مفاد حکم بند الف این ماده./

/

ت– در مورد دعاوی و اختلافات مالی که در مراجع اختصاصی غیر قضایی رسیدگی و حل و فصل می‌شود و برای/ حق الوکاله آن‌ها تعرفه خاصی مقرر نشده است از قبیل اختلافات مالیاتی و عوارض و توسعه معابر شهرداری و/ نظایر آن‌ها میزان حق الوکاله صرفاً از لحاظ مالیاتی به شرح زیر:/

/

تا پانصد هزار ریال مابه‌الاختلاف پنج درصد./

/

تا یک میلیون ریال مابه‌الاختلاف چهار درصد نسبت به مازاد پانصد هزار ریال./

/

تا دو میلیون ریال مابه‌الاختلاف سه درصد نسبت به مازاد یک میلیون ریال./

/

از دو میلیون ریال مابه‌الاختلاف به بالا دو درصد نسبت به مازاد دو میلیون ریال./

/

منظور می‌شود و معادل پنج درصد آن تمبر باطل خواهد شد./

/

مفاد این بند در باره اشخاصی که وکالتاً در مراجع مذکور در این بند اقدام می‌نمایند (ولو این که وکیل دادگستری/ نباشند) نیز جاری است جز در مورد کارمندان مؤدی با پدر مادر برادر خواهر پسر دختر نواده همسر/ مؤدی./

/

تبصره ۱ – در هر مورد که طبق مفاد این ماده عمل نشده باشد وکالت وکیل با رعایت مفاد ماده ۸۵ قانون آیین/ دادرسی مدنی در هیچ یک از دادگاه‌ها و مراجع مزبور قابل قبول نخواهد بود مگر در مورد وکالت‌های مرجوعه از/ طرف سازمان‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها که محتاج به ابطال تمبر/ روی وکالت نامه نمی‌باشد./

/

تبصره ۲– سازمان‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها مکلفند از وجوهی که/ بابت حق‌الوکاله به وکلا پرداخت می‌کنند پنج درصد آن را کسر و بابت علی‌الحساب مالیات وکیل به اداره دارایی/ محل پرداخت نمایند./

/

تبصره ۳– در صورتی که پس از ابطال تمبر تعقیب دعوی به وکیل دیگری واگذار شود وکیل جدید مکلف به ابطال/ تمبر به وکالت نامه مربوط نخواهد بود./

/

ماده ۷۳– در مواردی که دادگاه‌ها حق‌الوکاله یا خسارت حق‌الوکاله را بیشتر یا کمتر از مبلغی که مأخذ ابطال تمبر/ روی وکالتنامه قرار گرفته است تعیین نمایند. مدیران دفتر دادگاه مکلفند میزان مورد حکم قطعی را به دارایی/ مربوط اطلاع دهند تا مابه‌التفاوت مورد محاسبه قرار گیرد./

/

ماده ۷۴– درآمد مشمول مالیات ناشی از وکالت در موارد تشخیص علی‌الرأس عبارت است از مجموع/ حق‌الوکاله‌های وکیل به مأخذی که مبنای ابطال تمبر قرار گرفته طبق صورت تمبر مصرفی و سایر درآمدهای/ مربوط به شغل وکالت از قبیل دریافتی بیش از میزان تعرفه و حق مشاوره طبق اسناد و مدارک مثبته که دریافتی/ وکیل را از بابت این وجوه مسلم نماید (به استثنای آنچه مشمول تعریف مالیات حقوق است(پس از کسر چهل/ درصد بابت هزینه‌ها و استهلاک‌های قانونی و وکالت‌های مجانی./

/

ماده ۷۵- سازمان‌های دولتی و شهرداری‌ها و مؤسسات بازرگانی و انتفاعی وابسته به دولت و شهرداری‌ها و/
مؤسسات عام‌المنفعه مستقل و شرکت‌ها در هر مورد که وجوهی بابت حق‌الزحمه از قبیل حق الزحمه پزشکی/
و هزینه‌های بیمارستانی داوری مشاوره کارشناسی حسابرسی نویسندگی تألیف و تصنیف /
اختراع و اکتشاف آهنگسازی و نوازندگی و هنرپیشگی نقاشی و مجسمه‌سازی دلالی و حق‌العمل کاری/
پرداخت می‌کنند و همچنین صاحبان سینماها و تلویزیون که وجوهی بابت حق نمایش فیلم به هر عنوان پرداخت/
می‌کنند مکلفند پنج درصد آن را کسر و تا آخر روز دهم ماه بعد با صورتی حاوی مشخصات لازم در مقابل اخذ/
رسید به عنوان مالیات مؤدی به اداره دارایی محل پرداخت نمایند./

/

تبصره در مواردی که وجوه مذکور در این ماده در صندوق دادگستری و امثال آن قبلا تودیع شده باشد و یا وسیله/
مراجع اجرایی وصول و ایصال گردد انجام تکالیف مقرر در این ماده به عهده متصدیانی خواهد بود که دستور/
پرداخت وجوه مذکور را صادر می‌کنند./

/

ماده ۷۶- در مورد پیمانکاری اعم از این که توسط شخص حقیقی یا حقوقی انجام شود نسبت به هر نوع کار/
ساختمانی و تاسیسات فنی و تاسیساتی یا پیمانکاری حمل و نقل و یا تهیه طرح ساختمان‌ها و تاسیسات و/
نقشه‌کشی و نقشه‌برداری و نظارت و محاسبات فنی از هر قبیل کارفرما در صورتی که از جمله اشخاص مذکور/
در ماده ۷۵ باشد به طور کلی و در غیر این صورت اگر مبلغ کل پیمان ده میلیون ریال یا بیشتر باشد مکلف است/
ظرف ۳۰ روز از تاریخ انعقاد قرارداد رونوشت آن را به دفتر ممیزی حوزه مالیاتی محل با اخذ رسید تسلیم و در هر/
پرداخت پنج درصد مبلغ پرداختی را کسر کند و منتهی ظرف ۳۰ روز به اداره دارایی محل بپردازد و هر گاه رونوشت/
قرارداد به دفتر ممیزی حوزه مالیاتی تسلیم نگردد ممیز مالیاتی مربوط با تحقیقات لازم و استفاده از اطلاعات/
مکتسبه ارزش موضوع مورد قرارداد را تشخیص و مالیات موضوع این ماده را از کارفرما مطالبه خواهد نمود و در/
صورتی که کارفرما از معرفی پیمانکار خودداری یا نتواند با ارائه مدارک اسناد عمل را به او ثابت کند مالیات متعلق/
به درآمد مشمول مالیات پیمانکاری مزبور که بر اساس ماده ۷۹ احتساب خواهد شد طبق نرخ مذکور در ماده ۱۳۴ /
از کارفرما مطالبه و/

/

وصول خواهد شد./

/

تبصره در مواردی که اجرای قسمتی از قرارداد به دست دوم واگذار شود واگذار کننده از لحاظ این ماده در حکم/
کارفرما محسوب و مکلف به اجرای مفاد این ماده خواهد بود منتهی به جای پنج درصد مذکور در این ماده دو و نیم/
درصد مبلغ پرداختی را کسر و به اداره دارایی محل پرداخت خواهد کرد./

/

ماده ۷۷- در موردی که انجام تمام مورد قرارداد موضوع ماده ۷۶ و حقوق ناشی از اجرای آن از طرف پیمانکار/
کلابدیگری انتقال داده شود درآمد مشمول مالیات انتقال‌دهنده از واگذاری قرارداد مزبور عبارت است از ده درصد/
مبلغ کل قرارداد./

/

ماده ۷۸- وزارت دارایی مکلف است به منظور سهولت تشخیص درآمد مشمول مالیات پیمانکاری، حسابرسی/
فنی خود را ظرف پنج سال تجهیز و تکمیل نماید./

/

تبصره به منظور تسهیل تشخیص درآمد مشمول مالیات پیمانکاری وزارت دارایی می‌تواند مادام که کادر مزبور/
در کشور تأمین نشده است تدریجاً در بعضی از حوزه‌های مالیاتی و با استفاده از مهندسین متخصص مربوط به/
هریک از وزارتخانه‌ها و مؤسسات و سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت درآمد مشمول مالیات مقاطعه‌کاران را/
بر اساس رسیدگی به دفاتر و رعایت مقررات مربوط و مقرر در این قانون تعیین نماید. در مواردی که پیمانکار یک/
واحد پیمانکاری در دست اجرا داشته باشد وزارت دارایی می‌تواند درآمد مشمول مالیات این پیمانکاری را پس از/
اتمام پیمانکاری در سال مربوط به خاتمه کار برای تمام مدت سال‌های انجام کار تعیین و درآمد مزبور را به مدت/

انجام کار تقسیم و درآمد هر سال را تعیین و بر طبق مقررات این قانون مطالبه و وصول نماید./

/

ماده ۷۹- درآمد مشمول مالیات نسبت به عملیات موضوع ماده ۷۶ در موارد مذکور در ماده ۶۱ به طور کلی و/ نسبت به پیمانکاری هر نوع کار ساختمانی به استثنای عملیات حفاری چاه‌های عمیق و تاسیسات فنی و/ صنعتی مادام که حسابرسی مذکور در ماده ۷۸ آماده و از طرف وزارت دارایی اعلان نشده است در تمام موارد/ عبارت است از دوازده درصد دریافتی سالانه./

/

تبصره ۱- در مورد پیمانکاران دست دوم نسبت درآمد مشمول مالیات عبارت است از نصف ضریب مذکور در این/ ماده ./

/

تبصره ۲- نصف وجوهی که به شرح ماده هفتاد و شش و تبصره آن وسیله کارفرما کسر و به اداره دارایی محل/ پرداخت شده است در موقع احتساب مالیات مشمولین ماده مزبور از مالیات متعلق کسر خواهد شد./

/

بخش هفتم درآمد اشخاص حقوقی/

/

ماده ۸۰- جمع درآمد شرکت‌ها و درآمد ناشی از فعالیت‌های انتفاعی سایر اشخاص حقوقی که از منابع مختلف/ در ایران یا خارج تحصیل شود پس از کسر معافیت‌های مقرر در این قانون به ترتیب زیر مشمول مالیات خواهد/ بود:/

/

الف- در مورد شرکتهایی که تمام سرمایه آن متعلق به دولت یا شهرداری‌ها می‌باشد از مأخذ کل درآمد مشمول/ مالیات بدون رعایت معافیت‌های مقرر در این قانون به نرخ مذکور در ماده ۱۳۴ و در صورتی که قسمتی از سرمایه/ آن‌ها متعلق به دولت و شهرداری است حکم این بند نسبت به سود پرداختی یا تخصیصی به دولت یا/ شهرداری‌ها جاری خواهد بود و نسبت به بقیه درآمد مشمول مالیات مقررات بند ت این ماده اجرا خواهد/ شد./

/

ب- در مورد اشخاص حقوقی ایرانی غیر تجارتی که به منظور تقسیم سود بین شرکا تشکیل نشده‌اند در صورتی/ که دارای فعالیت انتفاعی باشند از مأخذ کل درآمد مشمول مالیات آن‌ها که از منابع ایران یا خارج تحصیل می‌شود/ به نرخ مذکور در ماده ۱۳۴./

/

پ در مورد اشخاص حقوقی خارجی و مؤسسات مقیم خارج از ایران (به استثنای مشمولین ماده ۹۰) از مأخذ/ کل درآمد مشمول مالیاتی که از بهره‌برداری سرمایه در ایران یا از فعالیت‌هایی که مستقیماً یا وسیله نمایندگی/ از قبیل شعبه نماینده کارگذار و امثال آن در ایران انجام می‌دهند یا از واگذاری امتیازات و سایر حقوق خود یا/ دادن تعلیمات و کمک‌های فنی از ایران تحصیل می‌کنند به نرخ مذکور در ماده ۱۳۴./

/

اشخاص و مؤسسات مذکور باید برای درآمدهای خود در ایران حساب جداگانه‌ای نگاهداری نمایند و در محاسبه/ هزینه‌های عادی و اداری فقط هزینه‌هایی که مربوط به عملیات آن‌ها در ایران است قابل قبول خواهد بود (/ نمایندگان اشخاص و مؤسسات خارجی در ایران نسبت به درآمدهایی که به هر عنوان به حساب خود تحصیل/ می‌کنند طبق مقررات مربوط این قانون مشمول مالیات می‌باشند)./

/

ت- جمع درآمد مشمول مالیات سایر اشخاص حقوقی پس از کسر مالیاتی به نرخ ۱۰% که به عنوان مالیات/ شرکت از درآمدهای غیر مشمول ماده ۷۶ و تبصره آن محاسبه و وصول خواهد شد به شرح زیر مشمول مالیات/ است:/

/

۱- در مورد شرکت‌های سهامی و مختلط سهامی نسبت به آن قسمت از درآمد که طبق تصمیم ارکان صلاحیتدار/ شرکت برای تقسیم بین صاحبان سهام با نام و شرکا ضامن تخصیص داده می‌شود به نرخ پانزده درصد و نسبت/ به بقیه درآمد مشمول مالیات شرکت (اعم از سود پرداختی به صاحبان سهام بی‌نام و سود تقسیم نشده) به/ طور مقطوع به نرخ ۲۵ درصد./

/

۲- در مورد سایر اشخاص حقوقی به نسبتی از سود مشمول مالیات که طبق اساسنامه شخص حقوقی به/ هریک از صاحبان سرمایه یا اعضا شخص حقوقی تعلق می‌گیرد به نرخ مقرر در ماده ۱۳۴./

/

تبصره ۱- در موقع احتساب مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی اعم از ایرانی یا خارجی مالیات‌هایی که قبلا پرداخت/ شده و همچنین مالیاتی که اشخاص حقوقی دیگر بابت سود سهام یا سهم‌الشرکه پرداختی به آن‌ها پرداخت/ نموده‌اند از مالیات متعلق کسر خواهد شد./

/

تبصره ۲- سود سهام یا سهم‌الشرکه اگر به صورت غیر نقد از اموال یا موجودی کالای شرکت تحویل و یا تخصیص/ داده شود از لحاظ پرداخت مالیات باید بهای آن به قیمت روز تحویل یا تخصیص محاسبه شود./

/

تبصره ۳- دفاتر و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت‌ها و مؤسساتی که تمام سرمایه آن متعلق به دولت/ می‌باشد در صورتی که قبلا مورد رسیدگی وزارت دارایی قرار گرفته باشد پس از تصویب مجمع عمومی یا مراجع/ صلاحیتدار از لحاظ مالیاتی محتاج به رسیدگی نخواهد بود./

/

تبصره ۴- در مورد شرکت‌های سهامی در صورتی که جمع سود متعلق به صاحبان سهام بی‌نام و سود تقسیم/ نشده شرکت یا هریک از آن‌ها موضوع قسمت اخیر جز یک بند ت از یکصد میلیون ریال تجاوز کند نسبت به/ مازاد به نرخ صدی پنجاه مشمول مالیات خواهد بود و در صورت احراز شرایط زیر اولاً سهام شرکت با نام باشد/ ثانیاً در بورس پذیرفته شده باشد. ثالثاً تعداد سهام‌داران آن از یکصد نفر کمتر نباشد سود تقسیم نشده شرکت تا/ معادل بیست درصد سرمایه پرداخت شده ولو این که از یکصد میلیون ریال تجاوز کند به نرخ ۲۵% و نسبت به مازاد/ بر بیست درصد نرخ ۵۰% اعمال خواهدشد./

/

تبصره ۵- مالیات سود متعلق به صاحبان سهام با نام موضوع قسمت اول جز یک بند ت در صورتی که صاحب/ سهام غیر ایرانی یا مقیم خارج از کشور باشد به نرخ مقرر در ماده ۱۳۴ احتساب و وصول خواهد شد./

/

تبصره ۶- مشارکت‌های مدنی از نظر این قانون شخص حقوقی تلقی می‌شوند./

/

ماده ۸۱- درآمد مشمول مالیات در مورد اشخاص حقوقی (به استثنای درآمدهایی که طبق مقررات این قانون/ نحوه دیگری برای تشخیص آن مقرر شده است) از طریق رسیدگی به دفاتر قانونی بر طبق مقررات ماده ۵۸ این/ قانون و در موارد مذکور در ماده ۶۱ به طور علی‌الرأس تشخیص می‌گردد در شرکت‌های تعاونی اندوخته‌های/ قانونی به میزانی که در دفاتر شرکت منظور شده جزو هزینه محسوب خواهد شد./

/

در مورد درآمدهایی که طبق مقررات این قانون نحوه دیگری برای تشخیص آن مقرر شده است اشخاص حقوقی/ مکلف به تسلیم اظهارنامه جداگانه که در بخش‌های مربوط پیش‌بینی شده است نیستند./

/

تبصره درآمد مشمول مالیات در مورد اشخاص حقوقی خارجی و مؤسسات مقیم خارج از ایران بابت واگذاری/ امتیازات و سایر حقوق خود و دادن تعلیمات و کمک‌های فنی و واگذاری فیلم‌های سینمایی (که به عنوان بها یا/ حق نمایش یا هر عنوان دیگر عاید آن‌ها می‌شود) به طور علی‌الرأس تشخیص می‌گردد و عبارت است از ۳۵ تا/ ۷۰ درصد مجموع وجوهی که ظرف یک سال مالیاتی عاید آن‌ها می‌شود طبق آیین‌نامه‌ای که به پیشنهاد وزارت/

دارایی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. پرداخت‌کنندگان وجوه مزبور مکلفند در هر پرداخت مالیات متعلق را/
کسر و ظرف مدت ده روز به اداره دارایی محل اقامت خود پرداخت نمایند و در غیر این صورت با دریافت‌کنندگان/
متضامناً مسئول پرداخت اصل مالیات و متعلقات آن خواهند بود./

/

ماده ۸۲- درآمد مشمول مالیات در مورد مؤسسات بیمه ایرانی و شعبه و یا نمایندگی مؤسسات بیمه خارجی که/
مجاز به انجام معاملات بیمه در ایران می‌باشد عبارت است از:/

/

۱- مجموع حق بیمه‌های دریافتی ظرف سال اعم از مستقیم یا اتکایی پس از وضع سهم بیمه‌گر اتکایی که به/
موجب قراردادهای تنظیمی پرداخت و یا تخصیص داده شده است./

/

۲- کارمزدهای متعلق به بیمه‌های اتکایی واگذار شده./

/

۳- سایر درآمدها./

/

پس از کسر:/

/

۱- کارمزدهای پرداختی و هزینه‌های قابل قبول و استهلاکات طبق مقررات فصل هزینه‌های قابل قبول و/
استهلاکات./

/

۲- اندوخته بیمه عمر برای پرداخت سرمایه‌ها و خسارات طبق ذخیره ریاضی بر اساس حق بیمه پس از کسر/
سهم بیمه‌گر اتکایی./

/

۳- اندوخته سایر انواع بیمه برای پرداخت خسارات طبق ضرایبی که به مأخذ حقوق بیمه دریافتی پس از کسر/
سهم بیمه‌گر اتکایی از طرف وزارت دارایی با جلب نظر سندیکای بیمه‌گران ایران تهیه و به تصویب هیات وزیران/
خواهد رسید./

/

۴- آن قسمت از خسارات که مازاد بر اندوخته‌های شرکت پرداخت شده است./

/

در مورد شعب و یا نمایندگی مؤسسات بیمه خارجی که مجاز به انجام معاملات بیمه در ایران می‌باشند حقوق و/
کارمزدهای دریافتی از مؤسسات بیمه خارجی به عنوان بیمه‌گر اتکایی و همچنین سهمی هزینه‌های متعلق و/
خسارات پرداختی از این بابت در محاسبه مالیات منظور نخواهد شد./

/

درآمد مشمول مالیات در مورد مؤسسات بیمه خارجی که با انعقاد قرارداد بدون تاسیس شعبه یا نمایندگی از/
مؤسسات بیمه ایرانی یا نمایندگی و شعب بیمه‌های خارجی در ایران به عنوان بیمه‌گر اتکایی حق بیمه دریافت/
می‌دارند عبارت است از دوازده درصد کل حقوق متعلق به آن‌ها در سال مالیاتی بر اساس قراردادهای مربوط/
بدون احتساب هرگونه هزینه ولی در صورتی که کشور متبوع مؤسسه بیمه‌گر اتکایی از این گونه وجوه پرداختی/
به شرکت‌های بیمه ایرانی مالیات دریافت نکند درآمد مذکور از مالیات دولت ایران معاف است./

/

تبصره پنجاه درصد اندوخته بیمه عمر (موضوع بند ۲) پس از کسر خسارات و سرمایه‌های پرداخت شده و چهل/
درصد اندوخته سایر بیمه‌ها (موضوع بند ۳) پس از کسر خسارات پرداخت شده به مصرف خرید اسناد خزانه/
خواهد رسید و بهره متعلق به جمع اندوخته‌های مربوط افزوده می‌شود وگرنه جزو سایر درآمدها مشمول مالیات/
خواهد بود./

/

ماده ۸۳- مدیران هریک از اشخاص حقوقی مکلفند اظهارنامه مالیاتی نسبت به کلیه درآمد مشمول مالیات را/ منتهی چهار ماه پس از پایان سال مالیاتی با ترازنامه و حساب سود و زیان متکی به دفاتر قانونی مصوب مجمع/ عمومی به دفتر ممیزی مالیاتی حوزه‌ای که اقامتگاه شخص حقوقی در آن واقع است تسلیم و مالیات متعلق را/ به ترتیب مقرر در این بخش احتساب و پرداخت نمایند. محل تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات اشخاص حقوقی/ خارجی و مؤسسات مقیم خارج از کشور که در ایران دارای اقامتگاه یا نمایندگی نمی‌باشند تهران است./

/

تبصره ۱- در مورد اشخاص حقوقی ایرانی صورت جلسه مجمع عمومی را جمع به طرز تقسیم سود و فهرست/ شرکا و صاحبان سهام با نام شرکت با تعیین سود پرداختی یا تخصیصی به آنان به تفکیک و نشانی آن‌ها نیز باید/ به ضمیمه اظهارنامه تسلیم گردد./

/

تبصره ۲- شرکت‌ها و مؤسسات موضوع تبصره ۳ ماده ۸۰ مکلفند ترازنامه و حساب سود و زیان خود را در مهلت/ مقرر در این ماده به وزارت دارایی تسلیم نمایند مهلت مذکور با ارائه دلایلی که مورد قبول وزارت دارایی باشد/ قابل تمدید است./

/

ماده ۸۴- آخرین مدیر یا مدیران شخص حقوقی مشترکاً موظفند قبل از تاریخ تشکیل مجمع عمومی یا سایر ارکان/ صلاحیتدار شرکت که برای اتخاذ تصمیم نسبت به انحلال شخص حقوقی دعوت شده است اظهارنامه‌ای حاوی/ صورت دارایی و بدهی شخص حقوقی در تاریخ انحلال روی نمونه‌ای که بدین منظور از طرف وزارت دارایی تهیه/ می‌گردد تنظیم و به دفتر ممیزی مالیاتی مربوط تسلیم نمایند./

/

ماده ۸۵- مأخذ محاسبه مالیات آخرین دوره عملیات اشخاص حقوقی که منحل می‌شوند ارزش دارایی شخص/ حقوقی است منهای بدهی‌ها و سرمایه پرداخت شده و ذخیره‌هایی که مالیات آن قبلا پرداخت گردیده/ است./

/

تبصره ارزش دارایی شخص حقوقی نسبت به آنچه فروش رفته بر اساس بهای فروش و نسبت به بقیه بر/ اساس بهای روز انحلال تعیین می‌شود./

/

ماده ۸۶- مدیران تصفیه اشخاص حقوقی مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ انحلال اظهارنامه مالیاتی مربوط به/ آخرین دوره عملیات شرکت را بر اساس ماده ۸۵ تنظیم و به دفتر ممیزی مالیاتی مربوط تسلیم و ترتیب پرداخت/ مالیات متعلق را بدهند./

/

ماده ۸۷- ممیز مالیاتی مکلف است به اظهارنامه مربوط به آخرین دوره عملیات اشخاص حقوقی خارج از نوبت/ رسیدگی نموده و در صورتی که به مندرجات آن اعتراضی داشته باشد منتهی ظرف یک سال از تاریخ تسلیم/ اظهارنامه مالیات متعلق را به موجب برگ تشخیص تعیین و ابلاغ نماید وگرنه مالیات متعلق به اظهارنامه تسلیمی/ به وسیله مدیران تصفیه قطعی تلقی می‌گردد. در صورتی که بعدا معلوم گردد اقلامی از دارایی شخص حقوقی/ در اظهارنامه ذکر نشده است نسبت به آن قسمت که در اظهارنامه قید نشده مالیات مطالبه خواهد شد./

/

ماده ۸۸- تقسیم دارایی اشخاص حقوقی منحل شده قبل از تحصیل مفاصا حساب مالیاتی یا بدون سپردن تأمین/ معادل میزان مالیات مجاز نیست./

/

تبصره آخرین مدیران شخص حقوقی در صورت عدم تسلیم اظهارنامه موضوع ماده ۸۴ یا تسلیم اظهارنامه/ خلاف واقع و مدیران تصفیه در صورت عدم رعایت مقررات موضوع ماده ۸۶ و این ماده و ضامن یا ضامن‌های/ شخص حقوقی و شرکا ضامن (موضوع قانون تجارت) متضامناً و کلیه کسانی که دارایی شخص حقوقی بین آنان/ تقسیم گردیده به نسبت سهمی که از دارایی شخص حقوقی نصیب آنان شده است مسئول پرداخت مالیات و/

جرایم و زیان دیرکرد متعلقه به شخص حقوقی خواهند بود به شرط آن که ظرف مهلت مقرر در ماده ۱۵۰ از تاریخ/ موعد تسلیم اظهارنامه مطالبه شده باشد./

/

ماده ۸۹- در مورد مؤسساتی که صاحب سرمایه در انجام فعالیت‌های مؤسسه مباشرت مستقیم نداشته و/ بهره‌برداری از سرمایه و تصدی امور مربوط به آن در اختیار شخص دیگری گذاشته شده باشد درآمد متعلق به این/ شخص در صورتی که با تعریف و احکام بخش حقوق منطبق باشد مشمول مالیات حقوق و در صورتی که از طریق/ سهیم شدن در درآمد مؤسسه تأمین شود (مضاربه) مشمول مالیات بر درآمد بخش مربوط می‌باشد و در هر دو/ صورت درآمد مشمول مالیات مؤسسه که به صاحب سرمایه تعلق می‌گیرد به نرخ مذکور در ماده ۱۳۴ مشمول/ مالیات خواهد بود و متصدی مزبور مکلف است مالیات خود و صاحب سرمایه را بر این اساس احتساب و در موقع/ مقرر با تسلیم اظهارنامه پرداخت نماید. صاحب سرمایه نسبت به پرداخت مالیات مذکور در این ماده و جرایم و/ زیان دیرکرد متعلق با متصدی مسئولیت تضامنی دارد./

/

ماده ۹۰- مالیات بر درآمد مؤسسات کشتیرانی و هواپیمایی خارجی کلا به مأخذ صدی پنج به طور مقطوع از کلیه/ وجوهی که (بابت کرایه مسافر و حمل کالا و غیر ه از ایران) عاید آن‌ها می‌شود وصول خواهد شد اعم از این که/ وجوه مزبور در ایران و یا در مقصد یا در بین راه دریافت شود./

/

نمایندگی یا شعب مؤسسات مذکور در ایران موظفند تا بیستم هر ماه صورت وجوه دریافتی ماه قبل را به اداره/ دارایی محل تسلیم و مالیات متعلق را پرداخت نمایند./

/

مؤسسات مذکور از بابت این گونه درآمدها مشمول مالیات دیگری به عنوان مالیات بر درآمد نخواهند بود. هر گاه/ شعب یا نمایندگی‌های مذکور صورت‌های مقرر را به موقع تسلیم نکنند یا صورت ارسالی آن‌ها مطابق واقع/ نباشد در این صورت مالیات مذکور بر اساس تعداد مسافر و حجم محمولات علی‌الرأس تشخیص خواهد/ شد./

/

ماده ۹۱- حکم مواد ۷۶ و ۷۷ و ۷۹ در مورد عملیات پیمانکاری اشخاص حقوقی اعم از ایرانی و خارجی جاری/ خواهد بود./

/

ماده ۹۲- حکم ماده ۱۰ و قسمت اول ماده ۱۱ و مواد ۱۳ و ۱۶ در مورد اشخاص حقوقی که به عملیات کشاورزی/ اشتغال دارند لازم الرعایه خواهد بود در موارد مذکور در ماده ۶۱ مفاد مواد ۹ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۴ و ۱۷ و قسمت اخیر/ ماده ۱۸ اجرا خواهد شد./

/

فصل سوم معافیت مالیاتی/

/

ماده ۹۳- تا میزان شصت هزار ریال درآمد سالانه مشمول مالیات موضوع بخش‌های دوم و ششم فصل دوم از یک/ یا چند منبع پس از وضع سایر معافیت‌های متعلق از پرداخت مالیات معاف است./

/

ماده ۹۴- وجوه پرداختی به عنوان بیمه عمر از طرف مؤسسات بیمه که به موجب قراردادهای منعقده عاید/ ذی‌نفع می‌شود از پرداخت مالیات معاف است./

/

ماده ۹۵- درآمدهای حقوق به شرح زیر از پرداخت مالیات معاف است:/

/

۱- حقوق بازنشستگی و پایان خدمت و وظیفه پرداختی به وراث و خسارت اخراج و بازخرید خدمت و همچنین/ کمک‌های دریافتی وکلای دادگستری از صندوق تعاون کانون وکلا بر طبق مقررات مربوط./

/

۲- هزینه سفر و فوق‌العاده مسافرت مربوط به شغل و همچنین فوق‌العاده و مزایای ارزی مأمورین دولت در خارج/ از کشور./

/

۳- هزینه سفر استانداران و فرمانداران و بخشداران و فوق‌العاده تضمین صاحب‌جمعان طبق آیین‌نامه‌ای که از/ طرف وزارت دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید./

/

۴- مزایای مذکور در بند یک تبصره ماده ۴ در محل کارگاه به طور کلی و کلیه مزایای غیر نقدی کارگران./

/

۵- وجوه حاصل از بیمه بابت جبران خسارات بدنی و معالجه و امثال آن./

/

۶- عیدی سالانه تا میزان سی هزار ریال (مازاد آن مشمول مالیات است)./

/

۷- خانه‌های سازمانی دولتی به طور کلی و اتومبیل اختصاصی که با اجازه قانون یا به موجب آیین‌نامه‌های خاص/ نیروهای مسلح و انتظامی در اختیار مقامات کشوری یا نیروهای مذکور گذارده می‌شود و همچنین حق ارشد/ گماشته امرا./

/

۸- وجوهی که کارفرما بابت هزینه معالجه کارکنان خود یا افراد تحت تکفل آن‌ها مستقیماً یا به وسیله کارمند/ پزشک یا بیمارستان به استناد اسناد و مدارک مثبته پرداخت می‌کند./

/

ماده ۹۶- سود مذکور در ترازنامه در مورد کارخانجات صنعتی و تولیدی و شرکت‌هایی که برای استخراج و تصفیه و/ ذوب مواد معدنی تشکیل و تا تاریخ تصویب این قانون به موجب تصویبنامه‌های صادره مشمول معافیت پنجاه درصد/ شناخته شده‌اند و از وزارت اقتصاد پروانه یا کارت تاسیس یا پروانه بهره‌برداری از معادن تحصیل کرده‌اند تا پنج/ سال از تاریخ اجرای این قانون به میزان بیست و پنج درصد از پرداخت مالیات معاف است./

/

تبصره در مورد مؤسسات مشمول این ماده که فاصله تاریخ شروع به بهره‌برداری آن‌ها تا تاریخ اجرای این قانون/ کمتر از پنج سال است در صورتی که مشمول معافیت صددرصد نباشند تا مدت پنج سال از تاریخ بهره‌برداری/ کماکان از معافیت پنجاه درصد استفاده خواهند کرد./

/

ماده ۹۷- درآمد کارخانجاتی که بعد از تاریخ تصویب این قانون از وزارت اقتصاد پروانه یا کارت تاسیس برای آن‌ها/ صادر می‌شود طبق جدول معافیت‌های صنعتی (موضوع ماده ۹۸) برای مدت پنج سال و در مورد مناطق مرزی تا/ ده سال از بیست تا صد درصد درآمد از تاریخ شروع به بهره‌برداری مشمول معافیت مالیاتی خواهد بود./

/

درآمد معادنی که برای آن‌ها پروانه اکتشاف یا بهره‌برداری از اول سال ۱۳۴۸ به بعد از طرف وزارت اقتصاد صادر/ شده یا بشود طبق جدول معافیت‌های معدنی (موضوع تبصره ۲ ماده ۹۸) از بیست تا صددرصد برای مدت پنج/ سال از تاریخی که معدن به گواهی وزارت اقتصاد آماده برای بهره‌برداری است از پرداخت مالیات معاف خواهد/ بود./

/

درآمد شرکت سهامی شیلات جنوب ایران از اول سال ۱۳۴۵ به مدت پنج سال از پرداخت مالیات معاف/ است./

/

تبصره ۱- به وزارت دارایی اجازه داده می‌شود درآمد حاصل از فعالیت بعضی از صنایع کوچک را که در دهات خارج از/ شعاع ۵۰ کیلومتری مرکز تهران ایجاد می‌شوند به تشخیص و تصویب هیأت وزیران برای مدت ۵ سال از تاریخ/

تصویب این اصلاحیه از پرداخت مالیات معاف کند./

/

تبصره ۲- درآمد شرکت هلیکوپترسازی که با مشارکت سازمان صنایع نظامی تاسیس می‌شود تا مدت پنج سال/ از پرداخت مالیات معاف است و پس از مدت مذکور مالیات سود سهام متعلق به سازمان صنایع نظامی در شرکت/ مزبور پس از وصول عیناً مسترد می‌شود معافیت موضوع ماده ۹۹ بدون رعایت شرط مقرر در بند ۲ ماده مذکور/ شامل ذخایر شرکت مزبور خواهد بود./

/

تبصره ۳- درآمد شرکت‌هایی که در سواحل و جزایر خلیج فارس به منظور انجام خدمات و تدارک نیازمندی‌های/ کشتی‌های خارجی و تعمیر کشتی‌های ایرانی و خارجی به وسیله تعمیرگاه‌های ثابت یا شناور تاسیس شوند تا/ مدت ده سال از تاریخ تاسیس از مالیات معاف است. مشروط بر این که اولاً از طرف وزارت اقتصاد پروانه تاسیس/ تعمیرگاه به عنوان کارخانه صادر شود. ثانیاً شرکت حداکثر تا دو سال از تاریخ تاسیس تعمیرگاه را در آب‌های ایران/ دایر و از آن بهره‌برداری کند ثالثاً حداقل ۶۰% کل درآمد شرکت بارز و از منابع خارجی تحصیل شده باشد. رابعاً/ ارزش تعمیرگاه شناور از دویست و پنجاه میلیون ریال کمتر نباشد./

/

شرکت‌هایی که قبل از تصویب این اصلاحیه به منظور فوق تشکیل شده‌اند در صورت واجد بودن شرایط مذکور از/ تاریخ تصویب این قانون از معافیت مقرر استفاده خواهند کرد و مبدأ مهلت دو سال مذکور در شرط ثانی برای این/ گونه شرکت‌ها از تاریخ تصویب این اصلاحیه خواهد بود./

/

ماده ۹۸- جدول معافیت‌های صنعتی براساس برنامه‌های اقتصادی کشور شامل انواع فعالیت‌های صنعتی/ مشمول معافیت و تعیین ضرایب معافیت مالیاتی برای هریک از فعالیت‌ها حسب درجه اهمیت و نوع فعالیت در/ مناطق مختلف هر ۳ سال یک بار از طرف وزارت دارایی و وزارت اقتصاد تهیه و به تصویب کمیسیون دارایی مجلس/ شورای ملی خواهد رسید و شامل پروانه‌ها و کارت‌های تاسیس صادره از اول فروردین سال بعد تا آخر سال/ سوم می‌گردد./

/

تبصره ۱- وزارت دارایی و وزارت اقتصاد مکلفند اولین جدول معافیت‌های صنعتی را ظرف دو ماه پس از تصویب این/ قانون تهیه و به کمیسیون دارایی مجلس شورای ملی تسلیم نمایند جدول مذکور پس از تصویب کمیسیون/ دارایی مجلس شورای ملی شامل پروانه‌ها و کارت‌های تاسیس صادره از تاریخ اجرای این قانون تا آخر سومین/ سال خواهد بود معافیت‌های مذکور در این جدول شامل درآمد کارخانجاتی که قبل از تاریخ اجرای این قانون/ پروانه یا کارت تاسیس تحصیل کرده‌اند ولی طبق مقررات قانون اصلاحی سال ۳۷ مشمول معافیت نبوده‌اند نیز/ خواهد بود مدت استفاده از معافیت این گونه کارخانجات ۵ سال از تاریخ بهره‌برداری می‌باشد و در صورتی که تاریخ/ بهره‌برداری قبل از تاریخ اجرای این قانون باشد نسبت به بقیه مدت از معافیت استفاده خواهد شد./

/

کارخانجاتی که به موجب قانون اصلاحی مزبور مشمول معافیت بوده‌اند در صورتی که حائز شرایط زیر باشند اختیار/ استفاده از معافیت‌های مدت‌دار قانون مذکور یا معافیت اولین جدول معافیت‌های صنعتی موضوع این تبصره را/ دارند:/

/

الف تا تاریخ اجرای این قانون بهره‌برداری آن‌ها شروع نشده باشد./

/

ب- حداکثر تا دو سال از تاریخ اجرای این قانون شروع به بهره برداری نمایند./

/

تبصره ۲- جدول معافیت‌های معدنی براساس برنامه‌های اقتصادی کشور شامل انواع فعالیت‌های معدنی/ مشمول معافیت و تعیین ضرایب معافیت مالیاتی برای هریک از فعالیت‌ها حسب درجه اهمیت و نوع معدن و/ محل وقوع و وسعت حوزه آن‌ها و سایر جهات هر سه سال یک بار از طرف وزارت دارایی و وزارت اقتصاد تهیه و به/

تصویب کمیسیون دارایی مجلس شورای ملی خواهد رسید و شامل پروانه‌های اکتشاف صادره از اول فروردین/
سال بعد تا آخر سال سوم می‌گردد./
/
وزارت دارایی و وزارت اقتصاد مکلفند اولین جدول معافیت‌های معدنی را ظرف سه ماه پس از تصویب این/
اصلاحیه تهیه و به کمیسیون دارایی مجلس شورای ملی تسلیم نمایند./
/
جدول مذکور پس از تصویب کمیسیون دارایی مجلس شورای ملی شامل پروانه های اکتشاف یا بهره‌برداری/
صادره از تاریخ اول فروردین ۱۳۴۸ خواهد بود./
/
ماده ۹۹- آن قسمت از درآمد مشمول مالیات حاصل از فعالیت‌های صنعتی که شرکت‌ها برای توسعه یا تکمیل/
واحدهای صنعتی موجود خود یا ایجاد واحدهای صنعتی جدید ذخیره نمایند از پرداخت مالیات معاف است/
مشروط بر این که:/
/
۱- قبلا اجازه توسعه یا تکمیل یا ایجاد واحد صنعتی از وزارت اقتصاد تحصیل شده باشد./
/
۲- توسعه یا تکمیل یا ایجاد واحد صنعتی جدید در مورد صنایعی باشد که در جدول معافیت‌های صنعتی مربوط به/
سال صدور اجازه برای این نوع فعالیت‌ها صنعتی معافیت مالیاتی منظور شده باشد./
/
۳- هزینه توسعه یا تکمیل از پنج درصد قیمت دارایی ثابت شرکت در کارخانه مورد توسعه یا تکمیل در سال صدور/
اجازه نامه کمتر نباشد./
/
منظور از قیمت دارایی ثابت قیمت تمام شده تمامی ماشین‌آلات و تجهیزات و ساختمان و زمین بدون در نظر/
گرفتن استهلاکات می‌باشد./
/
چنین محدودیتی در مورد ایجاد صنایع جدید وجود نخواهد داشت./
/
آن قسمت از درآمد مشمول مالیات حاصل از فعالیت‌های صنعتی و معدنی که شرکت‌ها مستقلا یا مشترکا/
جهت ایجاد واحدهای مسکونی برای استفاده کارمندان کم‌درآمد و کارگران خود ذخیره نمایند از پرداخت مالیات/
معاف است مشروط بر این که:/
/
۱- قبلا اجازه و موافقت وزارت آبادانی و مسکن نسبت به طرح احداث واحدهای مسکونی برای کارمندان و/
کارگران تحصیل شده باشد./
/
۲- نحوه واگذاری و شرایط استفاده از واحدهای مزبور منطبق با آیین‌نامه‌ای باشد که از طرف وزارت دارایی و/
وزارت آبادانی و مسکن و وزارت کار و امور اجتماعی تدوین خواهد شد./
/
۳- وجوه مزبور در حساب سپرده نزد بانک رهنی ایران یا بانک رفاه کارگران نگاهداری شود و با نظارت وزارت آبادانی/
و مسکن منحصراً برای اجرای طرح مذکور مورد استفاده قرار گیرد./
/
۴- واحدهای مسکونی برای کارمندان در داخل شعاع ۵۰ کیلومتری مرکز تهران کمتر از ده طبقه نباشد و در خارج/
از شعاع مذکور طبقات آن از تعدادی که در آیین‌نامه موضوع تبصره ماده ۱۰۰ تعیین خواهد شد کمتر نباشد./
/
تبصره ۱- وجوه ذخیره شده برای انجام فعالیت‌های مذکور در این ماده باید طی همان سال یا حداکثر تا سه سال/

تمام پس از تاریخ صدور اجازه حسب مورد به مصرف توسعه یا تکمیل یا ایجاد واحد صنعتی جدید و یا ساختمان/
واحدهای مسکونی رسیده باشد./
/
تبصره ۲- شرکت‌هایی که در تاریخ اول فروردین ۱۳۴۶ در شعاع ۱۲۰ کیلومتری مرکز تهران مشغول بهره‌برداری/
بوده‌اند و فعالیت آن‌ها طبق اولین جدول معافیت‌های صنعتی قطع نظر از محل وقوع تاسیسات صنعتی نوعاً جز/
صنایع معاف از مالیات است مشروط بر این که اولاً سرمایه پرداخت شده آن‌ها کمتر از دویست میلیون ریال نباشد/
ثانیاً از سال بعد از مصرف ذخیره برای مدت ۵ سال هر ساله حداقل معادل ۵% بهای تمام شده از محصولات خود/
را بدون در نظر گرفتن حقوق و عوارض گمرکی به خارج صادر کنند و بفروش برسانند. لکن در مورد ذخایر مصرف/
شده سال‌های ۴۶ تا ۴۸ شرط صدور محصولات در مدت پنج سال از اول سال ۱۳۴۹ لازم‌الرعایه خواهد بود ثالثاً/
توسعه و تکمیل برای ساخت ماشین‌آلات باشد که در تولیدات صنعتی یا کشاورزی یا در حمل و نقل به کار رود./
رابعاً در مورد ماشین‌آلاتی که در تولیدات صنعتی به کار می‌روند حداقل ۵۰% بهای تمام شده تولیدات شرکت/
پس از کسر حقوق و عوارض گمرکی بهای کالای ساخت ایران باشد و در مورد ماشین‌آلاتی که در تولیدات/
کشاورزی یا در حمل و نقل به کار می‌رود توسعه و تکمیل برای ساخت لوازم نیروی محرک باشد بابت وجوه ذخیره/
شده از درآمد عملکرد سال ۱۳۴۶ به بعد/
/
مشمول شرط مذکور در بند ۲ این ماده نخواهد بود./
/
تبصره ۳- در صورت تخلف از شرایط مقرر علاوه بر وصول مالیات و زیان دیرکرد متعلق به ذخیره از تاریخ سررسید/
پرداخت مالیات جریمه‌ای معادله ده درصد اصل مالیات از شرکت وصول خواهد شد ولی در صورتی که هزینه انجام/
شده برای مصارف فوق از هفتاد درصد ذخیره کمتر نباشد نسبت به مابه‌التفاوت مالیات و زیان دیرکرد متعلق/
وصول و از مطالبه جریمه صرفنظر خواهد شد./
/
تبصره ۴- واحدهای صنعتی جدید که با استفاده از معافیت‌های مندرج در این ماده تاسیس می‌شوند نمی‌توانند/
از معافیت مذکور در ماده ۹۷ استفاده کنند./
/
ماده ۱۰۰- شرکت‌هایی که منحصراً به منظور ایجاد واحدهای مسکونی ارزان قیمت برای طبقات متوسط و/
کم‌درآمد تشکیل شده یا بشوند نسبت به آن قسمت از درآمد حاصل از فروش اقساطی بلوک‌های آپارتمان که در/
داخل شعاع پنجاه کیلومتری مرکز تهران کمتر از ده طبقه نباشد و در خارج از شعاع مذکور طبقات آن از تعدادی‌که/
در آیین‌نامه موضوع تبصره این ماده تعیین خواهدشد کمتر نباشد و طبق ضوابط و قیمت‌های تعیین شده از طرف/
وزارت دارایی و وزارت آبادانی و مسکن ظرف مدت ده سال از تاریخ تصویب این قانون احداث می‌کنند از پرداخت/
مالیات معاف هستند مشروط بر این که مدت اقساط کمتر از هشت سال نباشد./
/
تبصره آیین‌نامه مربوط تعداد طبقات لازم در هر شهرستان برای استفاده از معافیت موضوع این ماده از طرف/
وزارت دارایی و وزارت آبادانی و مسکن پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید./
/
ماده ۱۰۱- درآمد صادرکنندگان حاصل از صدور کالاهای ایرانی که صورت آن هر سه سال یک بار از طرف وزارت/
دارایی و وزارت اقتصاد تهیه و منتشر می‌شود اعم از این که صادر کننده کالا را خریداری یا تولید یا استخراج کرده/
باشد برای مدت پنج سال از پرداخت مالیات معاف است. این معافیت بعد از مدت پنج سال مذکور نسبت به تمام/
یا بعضی از کالاهای ایرانی به پیشنهاد وزارت دارایی و وزارت اقتصاد و تصویب کمیسیون دارایی مجلس شورای/
ملی قابل تمدید است./
/
تبصره زیان حاصل از صدور کالا در مورد کسانی که غیر از امور صادراتی فعالیت دیگری هم دارند در محاسبه/
مالیات سایر فعالیت آنان منظور نخواهد شد./

/

ماده ۱۰۲ – درآمد حاصل از مشاغل تعلیم و تربیت و رشته‌های مختلف بهداشتی و درمانی تا ده سال از تاریخ/ اجرای قانون مالیات‌های مستقیم به شرح زیر از پرداخت مالیات معاف است:/

/

الف– درآمد دانشگاه‌ها و دبستان‌ها و هنرستان‌ها و آموزشگاه‌های حرفه‌ای طبق ضوابط و شرایطی که به موجب/ آیین‌نامه‌ای که از طرف وزارت دارایی پیشنهاد و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. استفاده از معافیت موضوع/ این بند در هر سال منوط به گواهی وزارت علوم و آموزش عالی یا وزارت آموزش و پرورش حسب مورد حاکی از/ اجرای کامل ضوابط و شرایط آیین‌نامه خواهد بود./

/

ب پنجاه درصد درآمد حاصل از رشته‌های مختلف پزشکی و مؤسسات درمانی و بهداشتی در شهرهایی که/ خارج از شعاع پنجاه کیلومتری مرکز تهران واقع است./

/

پ– آن قسمت از درآمد اشخاص حقوقی که منحصراً به منظور تعلیم و تربیت امور پزشکی و درمانی و بهداشتی/ تشکیل شده یا بشوند که به مصرف توسعه و تکمیل فعالیت آن‌ها برسد./

/

ت صددرصد درآمد حاصل از مشاغل تعلیم و تربیت و رشته‌های مختلف پزشکی و بهداشتی و درمانی در/ بخش‌های و دهات خارج از مرکز شهرستان‌ها و در نقاط مرزی که طبق تصویب نامه هیأت وزیران تعیین خواهد/ شد به شرط آن که صاحبان درآمد در همین نقاط سکونت داشته باشند./

/

ث درآمد مؤسساتی که منحصراً به فعالیت ورزشی می‌پردازند به پیشنهاد وزارت دارایی و تصویب هیأت/ وزیران./

/

تبصره ۱ – تا پنج سال از تاریخ اجرای این قانون صددرصد درآمد گروه‌های فرهنگی و هنری وابسته به وزارت/ فرهنگ و هنر به طور کلی و سایر گروه‌های آزاد فرهنگی و هنری به پیشنهاد وزارت فرهنگ و هنر و تصویب/ هیأت وزیران از پرداخت مالیات معاف می‌باشند./

/

تبصره ۲– مؤسسات مذکور در بندهای الف و ث این ماده که قبل از تصویب این قانون تاسیس شده‌اند با احراز/ شرایط مقرر در بندهای مذکور از معافیت مزبور استفاده می‌نمایند./

/

ماده ۱۰۳ – درآمد ساکنین دهات حاصل از صنایع دستی واقع در دهات از پرداخت مالیات معاف است./

/

ماده ۱۰۴ – هتل‌ها و متل‌هایی که طبق قانون و آیین‌نامه‌های مربوط به جلب سیاحان ظرف پنج سال پس از تاریخ/ اجرای این قانون تاسیس و اداره می‌شوند تا پنج سال از تاریخ شروع به بهره‌برداری به شرح زیر از معافیت/ مالیاتی استفاده خواهند کرد:/

/

الف در صورتی که در داخل شعاع پنجاه کیلومتری مرکز تهران واقع باشند معادل بیست و پنج درصد درآمد/ مشمول مالیات./

/

ب در صورتی که خارج از شعاع پنجاه کیلومتری مرکز تهران باشند صددرصد درآمد./

/

ماده ۱۰۵ – درآمد کشاورزی زارعینی که در اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی مالک یا مستاجر شناخته شده/ و یا بشوند نسبت به املاکی که در اجرای قانون مزبور به عنوان مالکیت یا اجاره به آنان واگذار شده و درآمد/ زارعین املاک و مستغلات پهلوی که در نتیجه تقسیم املاک مزبور تا بیست هکتار ملک به آنان واگذار شده است/

نسبت به این املاک و همچنین درآمد حاصل از کاشت درخت‌های غیر مثمر از پرداخت مالیات معاف است و درآمد/ باغ‌های جدیدالاحداث تا پنج سال از تاریخ شروع به بهره‌برداری از پرداخت مالیات معاف است./

/

تبصره ۱ – باغ‌های کهنه‌ای که لااقل هشتاد درصد درخت‌های آن ریشه‌کن شده و مجددا درختکاری شود باغ/ جدیدالاحداث محسوب خواهد شد./

/

تبصره ۲– تاریخ بهره‌برداری باغ‌های جدیدالاحداث به موجب آیین‌نامه‌ای که به وسیله وزارت دارایی با موافقت/ وزارت کشاورزی تهیه می‌شود برحسب نوع درخت و شرایط اقلیمی تعیین و پس از تصویب هیأت وزیران به موقع/ اجرا گذارده خواهد شد./

/

تبصره ۳– درآمد کشاورزی مالکین حاصل از زراعت در املاک مزروعی که در نتیجه اجرای قانون متمم قانون/ اصلاحات ارضی قسمتی از ملک مزروعی به ملکیت آن‌ها باقی مانده است به شرط اقامت در محل و مباشرت به/ امر کشاورزی تا مدت ده سال از پرداخت مالیات کشاورزی معاف خواهد بود./

/

ماده ۱۰۶ – درآمدی که اشخاص با ساختن سد یا شبکه آبیاری یا ایجاد قنات جدید یا احیا قنوات بایر یا احداث چاه در/ املاک مزروعی و بایر از طریق توسعه امور کشاورزی یا فروش آب برای زراعت به دست می‌آورند از تاریخ بهره/ برداری تا ده سال از پرداخت مالیات معاف است./

/

تبصره ۱ – معافیت مذکور در این ماده در مورد سدهایی که طبق طرح‌های آبیاری با پروانه وزارت آب و برق احداث/ می‌شوند به مدت بیست سال خواهد بود./

/

تبصره ۲– درآمد مذکور در این ماده در مورد توسعه امور کشاورزی عبارت است از کل درآمد در مورد املاک بایر و/ اراضی موات که دایر شده است و مازاد درآمد در مورد املاک دایر./

/

ماده ۱۰۷ – درآمد حاصل از کشت محصولاتی که برای توسعه اقتصاد کشور لازم باشد تا مدت ده سال از تاریخ/ اجرای این قانون از پرداخت مالیات معاف است./

/

تبصره صورت این محصولات هر پنج سال یک بار از طرف وزارت دارایی با موافقت وزارت کشاورزی و وزارت/ اقتصاد اعلام خواهد شد./

/

ماده ۱۰۸ – پنجاه درصد درآمد ناشی از اضافه تولید معمولی محصولات کشاورزی در واحد هکتار از پرداخت مالیات/ معاف است. میزان تولید معمولی در واحد هکتار برای هر منطقه به موجب آیین‌نامه‌ای که از طرف وزارت دارایی/ با موافقت وزارت کشاورزی تهیه و به موقع اجرا گذارده خواهد شد تعیین می‌شود./

/

ماده ۱۰۹ – درآمد حاصل از دامداری و دامپروری اعم از این که قبل از تصویب این قانون ایجاد شده یا بعدا ایجاد/ شود تا ده سال از تاریخ اجرای این قانون از پرداخت مالیات معاف است./

/

مؤسسات مرغداری که از اول سال ۱۳۴۹ به بعد تاسیس می‌شوند مشمول معافیت نخواهند بود مگر این که در/ خارج از شعاع یکصد و بیست کیلومتری مرکز تهران تاسیس شوند که در این صورت تا آخر سال ۱۳۵۴ از پرداخت/ مالیات معاف خواهند بود و همچنین مؤسسات مرغداری واقع در داخل شعاع یکصد و بیست کیلومتری مرکز/ تهران تا پایان سال ۱۳۴۸ از پرداخت مالیات معاف خواهند بود./

/

ماده ۱۱۰ – درآمد اجاری مستغلات جدید البنا تا شعاع پنجاه کیلومتری مرکز تهران که در سال اول اجرای این قانون/

احداث می‌شوند به مدت دو سال و در صورتی که در سال دوم اجرای قانون احداث شوند به مدت یک سال و درآمد/
اجاری مستغلات جدیدالبنا واقع در خارج از شعاع پنجاه کیلومتری مرکز تهران برای مدت سه سال از تاریخ اختتام/
بنا و درآمد اجاری هتل‌ها و متل‌هایی که تا پنج سال از تاریخ اجرای این قانون در خارج از شعاع پنجاه کیلومتری/
تهران طبق آیین‌نامه‌ای که بر اساس قانون و مقررات جلب سیاحان از طرف سازمان جلب سیاحان تهیه و به/
تصویب هیأت وزیران می‌رسد ساخته می‌شوند برای مدت پنج سال از تاریخ اختتام بنا به تقاضای مؤدی از/
پرداخت مالیات معاف است./

/

درآمد اجاری بلوک‌های آپارتمان ارزان‌قیمت برای سکونت طبقات متوسط و کم درآمد طبق ضوابط و قیمت‌های/
تعیین شده از طرف وزارت دارایی و وزارت آبادانی و مسکن که در داخل شعاع پنجاه کیلومتری مرکز تهران کمتر از/
ده طبقه نباشد و در خارج از شعاع مذکور طبقات آن از تعدادی که به موجب آیین‌نامه موضوع تبصره ماده ۱۰۰/
تعیین خواهد شد کمتر نباشد برای مدت شش سال از تاریخ اختتام بنا به تقاضای مؤدی از پرداخت مالیات معاف/
است./

/

تبصره ۱- درآمد اجاری رستوران‌های بین راه که خارج از شعاع پنجاه کیلومتری تهران و بیست‌کیلومتری سایر/
شهرها تا پنج سال از تاریخ اجرای این قانون طبق آیین‌نامه موضوع این ماده ساخته می‌شود برای مدت پنج سال/
از تاریخ اختتام بنا به تقاضای مؤدی از پرداخت مالیات معاف است./

/

تبصره ۲- منظور از خاتمه بنا در این ماده آن است که بنا قابل بهره برداری گردد یا قبل از آن به اجاره واگذار شود و/
در صورتی که هر طبقه از بنا جداگانه خاتمه یافت و قابل بهره‌برداری باشد تاریخ تعلق معافیت به هر طبقه تاریخی/
است که ساختمان آن طبقه خاتمه یافته است./

/

تبصره ۳- تشخیص تاریخ قابلیت بهره‌برداری مستغلات جدید البنا به عهده ممیز مالیاتی می‌باشد که باید نظر خود/
را به مؤدی ابلاغ نماید. نظر ممیز مالیاتی قطعی است مگر این که مؤدی ظرف سی روز از تاریخ ابلاغ نظر ممیز/
کتبا اعتراض نماید در این صورت پرونده برای رفع اختلاف به کمیسیون تشخیص مالیات ارجاع می‌گردد رأی صادره/
از کمیسیون قطعی و غیر قابل تجدیدنظر می‌باشد./

/

ماده ۱۱۱- خانه‌ای که مالک در آن سکونت دارد و یک یا چند اتاق آن را به اجاره واگذار نماید مشروط بر این که جمع/
مال‌الاجاره آن‌ها از پنج‌هزار ریال در ماه تجاوز نکند از پرداخت مالیات معاف است./

/

تبصره در مورد شخص حقیقی که هیچ گونه درآمدی ندارد و منحصراً تا پنج هزار ریال درآمد ماهانه از اجاره/
مستغلات تحصیل می‌کند مالیات متعلق به آن بخشوده خواهدشد و در صورتی که بیش از پنج‌هزار ریال باشد/
مالیات متعلق به آن درآمد نباید درآمد خالص او را از پنج هزار ریال در ماه کمتر کند و در این صورت مابه‌التفاوت/
مزبور نیز بخشوده می‌شود. مشمولین این ماده باید اظهار نامه مخصوصی به ممیز مالیاتی محل وقوع مستغل/
تسلیم و اعلام نمایند که هیچ گونه درآمد دیگری ندارند. ممیز مربوط باید خلاصه مندرجات اظهارنامه مؤدی را نزد/
ممیز حوزه محل سکونت مؤدی ارسال دارد./

/

در صورتی که ثابت شود که اظهارنامه مؤدی خلاف واقع است مالیات و زیان دیر کرد متعلق به اضافه یک برابر آن به/
عنوان جریمه وصول خواهد شد./

/

ماده ۱۱۲- بهره دریافتی در موارد زیر از پرداخت مالیات معاف است:/

/

۱- بهره متعلق به سپرده‌های مربوط به کسور بازنشستگی و پس‌انداز کارمندان و کارگران در حدود مقررات/
استخدامی مؤسسه./

/

۲- بهره متعلق به حساب‌های سپرده ثابت و جاری و پس‌انداز نزد بانک‌های ایرانی و شرکت‌های پس‌انداز و وام/ مسکن این معافیت شامل سپرده‌هایی که بانک‌ها نزد هم می‌گذارند نخواهد بود./

/

۳- بهره متعلق به قبوض اقساطی اصلاحات ارضی./

/

۴- بهره متعلق به اوراق قرضه دولتی و اسناد خزانه./

/

۵- بهره پرداختی بانک‌ها بابت اضافه برداشت (آوردرافت) به بانک‌های خارج از کشور./

/

۶- بهره اعتبارات و وام‌هایی که از اول سال ۱۳۴۶ به بعد از دولت‌ها یا مؤسسات خارجی برای توسعه کشاورزی/ صنایع و معادن نیرو مخابرات و ارتباطات طرح‌ها و تجهیزات دفاعی و یا هر گونه تعهد عمرانی تولیدی و یا/ زیربنا و یا تعلیماتی مربوط به موارد فوق دریافت شده یا می‌شود از پرداخت مالیات موضوع ماده ۳۹ معاف/ است./

/

تشخیص طرح‌هایی که از معافیت استفاده می‌نمایند در مورد طرح‌ها و تجهیزات دفاعی با وزارت جنگ و در مورد/ صنایع نفت و گاز و پتروشیمی با شرکت ملی نفت ایران و وزارت دارایی و در سایر موارد با وزارت دارایی و وزارت/ اقتصاد خواهد بود./

/

تبصره شرکت‌های پس‌انداز و وام مسکن و شرکت‌های تعاونی مسکن از نظر این قانون شرکت‌های ایرانی/ هستند که بر اساس قانون تشویق پس‌انداز مسکن مصوب ۱۳۴۶ تاسیس و اداره شوند./

/

ماده ۱۱۳- جهیزیه منقول و مهریه اعم از منقول یا غیر منقول از پرداخت مالیات معاف می‌باشد./

/

ماده ۱۱۴- جوائز علمی و بورس‌های تحصیلی به طور کلی و جایزه تبلیغاتی و جوایز صندوق پس‌انداز بانک‌ها و/ شرکت‌های پس‌انداز و وام مسکن تا سی هزار ریال از پرداخت مالیات معاف است./

/

ماده ۱۱۵- شرکت‌های کشتیرانی ایرانی و شرکت‌های هواپیمایی ایرانی با تصویب هیأت وزیران به ترتیب زیر از/ معافیت مالیاتی استفاده خواهند کرد:/

/

۱- نسبت به درآمد حاصل از کشتی‌هایی که در مالکیت شرکت می‌باشد از تاریخ بهره‌برداری هر کشتی تا پانزده/ سال./

/

۲- نسبت به درآمد حاصل از فعالیت کشتی‌هایی که در اجاره شرکت است از تاریخ اجرای قانون به مدت پنج/ سال./

/

۳- نسبت به درآمد حاصل از فعالیت هواپیمایی شرکت‌های هواپیمایی دولتی تا پانزده سال و شرکت‌های/ هواپیمایی ایرانی خصوصی تا پنج سال از تاریخ اجرای این قانون./

/

ماده ۱۱۶- پانزده درصد درآمد مشمول مالیات شرکت‌هایی که سهام آن‌ها طبق قانون مربوط از طرف هیات پذیرش/ برای معامله در بورس قبول می‌شود از سال پذیرش تا سالی که از فهرست نرخ‌ها در بورس حذف نشده و/ همچنین کل درآمدی که از فروش سهام این گونه شرکت‌ها عاید صاحبان سهام می‌شود یا از فروش اسناد خزانه/ و اوراق قرضه دولتی و قبوض اصلاحات ارضی عاید دارندگان آن می‌شود از پرداخت مالیات معاف است. نیز/

شرکت‌های سهامی با نام که تعداد سهامداران آن از صد نفر کمتر نباشد و جمع سهام هریک از صاحبان سهام از/ ده درصد سرمایه شرکت تجاوز نکند و در بورس پذیرفته شده باشد از پرداخت ده درصد مالیات شرکت (مذکور در/ بند ت ماده ۸۰) معاف هستند./

/

ولی نسبت به سهام متعلق به دولت یا مؤسسات وابسته به دولت یا بانک‌های تخصصی که به موجب قانون/ خاص تاسیس شده‌اند رعایت حد نصاب ده درصد مذکور ضرور نیست./

/

تبصره ۱- شرکت‌های سهامی با نام که منحصراً به منظور خرید سهام شرکت‌های ایرانی دیگر تشکیل شده‌اند و/ فعالیت دیگری ندارند در صورتی که صاحبان سهام آن‌ها کمتر از صد نفر نباشد از پرداخت ده درصد مالیات شرکت/ (مذکور در بند ت ماده ۸۰) و مالیات‌های اضافی موضوع مواد ۱۶۶ و ۱۶۷ نسبت به سود سهام دریافتی از/ شرکت‌های دیگر معافند./

/

تبصره ۲- شرکت‌های سهامی کشاورزی مکانیزه نسبت به درآمد کشاورزی خود بدون رعایت شرایط مقرر در این/ ماده از ده درصد مالیات شرکت موضوع بند ت ماده ۸۰ معاف خواهند بود./

/

تبصره ۳- مالیات شرکت سهامی باطری‌سازی نیرو وابسته به وزارت جنگ از تاریخ تشکیل به بعد وصول می‌شود/ وزارت دارایی مکلف است معادل مبلغی که از این بابت وصول می‌کند از محل درآمد عمومی در وجه شرکت/ بپردازد و سود سهام بنیاد پهلوی و جمعیت شیر و خورشید سرخ و سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی در/ شرکت‌هایی که قسمتی از سهام آن متعلق به بنیاد پهلوی و یا جمعیت شیر و خورشید سرخ و یا سازمان/ شاهنشاهی خدمات اجتماعی می‌باشد از بابت عملکرد سال ۱۳۴۶ به بعد از پرداخت مالیات معاف/ می‌باشد./

/

تبصره ۴- سود پرداختی یا تخصیصی به صاحبان سهام و شرکای ضامن در شرکت‌های سهامی و مختلط/ سهامی و سود متعلق به صاحبان سرمایه یا اعضا شخص حقوقی در مورد سایر اشخاص حقوقی از درآمد/ اشخاص مذکور به استثنای سود سهام یا سهم‌الشرکا که متعلق به دولت یا شهرداری در شرکت‌هایی که/ قسمتی از سرمایه آن‌ها متعلق به دولت یا شهرداری است کلا یا به نسبت میزان معافیت درآمد شرکت از/ پرداخت مالیات موضوع جز ۱ و ۲ بند (ت) ماده ۸۰ و همچنین مالیات تکمیلی موضوع ماده ۱۳۲ معاف/ است./

/

ماده ۱۱۷- درآمد اشخاص حقوقی خارجی و مؤسسات مقیم خارج از کشور که از دادن تعلیمات و کمک‌های فنی/ به منظور ایجاد کارخانه یا استخراج معادن تا یک سال پس از تاریخ بهره‌برداری حاصل می‌شود از پرداخت مالیات/ معاف است./

/

ماده ۱۱۸- درآمد شرکت‌های تعاونی روستایی و کارگری که طبق قوانین و مقررات مربوط تشکیل شده باشند و/ شرکت‌های پس‌انداز و وام مسکن که در خارج از شعاع ۵۰ کیلومتری مرکز تهران تشکیل شده باشند به طور/ کلی و درآمد سایر شرکت‌های تعاونی ایرانی و شرکت‌های پس‌انداز و وام مسکن داخل در شعاع پنجاه/ کیلومتری تا میزان شش درصد سرمایه پرداخت شده مطابق آخرین رقم منظور شده در ترازنامه از مالیات متعلق/ معاف است. در موارد تشخیص علی‌الرأس درآمد مشمول مالیات شرکت‌های تعاونی مسکن بر اساس مقررات/ بخش املاک تشخیص داده خواهد شد./

/

تبصره از نظر اجرای این ماده شرکت تعاونی روستایی شرکتی است که زارعین در روستاها تشکیل و تحت/ نظارت سازمان تعاونی روستایی کشور باشد./

/

ماده ۱۱۹ – معافیت‌های موضوع ماده ۹۹ به استثنای ذخیره‌های خانه‌سازی بعد از پنج سال از تاریخ اجرای این/
قانون منحصراً شامل شرکت‌هایی خواهد بود که مشمول معافیت موضوع ماده ۱۱۶ می‌باشند./

/

ماده ۱۲۰ – کلیه معافیت‌های مالیاتی مدت‌دار که به موجب قوانین مالیاتی قبلی مقرر شده است با رعایت/
مقررات مربوط تا انقضا مدت به قوت خود باقی است./

/

ماده ۱۲۱ – در جزایر به طور کلی و در نقاط مرزی و سواحل غیر معمور درآمد کشاورزی از هر قبیل و درآمد اجاری/
مستغلات جدیدالاحداث تا پانزده سال از تاریخ اجرای این قانون معاف خواهد بود./

/

تبصره نقاط مرزی و سواحل غیر معمور مشمول این ماده به پیشنهاد وزارت دارایی و تصویب هیأت وزیران تعیین/
می‌شود./

/

ماده ۱۲۲ – هزینه‌های درمانی پرداختی هر مؤدی بابت معالجه خود یا همسر یا پدر یا مادر یا اولاد تحت تکفل/
مجموعاً تا پنجاه هزار ریال در یک سال مالیاتی در صورتی که دریافت کننده بیمارستان یا پزشک مقیم ایران بوده و/
دریافت وجه را گواهی نماید از درآمد مشمول مالیات مؤدی کسر می‌گردد مشروط بر این که مؤدی در موعد مقرر/
اظهارنامه و ترازنامه (در صورتی که مکلف به داشتن دفتر قانونی باشد) تسلیم نموده باشد./

/

تبصره در مورد کسانی که مکلف به تسلیم اظهارنامه نیستند استفاده از مفاد این ماده مشروط به آن است که/
تقاضای خود را روی نمونه‌ای که از طرف وزارت دارایی تهیه خواهد شد منتهی چهار ماه بعد از پایان سال انجام/
هزینه به ضمیمه گواهی پرداخت وجه به اداره دارایی تسلیم نمایند./

/

فصل چهارم هزینه‌های قابل قبول و استهلاکات/

/

ماده ۱۲۳ – هزینه‌های قابل قبول برای تشخیص درآمد مشمول مالیات به شرحی که ضمن مواد این فصل مقرر/
می‌گردد عبارت است از هزینه‌هایی که در حدود متعارف متکی به مدارک بوده و منحصراً مربوط به تحصیل درآمد/
مؤسسه واقع در ایران در دوره مالی مربوط باشد./

/

تبصره از لحاظ مقررات این فصل مؤسسه عبارت است از هر شخص حقیقی یا حقوقی که دارای دفاتر قانونی/
باشد./

/

ماده ۱۲۴ – هزینه‌هایی که حائز شرایط مذکور در ماده فوق می‌باشد به شرح زیر در حساب مالیاتی قابل قبول/
است:/

/

الف قیمت خرید کالای فروخته شده و یا قیمت خرید مواد مصرفی در کالا و خدمات فروخته شده./

/

ب هزینه‌های استخدامی هزینه‌هایی که متناسب با خدمت کارکنان و کارگران مؤسسه به عناوین زیر به/
مصرف می‌رسد یا تعهد می‌شود:/

/

۱– حقوق و مزد اصلی./

/

۲– مزایا از قبیل فوق‌العاده هزینه سفر پاداش و عیدی./

/

۳– میزان چند درصد پرداختی به کارکنان و کارگران به نسبت میزان خرید، فروش، تقلیل ضایعات، تولید، سود ویژه/

پایان سال./

/

-۴ مزایای غیر نقدی (خوراک، پوشاک، مسکن، وسیله نقلیه، درمان و غیر ه)./

/

-۵ حقوق بازنشستگی و وظیفه و پایان خدمت طبق مقررات استخدامی مؤسسه و خسارات اخراج و بازخرید/ خدمت طبق قوانین موضوعه./

/

-۶ وجوه پرداختی به بیمه‌های اجتماعی کارگران./

/

-۷ تا پانزده درصد حقوق که علاوه بر حقوق به منظور تأمین حقوق بازنشستگی و وظیفه و پایان خدمت کارکنان و/ کارگران مؤسسه اختصاص داده می‌شود مشروط بر این که:/

/

اولاً تحت نظارت وزارت دارایی باشد./

/

ثانیاً در مورد بانک‌ها وجوه مذکور به مصرف خرید اوراق قرضه دولتی یا اسناد خزانه برسد یا در حساب مخصوص/ نزد یکی از بانک‌های دیگر ایرانی یا مؤسساتی با کسب مجوز قانونی به این منظور تشکیل می‌شود و یا در نزد/ خود آن بانک نگاهداری شود./

/

ثالثاً در مورد سایر مؤسسات وجوه مذکور به مصرف خرید اوراق قرضه دولتی یا اسناد خزانه برسد یا در یکی از/ بانک‌های ایرانی یا مؤسساتی که با کسب مجوز قانونی به این منظور تشکیل می‌شود در حساب خصوص/ نگاهداری شود./

/

از حساب‌های مذکور جز برای پرداخت حقوق بازنشستگی یا وظیفه یا پایان خدمت در وجه کارکنان یا کارگران یا/ قائم‌مقام قانونی آنان یا استرداد آن در مورد کارکنان یا کارگرانی که به علت اخراج یا استعفا یا فوت یا علت دیگر/ حق آنان براین وجوه زایل گردد نباید استفاده شود. وجوهی که به این ترتیب استرداد می‌شود جزو درآمد مشمول/ مالیات مؤسسه در سال استرداد محسوب خواهد شد./

/

تبصره مدیران و بازرسان و صاحبان سرمایه اشخاص حقوقی در صورتی که دارای شغل موظف در مؤسسات/ مذکور باشند جزو کارکنانت مؤسسه محسوب خواهند شد ولی در مؤسساتی غیر از اشخاص حقوقی حقوق و/ مزایای صاحب مؤسسه و اولاد تحت تکفل و همسر نامبرده (به استثنای هزینه سفر مربوط به شغل) جزو/ هزینه‌های قابل قبول منظور نخواهد شد./

/

پ- هزینه‌های عمومی شامل هزینه‌هایی که برای نگاهداری و انجام عملیات مؤسسه لازم است از قبیل:/

/

-۱ کرایه محل مؤسسه در صورتی که اجاری باشد و هزینه‌های جزئی مربوط که عرفاً به عهده مستاجر/ است./

/

-۲ هزینه‌های جزئی مربوط به حفظ و نگاهداری محل مؤسسه در صورتی که ملکی باشد./

/

-۳ اجاره بهای ماشین آلات و ادوات مربوط به مؤسسه در صورتی که اجاری باشد./

/

-۴ مخارج سوخت، برق، روشنایی، آب، مخابرات و ارتباطات، حمل و نقل، سرویس ایاب و ذهاب، انبارداری./

/

۵- هزینه آبدارخانه و پذیرایی و تزئینات به میزان متعارف./

/

۶- حق‌الزحمه‌های پرداختی متناسب با کار انجام شده از قبیل حق‌العمل دلالی، حق‌الوکاله، حق‌المشاوره، حق/ حضور، هزینه حسابرسی./

/

۷- بهای ملزومات اداری و لوازمی که معمولا ظرف یک سال از بین می‌رود./

/

۸- مخارج تعمیر و نگاهداری ماشین آلات و لوازم کار و تعویض قطعات یدکی که به عنوان تغییر یا تعمیر اساسی/ تلقی نگردد./

/

۹- وجوه پرداختی بابت انواع بیمه مربوط به عملیات مؤسسه مشروط بر این که موضوع بیمه خطراتی باشد که در/ صورت بروز موجب نقصان دارایی خالص مؤسسه شود (از قبیل بیمه حمل و نقل، آتش‌سوزی، سرقت، طوفان،/ طغیان آب) یا این که ایجاد هزینه‌هایی کند که جزو هزینه‌های قابل قبول منظور شده است (از قبیل/ مسئولیت‌های مدنی)./

/

۱۰- هزینه‌های بهداشتی و وجوه پرداختی بابت بیمه‌های بهداشتی و عمر و حوادث ناشی از کار کارکنان و/ کارگرانی که مشمول قانون بیمه‌های اجتماعی کارگران نیستند./

/

۱۱- هزینه تبلیغات به میزان متعارف./

/

ت- هزینه‌های متفرقه از قبیل:/

/

۱- حق‌الامتیاز پرداختی و حقوق و عوارض و مالیات‌هایی که به سبب فعالیت مؤسسه به شهرداری‌ها و دولت/ ایران پرداخت می‌شود (به استثنای مالیات بر درآمد و ملحقات آن و سایر مالیات‌هایی که مؤسسه به موجب/ مقررات این قانون ملزم به کسر از دیگران و پرداخت آن می‌باشد و همچنین جرایمی که به دولت و شهرداری‌ها/ پرداخت می‌گردد)./

/

۲- هزینه‌های تحقیقاتی و آزمایشی و آموزشی مربوط به فعالیت مؤسسه./

/

۳- هزینه‌های اکتشاف معادن که منجر به بهره برداری نشده باشد./

/

۴- هزینه مربوط به جبران خسارت وارده مربوط به فعالیت مؤسسه از قبیل محکومیت مؤسسه به جبران خسارت/ و خسارات وارده به موجودی‌های جنسی و سایر دارایی که برای انجام عملیات مؤسسه مورد استفاده می‌باشد/ مشروط به این که:/

/

اولاً وجود خسارت محقق و قطعی باشد./

/

ثانیاً موضوع و میزان آن مشخص باشد./

/

ثالثاً طبق مقررات قانونی یا قراردادهای موجود جبران آن به عهده دیگری نبوده یا در هر صورت از طریق دیگر/ جبران نشده باشد./

/

۵- تا میزان سی درصد درآمد مشمول مالیات پرداختی برای مصارف شیر و خورشید سرخ و بنیاد پهلوی و/

سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی و بنگاه حمایت مادران و نوزادان و انجمن‌های موضوع بند ۱۰ ماده ۲ این/
قانون و انجمن ملی حمایت کودکان و همچنین مؤسسات خیریه و عام‌المنفعه که منحصراً به منظور تحقیقات/
علمی و یا ایجاد یا اداره امور بهداشتی درمانی آموزشی و ورزشی در ایران تاسیس شده و دولت آن‌ها را به/
عنوان مؤسسه خیریه و عام‌المنفعه به رسمیت شناخته و حق نظارت بر درآمد و هزینه آن‌ها داشته باشد یا به/
پیشنهاد وزارت دارایی و تصویب هیأت وزیران برای مصارف خیریه یا عام‌المنفعه به مؤسسات یا جمعیت‌های دیگر/
یا به پیشنهاد وزارت دارایی و تصویب هیأت وزیران به دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها اعم از دولتی یا غیر دولتی./

/

۶- بهره وجوهی که برای انجام عملیات مؤسسه وام گرفته شده است./

/

۷- مطالبات لاوصول به شرط اثبات آن از طرف مؤدی و سایر هزینه‌های قابل قبول مربوط به سال‌های قبل./

/

ت- ذخیره مربوط به هزینه‌های قابل قبول که به سال مالیاتی مورد رسیدگی ارتباط دارد ولی میزان قطعی آن/
هنوز تعیین نگردیده است./

/

ج- ذخیره مطالباتی که وصول آن مشکوک باشد مشروط بر این که اولاً طلب مربوط به فعالیت مؤسسه باشد. ثانیاً/
احتمال غالب برای لاوصول ماندن آن موجود باشد. ثالثاً علت مشکوک بودن وصول طلب در دوره مالی مورد/
رسیدگی ایجاد شده باشد. رابعاً در دفاتر تجارتی به حساب مخصوص منظور گردد تا زمانی که طلب وصول گردد یا/
لاوصول بودن آن محقق شود./

/

چ- زیان اشخاص حقیقی یا حقوقی در یک سال مالیاتی که طبق دفاتر قانونی آن‌ها و با توجه به مقررات این قانون/
احراز گردد این زیان از درآمد سال‌های بعد تا میزان یک سوم درآمد مذکور در ترازنامه متکی به دفاتر قانونی منتهی/
تا سه سال متوالی استهلاک پذیر است./

/

ح صددرصد درآمد مشمول مالیات شرکت‌های آب و برق دولتی که طبق برنامه‌های عمرانی مصوب تا پنج سال/
از تاریخ اجرای این قانون در امر توسعه سرمایه‌گذاری شود./

/

تبصره ۱- در مواردی که به تشخیص وزارت دارایی بتوان نصابی برای هریک از انواع هزینه‌های قابل قبول در/
محاسبه مالیاتی تعیین نمود وزارت دارایی مکلف است نصاب حداکثر آن را تعیین و پس از تصویب کمیسیون/
دارایی مجلس شورای ملی به موقع اجرا بگذارد./

/

تبصره ۲- هزینه‌های دیگری که مربوط به تحصیل درآمد مؤسسه تشخیص داده می‌شود و در این ماده پیش‌بینی/
نشده است به پیشنهاد وزارت دارایی و تصویب کمیسیون دارایی مجلس شورای ملی جز هزینه‌های قابل قبول/
پذیرفته خواهد شد./

/

ماده ۱۲۵- در تشخیص درآمد مشمول مالیات محاسبه استهلاک دارایی و هزینه‌های تاسیس و سرمایه‌ای با/
رعایت اصول زیر انجام می‌شود:/

/

۱- آن قسمت از دارایی ثابت که بر اثر استعمال یا گذشت زمان یا سایر عوامل بدون توجه به تغییر قیمت‌ها ارزش/
آن تقلیل می‌یابد قابل استهلاک است./

/

۲- مأخذ استهلاک قیمت تمام شده دارایی می‌باشد./

/

۳- استهلاک از تاریخی محاسبه می‌شود که دارایی قابل استهلاک آماده برای بهره‌برداری در اختیار مؤسسه قرار/

می‌گیرد./

/

در صورتی که دارایی قابل استهلاک به استثنای فیلم‌های سینمایی وارد از خارج کشور که از تاریخ اولین نمایش/ قابل استهلاک خواهد بود در نیمه اول سال مالیاتی در اختیار مؤسسه قرار گیرد استهلاک آن برای تمام سال/ احتساب می‌گردد و چنانچه در نیمه دوم سال به دارایی مؤسسه اضافه شود استهلاک آن از سال بعد شروع/ خواهد شد./

/

۴- هزینه‌های تاسیس از قبیل مخارج ثبت مؤسسه و حق مشاوره و نظایر آن جز در مواردی که ضمن جدول مقرر/ در ماده ۱۲۷ این قانون تصریح خواهد شد حداکثر تا مدت ۳ سال از تاریخ تاسیس به طور مساوی قابل استهلاک/ است./

/

۵- در صورتی که بر اثر فروش مال قابل استهلاک یا مسلوب المنفعه شدن ماشین‌آلات زیانی متوجه مؤسسه/ گردد زیان حاصل معادل ارزش مستهلک نشده دارایی منهای حاصل فروش (در صورت فروش) یک جا قابل احتساب/ در حساب سود و زیان همان سال است./

/

تبصره در مورد محاسبه مالیات تهیه‌کنندگان فیلم‌های ایرانی که در ایران تهیه می‌شود قیمت تمام شده فیلم/ در سال اول بهره‌برداری و در صورتی که درآمد فیلم تکافو نکند در سال‌های بعد در محاسبه درآمد مشمول مالیات/ منظور خواهد شد./

/

ماده ۱۲۶- طرز محاسبه استهلاک به شرح زیر است:/

/

الف در مواردی که طبق جدول مذکور در ماده ۱۲۷ برای استهلاک نرخ تعیین شود نرخ‌ها ثابت بوده و در هر سال/ به ما به التفاوت قیمت تمام شده مال مورد استهلاک و مبلغی که در سال‌های قبل برای آن به عنوان استهلاک/ منظور شده است اعمال می‌گردد./

/

ب- در مواردی که طبق جدول مذکور در ماده ۱۲۷ مدت معین شود در هر سال به طور مساوی از قیمت تمام شده/ مال به نسبت مدت مقرر استهلاک منظور می‌گردد./

/

تبصره هزینه مربوط به تغییر یا تعمیر اساسی دارایی قابل استهلاک جزو قیمت تمام شده دارایی محسوب/ می‌گردد./

/

ماده ۱۲۷- جدول استهلاکات از طرف وزارت دارایی تهیه و پس از تصویب کمیسیون دارایی مجلس شورای ملی به/ موقع اجرا گذارده می‌شود./

/

فصل پنجم قرائن و ضرایب مالیاتی/

/

ماده ۱۲۸- قرائن مالیاتی عبارت است از عواملی که در هر رشته از مشاغل با توجه به موقعیت شغل برای/ تشخیص درآمد مشمول مالیات به طور علی‌الرأس به کار می‌روند و فهرست آن به شرح زیر می‌باشد:/

/

۱- سرمایه./

/

۲- خرید سالانه./

/

۳- فروش سالانه./

/

۴- درآمد ناویژه./

/

۵- ارزش اجاری سالانه محل کسب و کار./

/

۶- پرداختی به کارگران و کارکنان./

/

۷- ظرفیت تولید در کارخانجات./

/

۸- مقدار مواد اولیه که به مصرف رسیده است./

/

۹- تعداد اتاق یا تخت هتل و مسافرخانه./

/

۱۰- ظرفیت وسایط رانندگی و سایر وسایل حمل و نقل./

/

۱۱- تعداد کشتار در مورد قصاب‌ها و کشتارکنندگان./

/

۱۲- تعداد تختخواب و پزشک و جراح و بیمار در بیمارستان و نظایر آن./

/

۱۳- تعداد نمره و دوش گرمابه./

/

۱۴- میزان انتشار روزنامه و مجله و تعداد مشترکین یا میزان فروش و بهای آگهی./

/

۱۵- جمع کل وجوهی که بابت حق تحریر و حق الزحمه وصول مالیات و عوارض و مصرف تمبر عاید دفترخانه اسناد/ رسمی می‌شود یا میزان تمبر مصرفی آن‌ها./

/

۱۶- سابقه مالیاتی./

/

تبصره ممیز مالیاتی باید از بین قرائن مذکور در این ماده قرینه یا قرائنی را که با نوع و حدود فعالیت مؤدی/ منطبق و با وضع او متناسب‌تر تشخیص می‌دهد انتخاب و دلایل انتخاب نوع و رقم آن را توجیه کند./

/

ماده ۱۲۹- ضرایب تشخیص درآمد مشمول مالیات عبارت است از ارقام مشخصه‌ای که حاصل ضرب آن‌ها در قرینه/ مالیاتی در موارد تشخیص علی‌الرأس درآمد مشمول مالیات تلقی می‌گردد./

/

تبصره در صورتی که به چند قرینه اعمال ضریب شود معدلی که از نتایج اعمال ضرایب به دست می‌آید درآمد/ مشمول مالیات خواهد بود./

/

ماده ۱۳۰- جدول ضرایب تشخیص درآمد مشمول مالیات به ترتیب زیر تنظیم و ابلاغ می‌گردد:/

/

الف برای تعیین ضرایب کمیسیونی مرکز از نمایندگان وزارت دارایی و وزارت اقتصاد و بانک مرکزی و/ شورای‌عالی اصناف و نماینده اتاق صنایع و معادن (در مورد کارخانجات و معادن) و نماینده اتحادیه بازرگانان و/ پیشه‌وران تهران در مورد بازرگانان و پیشه‌وران وابسته به اتحادیه مزبور) و نماینده اتاق بازرگانی (در مورد سایر/

مشاغل) در وزارت دارایی تشکیل می‌شود و همه ساله با توجه به جریان معاملات و اوضاع و احوال اقتصادی/
ضرایب مربوط به مالیات‌های حوزه تهران را نسبت به هریک از قرائن مذکور در ماده ۱۲۸ درباره مؤدیان مختلف/
برحسب نوع مشاغل به طور تفکیک تعیین و فهرست آن را به وزارت دارایی تسلیم می‌نماید. تصمیمات این/
کمیسیون از طرف وزارت دارایی به عنوان جدول ضرایب حوزه تهران برای اجرا ابلاغ خواهد شد./

/

ب جدول مذکور در بند الف از طرف وزارت دارایی به ادارات دارایی شهرستان‌ها ارسال می‌گردد./

/

پیشکاری‌ها و ادارات دارایی مکلفند به محض وصول جدول مذکور کمیسیونی مرکب از پیشکار دارایی و رئیس/
اداره اقتصاد استان و رئیس بانک ملی و رئیس اتاق بازرگانی یا رئیس شعبه اتاق صنایع و معادن و نماینده انجمن/
شهر در مرکز استان و رئیس دارایی و رئیس بانک ملی و رئیس اتاق بازرگانی یا رئیس شعبه اتاق صنایع و معادن/
در سایر شهرستان‌ها تشکیل دهند. کمیسیون مزبور جدول رسیده را مبنای مطالعه قرار داده و با توجه به اوضاع/
و احوال اقتصادی خاص حوزه مالیاتی خود در صورت اقتضا تغییرات لازم در ارقام آن با ذکر دلیل به عمل خواهد/
آورد. نتیجه بررسی کمیسیون به مرکز گزارش شده و از طرف وزارت دارایی مورد بررسی قرار می‌گیرد و تا حدی/
که دلایل اقامه شده برای تغییرات ارقام جدول قانع کننده به نظر برسد جدول از طرف وزارت دارایی اصلاح و به/
عنوان جدول ضرایب به هریک از حوزه‌های دارایی شهرستان‌ها ابلاغ خواهد شد./

/

تبصره ۱ – در نقاطی که اتاق بازرگانی تشکیل نشده است پیشکار دارایی در مراکز استان و رئیس دارایی در/
شهرستان‌ها یکی از بازرگانان مطلع و معتمد محل را برای شرکت در کمیسیون ضرایب انتخاب می‌نماید./

/

تبصره ۲– در شهرستان‌های مرکز استان که شعبه اتاق صنایع تشکیل نشده است پیشکار دارایی یکی از/
صاحبان صنایع مطلع و معتمد آن حوزه را انتخاب می‌نماید./

/

تبصره ۳– در صورت عدم تاسیس اداره اقتصاد فرماندار مرکز استان به جای رئیس اداره اقتصاد در کمیسیون/
شرکت خواهد کرد./

/

تبصره ۴– کمیسیون ضرایب با حضور اکثریت اعضا رسمیت خواهد یافت و تصمیمات آن به اکثریت آرا حاضرین در/
جلسه رسمی مناط اعتبار است./

/

تبصره ۵– ضریب مالیاتی در مواردی که درآمد مشمول مالیات موضوع این قانون باید علی‌الرأس تشخیص شود در/
صورتی که به موجب این قانون یا طبق جدول ضرایب برای آن ضریبی تعیین نشده باشد به وسیله کمیسیون/
تشخیص محل تعیین خواهد شد./

/

فصل ششم محاسبه مالیات/

/

ماده ۱۳۱ – حساب مالیاتی اشخاص حقیقی که مالیات بر درآمد آنان طبق مقررات فصل دوم این باب پرداخت شده/
باشد تصفیه شده تلقی می‌شود مگر در مورد اشخاص زیر:/

/

۱– هر شخص حقیقی که جمع درآمد مشمول مالیات او از یک یا چند منبع از چهار صد هزار ریال در سال تجاوز/
نماید تا سیصد هزار ریال حقوق و یا مقرری هر شخص در جمع درآمد او محسوب نخواهد شد./

/

وزارت دارایی در مواردی که درآمد اشخاص حقیقی از یک محل در یک منبع تحصیل و مالیات آن قانوناً به نرخ ماده/
۱۳۴ پرداخت شده است اشخاص مزبور را از تسلیم اظهارنامه موضوع ماده ۱۳۲ معاف خواهد نمود./

/

۲- هر شخص حقیقی مشمول مالیات که بیشتر از میزان مقرر در مواد ۶ و ۹۳ از نرخ ده‌درصد یا از بخشودگی/ مالیاتی حداقل درآمد استفاده کرده باشد./

/

۳- هر شخص حقیقی ایرانی مقیم ایران که درآمدی در خارج از کشور تحصیل کرده باشد./

/

ماده ۱۳۲- هریک از اشخاص مذکور در بندهای ماده ۱۳۱ مکلفند تا آخر تیر ماه هر سال یک اظهارنامه تکمیلی/ حاوی جمع کل درآمد مشمول مالیات که در سال مالیاتی قبل تحصیل کرده‌اند تنظیم و به دفتر ممیزی مالیاتی/ محل سکونت خود تسلیم نمایند و نسبت به مجموع درآمد خود مالیات متعلق را با رعایت نرخ ماده ۶ و طبق نرخ/ مربوط ماده ۱۳۴ احتساب و پس از کسر وجوهی که به عنوان مالیات بر درآمد منابع درآمدهای مذکور در اظهارنامه/ نقداً یا از طریق ابطال تمبر پرداخت کرده‌اند یا به موجب قانون وسیله اشخاص دیگر از درآمد آنان کسر شده است/ تأدیه نمایند. در مواردی که گیرندگان حقوق درآمد دیگری داشته باشند که مشمول معافیت حداقل درآمد باشد در/ احتساب مالیات معافیت مزبور در درجه اول در منبع حقوق منظور می‌شود./

/

تبصره ۱- درآمدهای مذکور در اظهارنامه تکمیلی نسبت به آنچه در ایران تحصیل شده عبارت است از مبلغی/ معادل درآمد مشمول مالیات طبق مقررات بخش مربوط از فصل دوم این باب پس از معافیت‌های مقرر و نسبت به/ درآمدهایی که اشخاص حقیقی ایرانی مقیم خارج از کشور تحصیل کرده‌اند به مأخذ کل درآمد ویژه./

/

تبصره ۲- در صورتی که مؤدی محل سکونتی در ایران نداشته باشد محل تسلیم اظهارنامه تکمیلی اداره دارایی/ تهران خواهد بود./

/

ماده ۱۳۳- ممیز مالیاتی مربوط درآمدهای مشمول مالیات منابع مختلف مؤدی را به تدریج که برگ قطعی آن/ می‌رسد با مندرجات اظهارنامه تکمیلی تطبیق و یا در صورتی که اظهارنامه تکمیلی داده نشده باشد مالیات/ متعلق را محاسبه و مابه‌التفاوت آن را در صورتی که پرداخت نشده باشد مطالبه می‌نماید. مطالبه مزبور باید از/ تاریخ ابلاغ هر برگ قطعی به ممیز که موجب محاسبه مابه‌التفاوت مالیات می‌شود ظرف یک سال به عمل آید/ وگرنه مشمول مرور زمان خواهد بود./

/

ماده ۱۳۴- نرخ مالیات بر درآمد به استثنای موارد مذکور در قسمت اخیر جز یک بند ت ماده ۸۰ و ماده ۹۰ و/ همچنین در مورد مالیات بر درآمد املاک که به موجب مقررات مربوط مالیات باید به مأخذ صدی دو قیمت فروش/ وصول شود به شرح زیر تعیین می‌گردد./

/

تا ۴۰۰۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه ۱۵%/

/

تا ۶۰۰۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه ۱۸% نسبت به مازاد ۴۰۰۰۰۰ ریال/

/

تا ۸۰۰۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه ۲۰% نسبت به مازاد ۶۰۰۰۰۰ ریال/

/

تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه ۲۲% نسبت به مازاد ۸۰۰۰۰۰ ریال/

/

تا ۲۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه ۲۴% نسبت به مازاد ۱۰۰۰۰۰۰ ریال/

/

تا ۴۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه ۲۶% نسبت به مازاد ۲۰۰۰۰۰۰ ریال/

/

تا ۷۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه ۲۸% نسبت به مازاد ۴۰۰۰۰۰۰ ریال/

/

تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه ۳۰% نسبت به مازاد ۷۰۰۰۰۰۰ ریال/

/

تا ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه ۳۵% نسبت به مازاد ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال/

/

تا ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه ۴۰% نسبت به مازاد ۱۵۰۰۰۰۰۰ ریال/

/

تا ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه ۴۵% نسبت به مازاد ۲۰۰۰۰۰۰۰ ریال/

/

تا ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه ۵۰% نسبت به مازاد ۳۰۰۰۰۰۰۰ ریال/

/

تا ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد مشمول مالیات سالانه به بالا ۵۵%/

/

تبصره ۱- درآمد مشمول مالیات اشخاص حقیقی که از یک یا چند منبع موضوع بخش‌های یکم و چهارم و پنجم این/ قانون از یک میلیون و سیصد و بیست هزار ریال در سال تجاوز کند مازاد بر یک میلیون و سیصد و بیست هزار ریال/ مشمول یک مالیات اضافی به نرخ ده درصد خواهد بود. این مالیات در محاسبه مالیات مجموع درآمد مؤدی منظور/ نخواهد شد. سررسید پرداخت مالیات موضوع این تبصره همان است که برای مالیات منبع مربوط تعیین شده/ است. در مواردی که وصول مالیات منبع مربوط به عهده پرداخت‌کنندگان وجه یا صاحبان دفاتر اسناد رسمی واگذار/ شده کسر این مالیات نیز به عهده نامبردگان خواهد بود. در مورد حقوق و مزایای مستمر هر ماه نسبت به مزاد/ یکصد و ده هزار یال و در مورد مزایای غیر مستمر در صورتی که در هر پرداخت جمع پرداختی از اول سال تا آن/ تاریخ از این بابت به اضافه دوازده برابر حقوق و مزایای مستمر همان ماه از یک میلیون و سیصد و بیست هزار/ ریال تجاوز کند مالیات متعلق محاسبه خواهد شد./

/

صاحبان درآمد موضوع این تبصره که جمع درآمد سالانه آنان از چند محل در یک یا چند منبع از منابع مذکور از یک/ میلیون و سیصد و بیست هزار ریال بیشتر است مکلفند ما به‌التفاوت آن را در موقع تسلیم اظهارنامه تکمیلی/ موضوع ماده ۱۳۲ به وزارت دارایی بپردازند./

/

تبصره ۲- در مورد درآمدهای معوقه و استثنایی که منشا آن لااقل پنج سال فعالیت مداوم یا نگاهداری دارایی/ غیر منقول برای مدت پنج سال یا بیشتر باشد از قبیل حق تألیف و اختراع و اکتشاف و فروش املاک و انتقال/ حق واگذاری محل و مستحدثات موضوع تبصره ۴ ماده ۲۰ و درآمدهای مشابه که فهرست آن از طرف وزارت/ دارایی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید درآمد به پنج قسمت مساوی تقسیم و هر قسمت از آن به/ سایر درآمدهای سال تحصیل آن درآمد و هریک از چهار سال قبل اضافه و بر اساس نرخ‌های مندرج در این ماده/ مالیات آن محاسبه خواهد شد. در صورتی که با اجرای حکم این تبصره قسمتی از درآمد به سال‌های قبل از/ اجرای این قانون مربوط شود مالیات هریک از آن قسمت‌ها جداگانه به نرخ مقرر در ماده ۱۳۴ احتساب و وصول/ خواهد شد./

/

فصل هفتم جرایم و زیان دیرکرد مالیاتی/

/

بخش یکم جرایم و مجازات مالیاتی/

/

ماده ۱۳۵- در مواردی که مؤدی یا نماینده او که به موجب مقررات این قانون از بابت پرداخت مالیات مکلف به/ تسلیم اظهار نامه می‌باشد همچنین مشمولین مالیات اراضی بایر از تسلیم آن در مواعد مقرر در این قانون/ خودداری کند در صورتی که تمام یا قسمتی از مالیات در سررسیدهای قانونی پرداخت نشده باشد نسبت به آن/

مبلغ که پرداخت نشده بیست درصد و نسبت به آن مبلغ که پرداخت شده دو درصد مشمول جریمه/
می‌باشد./
/
تبصره اشخاصی که مکلف به تسلیم اظهارنامه هستند باید نام و نام خانوادگی و شماره شناسنامه و/
شهرستان محل صدور و روز و ماه و سال تاریخ صدور آن را به طور کامل در اظهارنامه قید کنند. در مورد اشخاص/
حقوقی این مشخصات عبارت از نام و شماره ثبت در مراجع قانونی و محل ثبت و روز و ماه و سال تاریخ ثبت/
خواهد بود همچنین اشخاصی که مکلف به اخذ یا کسر مالیات هستند مکلف خواهند بود مشخصات فوق‌الذکر/
مربوط به خود و مؤدی را اعلام دارند./
/
ماده ۱۳۶ – جریمه تسلیم اظهارنامه خلاف واقع عبارت است از پانزده درصد مابه‌التفاوت بین مالیات قطعی شده و/
رقم مالیاتی که مؤدی ضمن اظهارنامه اظهار نموده است./
/
تبصره اظهارنامه خلاف واقع اظهار نامه ای است که ثابت شود مؤدی از اظهار درآمد واقعی خودداری کرده/
است./
/
ماده ۱۳۷ – نسبت به مؤدی که به موجب مقررات این قانون مکلف به داشتن دفتر هستند در موارد مذکور در/
بندهای ۱ و ۲ ماده ۶۱ جریمه تخلف عبارت از ۲۰ درصد مالیات خواهد بود./
/
ماده ۱۳۸ – در موارد مذکور در بندهای ۳ و ۴ ماده ۶۱ جریمه مؤدی عبارت خواهد بود از ده درصد مابه‌التفاوت بین/
مالیات قطعی شده و رقم مالیاتی که مؤدی ضمن اظهارنامه یا ترازنامه تسلیمی اظهار نموده است./
/
ماده ۱۳۹ – جریمه تخلف آخرین مدیران شخص حقوقی از لحاظ عدم تسلیم اظهارنامه موضوع ماده ۸۴ ظرف مهلت/
مقرر ده هزار ریال و جریمه تسلیم اظهارنامه خلاف واقع پنجاه هزار ریال خواهد بود./
/
ماده ۱۴۰ – جریمه تخلف مدیر یا مدیران تصفیه در مورد تقسیم دارایی شخص حقوقی قبل از تصفیه امور مالیاتی/
شخص حقوقی یا قبل از سپردن تأمین مقرر موضوع ماده ۸۸ معادل پانزده درصد مالیات خواهد بود که از مدیر یا/
مدیران تصفیه وصول می‌گردد./
/
ماده ۱۴۱ – نسبت به اشخاصی که به شرح مقررات این قانون مکلف به تسلیم صورت یا فهرست مشخصات راجع/
به مؤدی می‌باشند در صورتی که از تسلیم آن در موعد مقرر خودداری نمایند یا به خلاف واقع تسلیم نمایند/
جریمه متعلق عبارت خواهد بود از پنج درصد درآمدی که فهرست آن تسلیم نشده است و یا کمتر قید شده/
است./
/
ماده ۱۴۲ – اشخاصی که به شرح مقررات این قانون علاوه بر تسلیم فهرست و مشخصات مؤدی مکلف به کسر/
مالیات و پرداخت آن به وزارت دارایی نیز می‌باشند از لحاظ عدم اجرای تکالیف مقرره مشمول جرایم زیر خواهند/
بود:/
/
الف از بابت عدم اجرای تکلیف تسلیم فهرست و مشخصات جریمه‌ای معادل دو درصد مالیات که در هر صورت/
از پنج هزار ریال تجاوز نخواهد کرد./
/
ب از لحاظ عدم تحویل مالیات کلا یا جزئاً در سررسید مقرر جریمه معادل بیست درصد مالیاتی که پرداخت نشده/
است./
/

ماده ۱۴۳ – جریمه صاحبان دفاتر اسناد رسمی در مورد عدم رعایت مفاد ماده ۳۴ عبارت از بیست و پنج درصد/ مالیات پرداخت نشده است./

/

ماده ۱۴۴ – تا میزان پنجاه درصد جرایم مذکور در این قانون بنا به پیشنهاد حوزه مالیاتی مربوط و تصویب وزیر دارایی/ قابل بخشوده شدن می‌باشد./

/

ماده ۱۴۵ – هر کس به قصد فرار از پرداخت مالیات عالماً عامداً به دفاتر و اسناد و مدارکی که برای تشخیص/ مالیات ملاک عمل می‌باشد و برخلاف حقیقت تهیه یا تنظیم شده استناد نماید به حبس تأدیبی از سه ماه تا دو/ سال محکوم خواهد شد./

/

تعقیب و اقامه دعوی علیه مرتکبین نزد مقامات صالحه قضایی از طرف وزیر دارایی به عمل خواهد آمد./

/

بخش دوم زیان دیرکرد/

/

ماده ۱۴۶ – در صورتی که مؤدی مالیاتی یا اشخاصی‌که به موجب این قانون مکلف به کسر مالیات مؤدی و پرداخت/ آن به دارایی می‌باشند در مواعد مقرر مالیات را نپردازند زیان دیرکردی معادل سه چهارم یک درصد در ماه نیز باید/ بپردازند./

/

تبصره برای مدت کمتر از پانزده روز تأخیر زیان دیرکرد احتساب نمی‌شود و برای تأخیر پانزده روز و بیشتر تا یک/ ماه زیان دیر کرد یک ماهه محسوب خواهد شد./

/

ماده ۱۴۷ – زیان دیرکرد از آخرین روز انقضای مهلت پرداخت مالیات طبق مقررات این قانون احتساب خواهد شد./ مگر در مورد اختلافات مالیاتی که نسبت به مابه‌الاختلاف از تاریخ مطالبه محاسبه می‌گردد./

/

فصل هشتم مقررات عمومی/

/

ماده ۱۴۸ – سال مالیاتی عبارت است از یک سال شمسی که از اول فروردین ماه هر سال شروع و به آخر اسفند/ ماه همان سال ختم می‌شود لکن در مورد اشخاص حقوقی مشمول مالیات که سال مالی آن‌ها به موجب/ اساسنامه با سال مالیاتی تطبیق نمی کند درآمد سال مالی آن‌ها به جای سال مالیاتی مبنای تشخیص مالیات/ قرار میگیرد و موعد تسلیم اظهارنظر و ترازنامه و سررسید پرداخت مالیات آن‌ها چهار ماه پس از سال مالی مربوط/ میباشد./

/

ماده ۱۴۹ – ممیز مالیاتی مکلف است اظهارنامه مؤدیان مالیات بر درآمد را در مورد درآمد هر منبع که در موعد/ قانونی تسلیم شده است به استثنای مشمولین ماده ۶۳ منتهی ظرف یک سال از تاریخ انقضای مهلت مقرر/ برای تسلیم اظهارنامه رسیدگی نماید و در صورتی که ظرف مدت مذکور برگ تشخیص درآمد صادر ننماید و یا تا/ سه ماه پس از انقضای یک سال فوق الذکر برگ تشخیص درآمد مذکور را به مؤدی ابلاغ نکند اظهارنامه مؤدی/ قطعی تلقی میشود مگر این که مؤدی فعالیتهای انتفاعی دیگری داشته باشد که در اظهارنامه کتمان شده/ باشد و در این صورت فقط مالیات بر درآمد آن فعالیتها با رعایت ماده ۱۵۰ قابل مطالبه خواهد بود./

/

به مهلت فوق در موارد اجرای بند ۲ ماده ۶۱ مدت سه ماه افزوده میشود./

/

ماده ۱۵۰ – نسبت به مؤدیان مالیات بر درآمد که در موعد مقرر از تسلیم اظهارنامه منبع درآمد خودداری نموده‌اند یا/ اصولا طبق مقررات این قانون مکلف به تسلیم اظهارنامه در سررسید پرداخت مالیات نیستند مدت مرور زمان/

مالیاتی سه سال از تاریخ سررسید پرداخت مالیات میباشد و پس از گذشتن سه سال مذکور مالیات متعلق قابل/
مطالبه نخواهد بود مگر این که ظرف این مدت درآمد مؤدی تعیین و برگ تشخیص مالیاتی صادر و منتهی ظرف/
سه ماه پس از انقضای سه سال مذکور برگ تشخیص صادر شده به مؤدی ابلاغ شود./

/

ماده ۱۵۱ تسلیم اظهارنامه و پرداخت مالیات مؤدیانی که در خارج از ایران اقامت دارند و همچنین مؤسسات و/
شرکتهایی که مرکز اصلی آن‌ها در خارجه است به عهده نمایندگان آنان در ایران میباشد./

/

ماده ۱۵۲ – وجوهی که به عنوان مالیات هر منبع از طریق تحویل به ادارات دارایی یا ابطال تمبر پرداخت می‌شود در/
موقع تشخیص و احتساب مالیات قطعی منظور میشود و در صورتی که مبلغی بیش از مالیات متعلق پرداخت/
شده باشد اضافه پرداختی مسترد خواهد شد ولی مالیاتهایی که از طرف کارفرما طبق ماده ۶ کسر و به دارایی/
تسلیم شده است فقط در مورد تبصره ۲ ماده ۶ قابل استرداد است./

/

تبصره به وزارت دارایی اجازه داده میشود که در مورد مؤدیان غیر ایرانی و اشخاص مقیم خارج از کشور کل/
مالیاتهای متعلق را به نرخ مذکور در ماده ۱۳۴ در منبع وصول نماید./

/

ماده ۱۵۳ – وزارت دارایی برای وصول مالیات و جرایم و زیان دیرکرد متعلق از مؤدیان و مسئولین پرداخت مالیات/
نسبت به سایر طلبکاران به استثنای صاحبان حقوق نسبت به مال مورد وثیقه و مطالبات کارگران و کارمندان/
ناشی از خدمت حق تقدم خواهد داشت./

/

ماده ۱۵۴ – هر شخص حقیقی یا حقوقی که به موجب مقررات این قانون مکلف به وصول وایصال مالیات مؤدیان/
دیگر می‌باشد در صورت تخلف از انجام وظایف مقرره با مؤدی متضامناً مسئول پرداخت مالیات و زیان دیرکرد/
متعلق بوده و مشمول جریمه مقرره نیز خواهد بود ضمناً مسئولین امر در صورتی که کارمند دولت یا شهرداری/
باشند مشمول مجازات مقرر در ماده پنجاه و نه قانون استخدام کشوری از بند ت به بعد خواهند بود و مرور زمان/
این گونه تخلفات سه سال از تاریخ وقوع تخلف خواهد بود./

/

ماده ۱۵۵ – کسانی که مطابق مقررات این قانون مکلف به پرداخت مالیات دیگران می‌باشند و همچنین هر کس/
پرداخت مالیات دیگری را تعهد یا ضمانت کرده باشد و کسانی که بر اثر خودداری از انجام تکالیف مقرر در این قانون/
مشمول جریمه شناخته شده‌اند در حکم مؤدی محسوب و از نظر وصول بدهی طبق مقررات قانونی اجرای/
وصول مالیات‌ها با آنان رفتار خواهد شد./

/

ماده ۱۵۶ – در مواقعی که اداره دارایی شرکت یا مؤدی غیر مقیمی را معتبر نشناسد حق دارد کلیه تدابیری که/
برای تأمین وصول مالیات دولت لازم است اتخاذ نماید./

/

آیین‌نامه مربوط به طرز اجرای این ماده از طرف وزارت دارایی تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران به موقع اجرا/
گذارده خواهد شد./

/

تبصره ۱ – در مواردی که مالیات مؤدی هنوز قطعی نشده است و بیم تفریط اموال از طرف مؤدی به قصد فرار از/
پرداخت مالیات می‌رود ممیز مالیاتی باید با ارائه دلایل کافی از کمیسیون تشخیص قرار تأمین مالیات را بخواهد و/
در صورتی که کمیسیون صدور قرار را لازم تشخیص دهد ضمن تعیین مبلغ قرار مقتضی صادر خواهد کرد./

/

ممیز مالیاتی مکلف است معادل همان مبلغ از اموال و وجوه مؤدی که نزد خودش یا اشخاص ثالث باشد تأمین/
نماید. در این صورت مؤدی و اشخاص ثالث پس از ابلاغ اخطار کتبی ممیز مالیاتی حق نخواهند داشت اموال مورد/
تأمین را از تصرف خود خارج کنند مگر این که معادل مبلغ مورد مطالبه تأمین دهند و در صورت تخلف مسئول/

پرداخت مطالبات مذکور خواهند بود./

/

تبصره ۲- در مواردی که اشخاص متعدد مسئول پرداخت مالیات شناخته می‌شوند ادارات دارایی حق دارند به/ همه آن‌ها مجتمعاً یا به هریک جداگانه برای وصول مالیات مراجعه کنند و مراجعه به یکی از آن‌ها مانع مراجعه به/ دیگران نخواهد بود./

/

تبصره ۳- وزارت دارایی مجاز است که مشمولین مالیات را در مواردی که مالیات آنان در موقع تحصیل درآمد کسر و/ پرداخت نمی شود کلا یا بعضاً مکلف نماید در جریان سال مالیات متعلق به همان سال را به نسبتی از آخرین/ مالیات قطعی شده سنوات قبل یا به نسبتی از حجم فعالیت به طور علی‌الحساب پرداخت نمایند و در صورت/ تخلف علاوه بر دریافت علی‌الحساب مذکور زیان دیرکرد موضوع ماده ۱۴۶ را نیز از مؤدی دریافت کند./

/

ماده ۱۵۷- وزارت دارایی مکلف است به منظور تسهیل در پرداخت مالیات و تقلیل موارد مراجعه مؤدیان به ادارات/ دارایی حساب مخصوص از طریق بانک مرکزی در بانک ملی افتتاح نماید تا مؤدیان بتوانند مستقیماً به شعب و/ باجه‌های بانک مزبور مراجعه و مالیات‌های خود را به حساب مذکور پرداخت نمایند./

/

ماده ۱۵۸- وزارت دارایی می‌تواند نسبت به مؤدیانی‌که قادر به پرداخت بدهی مالیاتی خود اعم از اصل و جریمه/ به طور یک جا نیستند با اضافه نمودن زیان دیر کرد متعلق قرار تقسیط برای مدتی که از تاریخ ابلاغ مالیات قطعی/ از دو سال تجاوز نکند بگذارد./

/

تبصره در مواردی که بر اثر حوادث و سوانح از قبیل زلزله و سیل به یک منطقه کشور خساراتی وارد گردیده/ است وزارت دارایی می‌تواند با تصویب هیأت وزیران تمام یا قسمتی از بدهی مالیات‌های مستقیم (اعم از جاری/ و بقایای) مؤدیانی را که ۵۰ درصد اموال آنان بر اثر حوادث مزبور از بین رفته است و قادر به پرداخت آن نمی‌باشند/ بخشوده و یا بدون دریافت جریمه وزیران دیر کرد تقسیط طولانی نماید./

/

ماده ۱۵۹- در صورتی که مؤدی محل‌های متعدد برای سکونت خود داشته باشد مکلف است یکی از آن‌ها را به/ عنوان محل سکونت اصلی معرفی نماید وگرنه ممیز مالیاتی می‌تواند هریک از محل‌های سکونت مؤدی را محل/ سکونت اصلی تلقی نماید./

/

ماده ۱۶۰- هر شخص حقیقی ایرانی که با ارائه گواهی نمایندگان مالی یا سیاسی دولت شاهنشاهی ایران در/ خارج ثابت کند که از درآمد یک سال مالیاتی خود در یکی از کشورهای خارج به عنوان مقیم مالیات پرداخته است/ از لحاظ مالیاتی در آن سال مقیم خارج از کشور شناخته خواهد شد مگر در یکی از موارد زیر:/

/

-۱ در سال مالیاتی مزبور محلی برای سکونت در ایران در اختیار داشته باشد./

/

-۲ در سال مالیاتی مزبور در ایران دارای شغلی بوده باشد./

/

-۳ در سال مالیاتی مزبور لااقل شش‌ماه متوالیاً یا متناوباً در ایران سکونت داشته باشد./

/

-۴ توقف در خارج از کشور به منظور انجام مأموریت یا معالجه یا امثال آن بوده باشد./

/

تبصره- دولت می‌تواند برای جلوگیری از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات راجع به درآمد مؤدیان با دولت‌های/ خارجی موافقتنامه‌های مالیاتی منعقد و پس از تصویب مجلسین به مرحله اجرا بگذارد. قراردادهای مربوط به/ امور مالیاتی که تا تاریخ اجرای این قانون با دول خارجی منعقد و به تصویب قوه مقننه رسیده است به قوت خود/

باقی است./

/

دولت می‌تواند مؤسسات هواپیمایی و کشتیرانی خارجی را به شرط معامله متقابل از پرداخت مالیات معاف/ کند./

/

ماده۱۶۱ – وزارت دارایی می‌تواند نمونه دفاتر مخصوصی برای هر رشته از مشاغل تهیه و در دسترس مؤدیان قرار/ دهد دفاتر مذکور برای تشخیص مالیات در حکم دفاتر قانونی خواهد بود. ضمناً برای هر رشته از مشاغل نمونه/ اوراق مخصوصی از قبیل بارنامه قبض رسید و امثال آن تهیه و در دسترس مؤدیان مربوط بگذارد تا در رسیدگی و/ تشخیص درآمد مورد استفاده قرار گیرد. در این‌صورت مؤدیان مکلفند مطابق دستورهای صادره از طرف وزارت/ دارایی اوراق مزبور را در معاملات خود به کار برند و الا دفاتر مؤدی برای تشخیص مالیات قابل استفاده نخواهد/ بود./

/

ماده۱۶۲ – ادارات ثبت مکلفند در آخر هر ماه فهرست نام اشخاص حقیقی یا حقوق را که دفتر قانونی به ثبت/ رسانده‌اند با تعداد دفاتر ثبت شده و شماره‌های آن به اداره دارایی محل اقامت مؤسسه ارسال دارند./

/

ماده۱۶۳ – ترازنامه‌هایی که از طرف صاحبان مشاغل اعم از اشخاص حقیقی یا حقوقی به مراجع رسمی و/ بانک‌ها ارائه می‌شود در صورتی قابل استناد است که به وزارت دارایی ارائه و وصول نسخه‌ای از آن وسیله ممیز/ مربوط گواهی شده باشد./

/

ماده۱۶۴ – مرجع رسیدگی به هر گونه اختلاف که در تشخیص مالیاتها موضوع این قانون بین هر یک از مأموران/ تشخیص و مؤدی ایجاد شود کمیسیون تشخیص می‌باشد مگر در مواردی که به موجب مقررات سایر مواد این/ قانون مرجع رسیدگی دیگری تعیین شده باشد./

/

ماده۱۶۵ – صدی چهار از مبالغی که به عنوان مالیات وسیله دفاتر رسمی وصول می‌شود به عنوان حق‌الزحمه/ وصول توسط سردفتر کسر می‌شود و چهار درصد دیگر در خزانه داری کل در حساب مخصوصی متمرکز می‌گیرد/ تا به مصرف بیمه سردفتران اسناد رسمی و دفتریاران برسد./

/

تبصره۱ – در مواردی که طبق مواد ۲۱۲و ۲۱۳ باید حق تمبر دریافت شود از لحاظ کسر حق‌الزحمه و تأمین حق بیمه/ مشمول این ماده خواهد بود و سر دفتر مکلف است به جای الصاق تمبر وجه نقد دریافت و در این مورد همچنین/ در سایر مواردی که مالیات وصول می‌کند قبض مالیاتی بانکی از طریق بانک صادر و یک نسخه آن را به مؤدی/ تسلیم کند./

/

تبصره۲ – آیین‌نامه مربوط به طرز اجرای این ماده و نظارت بر عملیات دفاتر اسناد رسمی در مورد وصول مالیات با/ جلب نظر اداره کل ثبت اسناد و املاک از طرف وزارت دارایی و وزارت دادگستری تنظیم و به موقع اجرا گذاشته/ می‌شود./

/

ماده۱۶۶ – از درآمد مشمول مالیات هر یک از منابع این باب (باب اول این قانون) به استثنای درآمد حقوق و/ کشاورزی و املاک و درآمد شرکتهای دولتی و بنگاههای وابسته به دولت یک مالیات اضافی به نرخ ۳ درصد/ وسیله ادارات دارایی در موقع وصول مالیات منبع وصول و به شهرداری محل پرداخت می‌شود./

/

ماده۱۶۷ – از درآمد مشمول مالیات بازرگانی کارت‌دار و شرکتها و صاحبان کارخانجات و فعالیت‌های موضوع ماده ۷۶/ یک مالیات اضافی به میزان سه و نیم در هزار وسیله وزارت دارایی وصول می‌شود. وجوه مزبور طبق آیین‌نامه‌ای/ که با جلب نظر اتاق بازرگانی و اتاق صنایع و معادن و شورای‌عالی اصناف تهران از طرف وزارت دارایی تهیه و به/

تصویب هیأت وزیران خواهد رسید به شرح زیر تقسیم می‌شود:/

/

۱. نیم در هزار به شورای‌عالی اصناف تهران د شهرستان‌ها./

/

۲. سه در هزار به اتاق بازرگانی تهران و شهرستان‌ها و اتاق صنایع و معادن./

/

تبصره– سهم اتاق‌های بازرگانی و اتاق صنایع و معادن از بقایای مالیاتی به موجب مقررات قبلی وصول و به/

اتاق‌های مزبور پرداخت خواهد شد./

/

ماده۱۶۸ کارمندان وزارت دارایی در دوره خدمت و یا آمادگی به خدمت و تا سه سال بعد از خدمت نمی‌توانند به/

مراجع مالیاتی به عنوان وکیل یا نماینده مؤدیان مراجعه نمایند و وکالت یا نمایندگی این اشخاص در مراجع مذکور/

پذیرفته نخواهد شد./

/

ماده ۱۶۹ – به وزارت دارایی اجازه داده می‌شود قبوض پیش پرداخت مالیاتی تهیه و برای استفاده مؤدیان عرضه/

نماید. قبوض مذکور با نام و غیر قابل انتقال بوده و در موقع برگشت به صندوق دارایی با احتساب بهره متعلق یک/

جا به نام مؤدی ظهرنویسی و باطل می‌شود و در مقابل قبض مالیاتی صادر خواهد شد./

/

تبصره ۱ – آیین‌نامه راجع به نحوه صدور و استفاده از قبوض پیش پرداخت مالیاتی و میزان بهره متعلق به آن را/

وزارت دارایی تهیه و پس از تصویب هیأت وزیران به موقع اجرا خواهد گذارد./

/

تبصره ۲– بهره متعلق به قبوض پیش پرداخت مالیاتی جزو درآمد مشمول مالیات محسوب نخواهد شد./

/

ماده ۱۷۰ – به منظور نظارت در اجرای قوانین و مقررات راجع به طرز تنظیم و نگاهداری دفاتر قانونی به وزارت/

دارایی اجازه داده می‌شود دفاتر مؤدیان را در جریان سال محاسباتی به وسیله هیأت‌های مورد رسیدگی قرار/

داده و ذیل آخرین مندرجات دفتر روزنامه را با قید تاریخ، امضا و نتیجه را صورت مجلس نمایند ممیزین مالیاتی/

هنگام رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان تسلیمی مؤدیان در قبول یا عدم قبول دفاتر کسانی که ظرف/

سال محاسباتی در موقع اجرا هیأت‌های مذکور از ارائه آن خودداری نمایند مختار خواهند بود./

/

تبصره آیین‌نامه اجرای این ماده وسیله وزارت دارایی تهیه و به موقع اجرا گذارده خواهد شد./

/

ماده ۱۷۱ – متصدیان فروش و ابطال تمبر مکلفند بر اساس مقررات این قانون به میزان مقرر در روی هر وکالتنامه/

تمبر باطل و میزان آن را در دفتری که اختصاصاً جهت تمبر مصرفی باید وسیله هریک از وکلا نگاهداری شود ثبت و/

گواهی نمایند. دفتر مزبور باید در موقع رسیدگی به حساب مالیاتی وکیل به دفتر ممیزی مالیاتی ارائه شود وگرنه/

از موجبات عدم قبول دفتر وکیل از نظر مالیاتی خواهد بود./

/

ماده ۱۷۲ – مؤدیان مالیاتی می‌توانند اظهارنامه‌های مربوط به منابع درآمد خود را به تفکیک با اخذ رسید به دفتر/

ممیزی مالیاتی حوزه محل سکونت تسلیم نمایند. در این صورت ممیز مالیاتی مذکور باید مراتب را در پرونده/

مؤدی منعکس نموده و اظهارنامه تسلیمی را ظرف ۴۸ ساعت برای اقدام به ممیز مالیاتی حوزه‌ای که منبع/

درآمد مؤدی در آن واقع است ارسال دارد. تسلیم اظهارنامه به ممیز مالیاتی حوزه سکونت از لحاظ آثار مترتب در/

حکم تسلیم آن به دفتر ممیزی مالیاتی مربوطه خواهد بود./

/

ماده ۱۷۳ – مقررات این قانون در مورد مالیات بر درآمد شرکت‌های نفتی بابت درآمدهای ناشی از انجام/

فعالیت‌های موضوع قراردادهای مربوطه ناقض مقررات ماده ۳۵ الحاقی به قانون مالیات بر درآمد مورخ ۱۳۲۸ که به/

عنوان ضمیمه قرارداد الحاقی به قرارداد فروش نفت و گاز در تاریخ اول بهمن ماه ۱۳۴۳ به تصویب رسیده است/
نخواهد بود. مالیات بر درآمد شرکت‌های مزبور بر مبنای مقررات ماده ۳۵ الحاقی فوق و با رعایت سایر مقررات/
مالیاتی که ضمن قوانین مربوط به هریک از شرکت‌های مزبور تصویب شده است محاسبه و وصول خواهد/
شد./

/

تبصره ۱- در مورد درآمد مشمول مالیات شرکت‌های نفتی موضوع ماده ۱۷۳ مقررات این قانون راجع به ترتیب و/
مهلت‌های رسیدگی جاری نخواهد بود و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت‌های مذکور وسیله وزارت دارایی با/
تشکیل حوزه یا حوزه‌های خاصی به تعداد لازم کمک ممیز و سرممیز و ممیز کل و حسابدار متخصص رسیدگی/
خواهد شد و در صورت بروز اختلاف پرونده آن‌ها از طرف وزارت دارایی به منظور رفع اختلاف به کمیسیون/
مخصوص متشکل از یک نفر از کارمندان وزارت دارایی و یک نفر حسابدار رسمی با انتخاب وزیر دارایی و یک نفر از/
قضات دادگستری به انتخاب و معرفی وزیر دادگستری احاله و از طرف کمیسیون پس از رسیدگی‌های لازم رأی/
صادر خواهد شد این رأی قطعی و لازم الاجرا است مگر این که مؤدی یا وزارت دارایی ظرف سه ماه از ابلاغ رأی/
به آن اعتراض کنند که در این صورت رسیدگی با اعتراض با کمیسیون دیگری متشکل از پنج نفر به شرح زیر/
خواهد بود:/

/

۱- دادستان کل یا نماینده او./

/

۲- رئیس شورای‌عالی مالیاتی./

/

۳- یکی از کارمندان عالی مقام وزارت دارایی به انتخاب وزیر دارایی./

/

۴- یک نفر از حسابداران رسمی که قبلا در رسیدگی و اظهار نظر نسبت به مورد دخالت نداشته باشد به انتخاب/
وزیر دارایی./

/

۵- رئیس هیأت بازرسی شرکت ملی نفت ایران یا یکی از بازرسان قانونی شرکت به انتخاب و معرفی رئیس/
هیأت مزبور./

/

رأی صادره از این کمیسیون قطعی و لازم الاجرا است./

/

تبصره ۲- نسبت به مواردی که شرکت‌های مذکور قانوناً مکلف به کسر مالیات از وجوه پرداختی به دیگران و یا/
تسلیم صورت و فهرست مربوط به آن می‌باشند همچنین نسبت به اجرای ماده ۲۴۲ طرز و ترتیب و مهلت‌های/
رسیدگی مقرر در قانون مالیات‌های مستقیم از طرف حوزه‌های مذکور لازم‌الرعایه است./

/

باب دوم سایر مالیات‌های مستقیم/

/

فصل اول مالیات ارث/

/

بخش یکم مشمولین و نرخ مالیات/

/

ماده ۱۷۴- هرگاه در نتیجه فوت شخصی اعم از فوت واقعی یا فرضی اموالی از متوفی باقی بماند به شرح زیر/
مشمول مالیات است:/

/

الف- نسبت به کل اموال مشمول مالیات بر ارث واقع در ایران پس از وضع دو میلیون ریال به نرخ ده‌درصد./

/

ب– نسبت به سهم‌الارثی که به هریک از وراث برسد پس از وضع مالیاتی که به موجب بند الف این ماده باید/

پرداخت شود به شرح زیر:/

/

–۱ در صورتی که متوفی یا وراث ایرانی مقیم ایران باشند نسبت به کلیه ماترک متوفی واقع در ایران یا در خارج/

پس از وضع هزینه کفن و دفن در حدود عرف و عادت و مالیات بر ارثی که بابت آن قسمت از ماترک واقع در خارج از/

کشور به دولت محل وقوع مال پرداخت شده است به نرخ مذکور در ماده ۱۷۸./

/

–۲ در صورتی که متوفی و وراث هر دو ایرانی مقیم خارج از کشور باشند نسبت به آن قسمت از ماترک متوفی که/

در ایران موجود است به نرخ مذکور در ماده ۱۷۸ و نسبت به آن قسمت که در خارج از کشور موجود است پس از/

وضع مالیات بر ارثی که از آن بابت به دولت محل وقوع مال پرداخت شده است، به نرخ ده درصد./

/

–۳ در سایر موارد نسبت به آن قسمت از ماترک متوفی که در ایران موجود است به نرخ مذکور در ماده ۱۷۸./

/

ماده ۱۷۵– اقامت از نظر قانون مالیات ارث تابع تعاریف مقرر در قانون مدنی می‌باشند./

/

ماده ۱۷۶– اموال مشمول مالیات بر ارث عبارتند از کلیه ماترک متوفی اعم از منقول و غیر منقول و مطالبات قابل/

وصول پس از وضع دیون محقق متوفی و واجبات مالی متوفی در حدود قواعد شرعی و هزینه‌هایی که در حدود/

عرف و عادت برای کفن و دفن متوفی و نظایر آن لازم است./

/

تبصره ۱– اگر متوفی بازرگان باشد در صورتی که می‌توانند بدهای مربوط به امور بازرگانی او را از ماترک کسر کنند/

که بدهی‌های مزبور در دفاتر قانونی بازرگانی متوفی ثبت شده باشد./

/

تبصره ۲– بدهی که متوفی به وراث خود دارد ولو آن که مستند به مدارک قانونی هم باشد برای تعیین مالیات از/

ماترک کسر نخواهد شد. به استثنای نفقه ایام معدوده و مهریه زوجه در صورتی که پرداخت نشده باشد./

/

تبصره ۳– در صورتی که به موجب رأی کمیسیون تشخیص مالیات مطالبات متوفی غیر قابل وصول تشخیص شود/

مطالبات مذکور جزو ماترک منظور نمی‌شود و اگر مالیات آن قبلا وصول شده باشد معادل مالیات متعلق مسترد/

خواهد شد. استفاده مؤدیان از حکم این تبصره مشروط به آن است که نسخه‌ای از دادخواست خود را منتهی/

ظرف سی‌روز از تاریخ تقدیم آن به دفتر دادگاه به اداره دارایی تسلیم نمایند در این صورت اداره دارایی از نظر/

تأمین مالیات متعلق می‌تواند به عنوان ثالث در دعوی شرکت نماید./

/

تبصره ۴– بهای اثاثیه خانه‌های محل سکونت متوفی پنج درصد ارزش محل سکونت محسوب خواهد شد./

/

تبصره ۵– در صورتی که ماترک مورد اختلاف بین وراث باشد وزارت دارایی تا یک سال مهلت برای رفع اختلاف و/

تعیین سهم الارث خواهد داد./

/

ماده ۱۷۷– وراث از نظر قانون مالیات بر ارث به سه طبقه تقسیم می‌شوند:/

/

–۱ وراث طبقه اول که عبارتند از پدر مادر زن – شوهر اولاد و اولاد اولاد./

/

–۲ وراث طبقه دوم که عبارتند از اجداد برادر و خواهر و اولاد آن‌ها./

/

۳- وراث طبقه سوم که عبارتند از عمو عمه دایی خاله و اولاد آن‌ها./

/

ماده ۱۷۸ – مالیات بر ارث به نسبت سهم الارث از ورثه گرفته می‌شود و نرخ آن به شرح زیر است:/

/

الف سهم‌الارث هریک از وراث طبقه اول تا ۴۰۰۰۰۰ ریال از پرداخت مالیات معاف است و نسبت به مازاد به شرح/

زیر مشمول مالیات خواهد بود:/

/

از ۴۰۰۰۰۱ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال ۳%/

/

از ۵۰۰۰۰۱ ریال تا ۷۵۰۰۰۰ ریال ۶%/

/

از ۷۵۰۰۰۱ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال ۹%/

/

از ۱۰۰۰۰۰۱ ریال تا ۲۰۰۰۰۰۰ ریال ۱۲%/

/

از ۲۰۰۰۰۰۱ ریال تا ۳۰۰۰۰۰۰ ریال ۱۵%/

/

از ۳۰۰۰۰۰۱ ریال تا ۵۰۰۰۰۰۰ ریال ۲۰%/

/

از ۵۰۰۰۰۰۱ ریال تا ۷۵۰۰۰۰۰ ریال ۲۵%/

/

از ۷۵۰۰۰۰۱ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال ۳۰%/

/

از ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال به بالا ۳۵%/

/

تبصره در صورتی که وارث طبقه اول صغیر باشد یا منحصرا به تحصیل اشتغال داشته باشد مالیات بر ارث/

سهم‌الارث او را از ۶۰۰۰۰۰ ریال تقلیل نخواهد داد و آن قسمت از مالیات که سهم‌الارث او را از این مبلغ تقلیل/

دهد بخشوده خواهد شد./

/

ب نرخ مالیات طبقه دوم و سوم به شرح زیر میباشد:/

/

طبقه دوم طبقه سوم/

/

تا ۵۰۰۰۰ ریال معاف ۵%/

/

از ۵۰۰۰۱ ریال تا ۳۰۰۰۰۰ ریال ۳% ۵%/

/

از ۳۰۰۰۰۱ ریال تا ۵۰۰۰۰۰ ریال ۶% ۸%/

/

از ۵۰۰۰۰۱ ریال تا ۷۵۰۰۰۰ ریال ۱۰% ۱۲%/

/

از ۷۵۰۰۰۱ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال ۱۵% ۲۰%/

/

از ۱۰۰۰۰۰۱ ریال تا ۲۰۰۰۰۰۰ ریال ۲۰% ۲۵%/

/

از ۲۰۰۰۰۰۱ ریال تا ۳۰۰۰۰۰۰ ریال ۲۵% ۳۵%/

/

از ۳۰۰۰۰۰۱ ریال تا ۵۰۰۰۰۰۰ ریال ۳۰% ۴۵%/

/

از ۵۰۰۰۰۰۱ ریال تا ۷۵۰۰۰۰۰ ریال ۳۵% ۵۵%/

/

از ۷۵۰۰۰۰۱ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال ۴۵% ۶۵%/

/

از ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال به بالا ۵۵% ۷۵%/

/

از ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال به بالا ۵۵% ۷۴%/

/

ماده ۱۷۹ – اموالی که به موجب وقف یا حبس یا نذر یا وصیت عام منتقل شود و مشمول مقررات فصل مالیات/ درآمد اتفاقی نگردد و از موارد معافیت مذکور در بند ۴ ماده ۱۸۳ نیز نباشد مشمول مقررات مالیات بر ارث بوده و/ به نرخ مقرر برای طبقه سوم مشمول مالیات خواهد بود./

/

تبصره مال مورد وصیت وقتی مشمول مالیات خواهد بود که وصیت با فوق موصی قطعی شده باشد./

/

ماده ۱۸۰ – انتقال املاک و کارخانه‌ها و سهام با نام به اولاد و اولاد اولاد پدر مادر زن یا شوهر به هر عنوان که/ باشد و وقف خاص آن‌ها برای اشخاص مذکور در حکم انتقال از طریق ارث تلقی می‌شود وکلا مشمول مالیات/ ارث خواهد بود و در موردی که انتقال معوض باشد و عوض نیز ملک یا کارخانه یا سهام با نام باشد مابه‌التفاوت/ ارزش عوضین مأخذ احتساب مالیات ارث استفاده کننده خواهد بود./

/

تبصره ۱ – در مورد معاملات موضوع این ماده حساب مالیاتی مربوط تا فوق انتقال دهنده یا انتقال گیرنده مفتوح/ خواهد بود و در هر معامله برای هر انتقال گیرنده مورد انتقال با انتقالات گذشته (موضوع این ماده و همچنین/ انتقالات موضوع ماده ۱۶ قانون اصلاح مالیات بر ارث مصوب اسفند ماده ۱۳۵۵) جمع و یک جا مأخذ احتساب درآمد/ مشمول مالیات ارث می‌باشد و بعد از فوت انتقال دهنده نیز مورد انتقالات قبلی با سهم‌الارث جمع و یک جا مأخذ/ احتساب درآمد مشمول مالیات ارث خواهد بود./

/

تبصره ۲– در معاملات مع‌الواسطه در صورتی معامله از شمول حکم این ماده خارج می‌شود که فاصله بین اولین/ معامله تا انتقال به وارث بیش از یک سال باشد./

/

ماده ۱۸۱ – در مورد معاملات مذکور در ماده ۱۸۰ هرگاه مال مورد انتقال به نحوی مجدداً به انتقال دهنده انتقال یابد/ معامله جدید مشمول مالیات نخواهد بود و اگر همین مال بعداً به موجب معامله مجدد یا به صورت ارث در ثانی به/ انتقال گیرنده اول واگذار گردد انتقال مجدد هم از پرداخت مالیات معاف است مگر این که ارزش آن در روز انتقال/ اخیر نسبت به اولین انتقال افزایش داشته باشد مگر در این صورت اضافه ارزش مشمول مالیات این فصل خواهد/ بود./

/

بخش دوم معافیت‌ها/

/

ماده ۱۸۲ – اعلیحضرت همایون شاهنشاه و علیا حضرت شهبانوی ایران و اعقاب بلافصل شاهنشاه از پرداخت/

مالیات موضوع این فصل و سایر فصول این باب معافند./

/

ماده ۱۸۳ – اموال زیر از مالیات‌های موضوع این فصل معافند:/

/

۱– وجوه بازنشستگی و وظیفه و پس‌انداز خدمت و بیمه‌های اجتماعی که یک جا یا به طور مستمر به ورثه متوفی/ پرداخت می‌گردد./

/

۲– تا میزان بیست و پنج درصد ارزش سهام یا سرمایه متوفی در مؤسسات مشمول معافیت‌های صنعتی واقع/ در ایران به نحوی که بیست و پنج درصد معافیت به سرمایه یا سهام مؤسساتی تعلق گیرد که طبق جدول/ معافیت‌های صنعتی سال فوت مشمول صددرصد معافیت مالیاتی باشد./

/

۳– اموال منقول متعلق به مشمولین بند ۴ ماده ۳۹ قرارداد وین مورخ فروردین ۱۳۴۰ با رعایت شرایط مقرر در/ قرارداد مزبور و با شرط معامله متقابل./

/

۴– اموالی که برای امور خیریه و عام‌المنفعه از قبیل شیر و خورشید سازمان شاهنشاهی خدمات اجتماعی / بنیاد پهلوی بنگاه حمایت مادران و نوزادان درمانگاه بیمارستان تیمارستان آسایشگاه مسلولین و جذامیان/ پرورشگاه یتیمان سازمان‌های ورزشی کتابخانه‌های عمومی مدارس حرفه‌ای و صنعتی کودکستان / دبیرستان دانشگاه دانشکده مسجد راه پل سد و مؤسسات علمی و تحقیقی مورد وقف یا نذر یا/ حبس یا وصیت واقع گردد به شرط آن که دولت یا شهرداری‌ها در اجرای آن حق نظارت داشته باشند. نحوه اجرای/ مفاد این بند به موجب آیین‌نامه‌ای که از طرف وزارت دارایی و وزارت دادگستری تهیه و به تصویب هیأت وزیران/ خواهد رسید تعیین می‌شود./

/

۵– املاکی که در اجرای قانون اصلاحات ارضی به زارعین واگذار می‌گردد و همچنین املاکی که در تقسیم املاک/ پهلوی تا بیست هکتار به زارعین داده شده است پس از فوت زارعین مذکور برای احتساب مالیات ارث جزو ماترک/ متوفی منظور نخواهد شد./

/

بخش سوم وظایف مؤدیان/

/

ماده ۱۸۴ – در مورد وقف متولی و در مورد حبس و نذر حبس و نذرکننده ظرف یک ماه از تاریخ وقوع عقد و در مورد/ وصیت وصی و در مورد ارث شخصی که خود را وارث می‌داند یا وی یا امین یا قیم یا نماینده قانونی آن‌ها ظرف/ سه ماه از تاریخ فوت متوفی مکلفند اظهارنامه‌ای روی نمونه مخصوصی که از طرف وزارت دارایی تهیه می‌شود/ حسب مورد حاوی ارزش مال مورد وقف یا حبس یا نذر یا اقلام ماترک با تعیین بهای زمان فوت و تصریح مطالبات و/ بدهی‌هایی که طبق مقررات این فصل قابل احتساب هستند به ضمیمه مدارک زیر به اداره دارایی صلاحیتدار/ تسلیم و رسید دریافت دارند:/

/

۱– رونوشت گواهی شده اسناد مربوط به بدهی و مطالبات متوفی./

/

۲– رونوشت گواهی شده کلیه اوراقی که مثبت حق مالکیت متوفی نسبت به اموال و حقوق مالی است./

/

۳– رونوشت گواهی شده آخرین وصیت نامه متوفی اگر وصیتنامه وجود داشته باشد./

/

۴– اگر اظهارنامه از طرف وکیل یا قیمت یا ولی یا وصی داده شود وکالتنامه مصدق یا رونوشت مصدق قیم نامه یا/ وصیتنامه./

/

۵- وزارت دارایی حق دارد نسبت به کمیت و کیفیت اموال متوفی در بانک‌های خارجی و سایر مؤسسات مالی/ کشورهای خارج تحقیق نماید./

/

تبصره ۱ – تسلیم اظهارنامه از طرف یکی از ورثه سالب تکلیف سایر وراث می‌باشد./

/

تبصره ۲– اداره دارایی صلاحیتدار در مورد مالیات ارث اداره‌ای است که آخرین اقامتگاه قانونی متوفی در حوزه آن/ واقع بوده است و اگر متوفی در ایران مقیم نبوده اداره‌ای است که قسمت اعظم دارایی غیر منقول متوفی در/ حوزه آن واقع شده و اگر متوفی اموال غیر منقول نیز در ایران نداشته باشد اداره دارایی صلاحیتدار اداره‌ای/ است که اقامتگاه قانونی وراث در حوزه آن واقع است و در صورتی که وراث هم در ایران اقامتگاه قانونی نداشته یا/ در نقاط مختلف اقامت داشته باشند اظهارنامه باید به اداره دارایی تهران تسلیم گردد./

/

تبصره ۳– اداره دارایی صلاحیتدار در مورد وقف و وصیت و حبس و نذر اداره‌ای است که محل اقامت متولی یا/ وصی یا حبس و نذر کننده در حوزه آن واقع است و در صورتی که افراد مذکور مقیم ایران نباشند اداره دارایی/ است که مال مورد معامله در حوزه آن واقع است./

/

تبصره ۴– تنظیم اظهارنامه محجورین حسب مورد به عهده ولی یا قیمت آن‌ها است./

/

ماده ۱۸۵ – مشمولین این فصل موظفند مالیات متعلق را بر اساس اظهارنامه تا سه ماه پس از تسلیم آن به رسم/ علی‌الحساب به اداره دارایی پرداخته و رسید دریافت دارند و دارایی مکلف است پس از رسیدگی و قطعی شدن/ مالیات و پرداخت آن از طرف مؤدی مفاصا حساب صادر و به او تسلیم نماید./

/

ماده ۱۸۶ – در صورتی که مشمولین مالیات این فصل قادر به پرداخت تمام یا قسمتی از مالیات خود نباشند وزارت/ دارایی می‌تواند با اخذ تضمین معتبر قرار تقسیط آن را تا مدت سه سال از تاریخ قطعی شدن مالیات متعلق/ بدهد و در صورتی که دادن تضمین و تقسیط برای وراث مقدور نباشد می‌توانند طبق قسمت آخر ماده ۱۹۰ عمل/ کنند./

/

بخش چهارم وظایف ادارات دارایی/

/

ماده ۱۸۷ – ممیز مالیاتی مربوط مکلف است اظهارنامه مؤدیان را که در موعد مقرر روی نمونه‌های مخصوص/ تسلیم شده است رسیدگی و ارزش اموال را تشخیص و به شرح زیر عمل کند:/

/

الف در صورتی که اظهارنامه شامل کلیه ماترک یا اموال مورد انتقال باشد و جمع بهای اظهار شده اموال/ مشمول مالیات بر ارث با تشخیص ممیز مالیاتی که مورد تأیید سر ممیز قرار گرفته است بیش از ۱۵% اختلاف/ نداشته باشد اظهارنامه را قطعی تلقی و حساب مؤدی را بر طبق آن واریز نماید./

/

ب در صورت تجاوز اختلاف از ۱۵ درصد و در موردی که وراث یا نماینده قانونی آن‌ها و سایر کسانی که طبق/ مقررات این قانون مکلف به دادن اظهارنامه هستند از تسلیم اظهارنامه در موقع مقرر خودداری کنند یا در/ اظهارنامه قسمتی از اموال را ذکر نکنند مالیات متعلق را بر طبق مقررات این قانون به موجب برگ تشخیص/ مالیات به مؤدی ابلاغ کند./

/

تبصره ممیز مالیاتی می‌تواند با مراجعه و نظر دادستان محل اداره دارایی صلاحیتدار مالیات تشخیص شده را/ نسبت به سهم الارث آن وارث از ماترک متوفی استیفا نماید مشروط بر این که ظرف سه ماه از تاریخ مراجعه به/

دادستان از طرف ورثه اعتراضی به تشخیص ممیز به عمل نیامده باشد./

/

ماده ۱۸۸ – ممیز مالیاتی مکلف است پس از تسلیم اظهارنامه از طرف وراث یا نماینده قانونی آن‌ها در صورت/ درخواست کتبی ظرف پانزده روز گواهینامه موضوع ماده ۱۹۳ را صادر و به مؤدی تسلیم نماید این گواهینامه فقط/ از نظر صدور برگ حصر وراثت معتبر است لکن صدور گواهینامه موضوع ماده ۱۹۴ و ۱۹۵ موکول به تصفیه حساب/ مالیاتی یا تقسیط آن می‌باشد و در غیر این صورت ممیز مالیاتی باید نسبت به قسمتی از ماترک معادل مالیات/ متعلق به تشخیص خود از صدور گواهینامه مزبور خودداری کند./

/

ماده ۱۸۹ – مأخذ ارزیابی اراضی و املاکی که قیمت منطقه‌ای سابق یا ارزش معاملاتی دارد قیمت یا ارزش مزبور/ در زمان فوت یا حین معامله می‌باشد و مأخذ ارزیابی املاک مزروعی در صورتی که ملک به سازمان اصلاحات/ ارضی واگذار شده یا ترتیب واگذاری آن داده شود قیمت مشخصه توسط سازمان مزبور و در غیر این صورت ارزش/ آن بر حسب اوضاع و احوال اقتصادی محل و در زمان فوت یا حین معامله معین خواهد شد./

/

تبصره قیمت منطقه‌ای سابق یا ارزش معاملاتی در مورد تعیین ارزش عرصه قطعی و غیر قابل اعتراض است/ ولی در صورتی که به نظر ممیز مالیاتی یا مؤدی قیمت منطقه‌ای سابق یا ارزش معاملاتی ساختمانی با توجه به/ نوع ساختمان یا مصالح و یا عمران متناسب با ارزش واقعی بنا نباشد طبق مقررات این قانون ارزیابی خواهد/ شد./

/

ماده ۱۹۰ – مالیاتی که به هر طریق به مرحله قطعیت برسد در صورت خودداری افراد مذکور در ماده ۱۸۴ از پرداخت/ یا تقسیط آن از طریق توقیف اموال موضوع وقف یا حبس یا نذر یا فروش ماترک (در صورتی که وجه نقد وجود/ نداشته باشد) وصول خواهد شد. وزارت دارایی می‌تواند در صورتی که جزو ماترک وجه نقد موجود نباشد به/ تقاضای کتبی وراث معادل مالیات متعلق مالی را اعم از منقول یا غیر منقول از ماترک با توافق وراث انتخاب و به/ قیمتی که مبنای محاسبه مالیات قرار گرفته است به جای مالیات قبول کند./

/

بخش پنجم وظایف ادارات دولتی و مؤسسات و اشخاص ثالث/

/

ماده ۱۹۱ – مأمورین کنسولی ایران در خارجه موظفند ظرف مدت دو ماه از تاریخ فوت اتباع ایرانی صورت ماترک آنان/ را در خارج (اعم از منقول و غیر منقول) با تعیین مشخصات و ارزش آن‌ها تهیه کنند و به وزارت دارایی/ بفرستند./

/

ماده ۱۹۲ – بانک‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات و اشخاصی که مالی از متوفی نزد خود دارند مکلفند ظرف یک ماه از/ تاریخ اطلاع از فوت صورت آن اموال اعم از وجوه نقد یا سفته یا جواهر و همچنین مقدار سهام متوفی را تنظیم و/ به ادارات دارایی محل تسلیم نمایند و همچنین موظفند در صورت مراجعه مأموران تشخیص مالیات دفاتر و اسناد/ مورد حاجت را برای رسیدگی در اختیار آن‌ها بگذارند./

/

ماده ۱۹۳ – رسیدگی به تقاضای حصر و وراثت در دادگاه‌ها موکول به ارائه گواهینامه اداره دارایی مبنی بر تسلیم/ اظهارنامه مالیاتی موضوع ماده ۱۸۴ خواهد بود./

/

مدیران دفتر دادگاه‌های صادرکننده تصدیق حصر وراثت موظفند رونوشت گواهی شده آن را ظرف پانزده روز از/ تاریخ صدور به دارایی محل بفرستند./

/

ماده ۱۹۴ – ادارات ثبت اسناد و املاک موقعی که مال غیر منقولی را از اسم متوفی به اسم وارث یا موصی له/ ثبت می‌نمایند و همچنین کلیه دفاتر اسناد رسمی در موقعی که می‌خواهند تقسیم نامه و هر نوع معامله وراث/

راجع به ماترک را ثبت کنند بایستی گواهینامه دارایی صلاحیتدار را راجع به این که مالیات متعلق کلا پرداخت یا/
ترتیب لازم برای پرداخت آن داده شده است مطالبه نمایند و قبل از ارائه این گواهی مجاز به ثبت نیستند./

/

تبصره ۱- اداره دارایی مکلف است ظرف پانزده روز پس از تسلیم اظهارنامه از طرف مؤدی گواهینامه متضمن/
رونوشت مصدق ریز ماترکی را که در اظهارنامه نوشته شده به مؤدی بدهد./

/

تبصره ۲- دفاتر اسناد رسمی و ادارات ثبت اسناد و محاکم دادگستری و اوقاف اداره سرپرستی صغار و محجورین/
و بانک‌ها و سایر مؤسسات مجاز نخواهند بود به مفاد وصیتنامه‌ای ترتیب اثر دهند مگر این که گواهینامه اداره/
دارایی مبنی بر این که وصیتنامه مزبور از طرف وصی یا وارث به اداره دارایی تسلیم شده است ارائه شود./

/

ماده ۱۹۵- بانک‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات و اشخاصی که وجوه نقد یا سفته یا جواهر یا سهام و یا هر نوع مال/
دیگر از متوفی نزد خود دارند مجاز نخواهند بود آن را به وارث تسلیم و یا به نام آنان ثبت نمایند مگر این که موافقت/
نامه اداره دارایی اداره شود./

/

ماده ۱۹۶- اداره سرپرستی صغار و محجورین مکلف است اطلاعاتی که از طرف ممیز مالیاتی راجع به اموال و/
دیون و وصیتنامه متوفی و یا هر نوع توضیحی که در مورد او خواسته می‌شود در اختیار آن‌ها بگذارد./

/

ماده ۱۹۷- در صورتی که به موجب احکام دادگاه‌ها بر اساس حقوق مالی متوفی مالی به ورثه برسد مدیران دفتر/
دادگاه‌ها مکلفند رونوشت حکم را به اداره دارایی ارسال دارند تا در صورتی که قبلا مالیات آن وصول نشده باشد/
اقدام به مطالبه مالیات گردد. همچنین در صورتی که اسناد و مدارک تازه‌ای مانند وصیتنامه و یا اسناد و اوراق/
مربوط به بدهی یا دارایی متوفی به دست آید که در محاسبه مالیات موثر و موجب تجدیدنظر در آرا صادره باشد/
پرونده برای صدور رأی مقتضی به کمیسیون صادرکننده رأی ارسال و طبق رأی کمیسیون اقدام/
خواهدشد./

/

بخش ششم جرایم مالیات‌های موضوع این فصل/

/

ماده ۱۹۸- هرگاه وراث ظرف یک ماه از تاریخ اخطار کتبی ممیز مالیاتی از ارائه اموال به منظور ارزیابی خودداری/
نمایند ممیز مالیاتی نسبت به تعیین بهای اموال به طور علی‌الرأس اقدام خواهد کرد./

/

ماده ۱۹۹- هرگاه هریک از مشمولین مالیات این فصل اظهارنامه تسلیم نکند و یا با تسلیم آن از ذکر قسمتی از/
اموال در اظهارنامه خودداری نماید مشمول جریمه‌ای معادل ۵% قیمت اموال اظهار نشده طبق تشخیص قطعی/
خواهد بود و در صورت تسلیم اظهارنامه خلاف واقع مشمول جریمه‌ای معادل دو و نیم درصد مابه‌التفاوت بهای/
مندرج در اظهارنامه با رقم مورد تشخیص دارایی که ملاک احتساب مالیاتی قطعی خواهد بود می‌گردد./

/

تبصره جرایم مذکور نسبت به سهم الارث به هریک از وراث تعلق می‌گیرد و در هر حال از یک برابر مالیات هریک/
از آن‌ها تجاوز نخواهد کرد و هریک از وراث که از پرداخت مالیات معاف شود نسبت به سهم خود از پرداخت جریمه/
نیز معاف خواهد بود./

/

ماده ۲۰۰- برای تأخیر در پرداخت مالیات موضوع این فصل زیان دیرکرد به میزان سه چهارم یک درصد (۷۵%) در ماه/
از تاریخ سررسید و نسبت به مابه‌الاختلاف از تاریخ ابلاغ برگ تشخیص احتساب و وصول خواهد شد و مدت کمتر/
از ۱۵ روز به حساب نمی‌آید و از پانزده روز به بالا یک ماه احتساب خواهد شد./

/

تبصره در صورتی که وارث با ارائه اسناد و مدارک به عذر عدم دسترسی به سهم الارث برای پرداخت مالیات/

تقاضای مهلت کند و ممیز مالیاتی عذر او را موجه تشخیص دهد با تأیید سرممیز و موافقت ممیز کل مهلت/
متناسبی برای تأدیه مالیات به او داده خواهد شد و در این صورت از پرداخت زیان دیرکرد در مهلت معاف/
می‌باشد./
/
ماده ۲۰۱- در صورتی که بانک‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات و اشخاصی که مالی از متوفی نزد خود دارند از اجرای/
مواد ۱۹۲ و ۱۹۵ تخلف نمایند علاوه بر این که تا معادل ارزش مالی که نزد آن‌ها بوده با وراث نسبت به پرداخت/
مالیات و جرایم و زیان دیرکرد متعلق به آنان مسئولیت تضامنی دارند مشمول جریمه‌ای معادل پنج درصد قیمت/
مال خواهند بود./
/
ماده ۲۰۲- هر گاه مأمورینی که طبق این قانون وظیفه‌ای بر عهده آن‌ها گذاشته شده وظایف خود را انجام ندهند/
به موجب حکم دادگاه اداری به انفصال از خدمت که کمتر از یک سال نخواهد بود محکوم خواهند شد./
/
بخش هفتم مقررات متفرقه/
/
ماده ۲۰۳- در مواقعی که به درخواست ممیز مالیاتی و تشخیص کمیسیون تشخیص مالیات بیم تفریط اموال/
منقول متوفی می‌رود ممیز مالیاتی می‌تواند به گرفتن ضامن یا تأمین عین مال طبق مقررات اجرای مالیات‌ها/
اقدام کند./
/
ماده ۲۰۴- در صورتی که جزو ماترک متوفی کارخانه‌ای باشد و ارزش سایر اموال متوفی تکافوی مالیات ارث/
متعلق به ماترک را نکند پس از وصول مالیات از محل سایر اموال نسبت به مازاد مالیات و همچنین در مواردی که/
ماترک منحصر به کارخانه باشد وزارت دارایی مکلف است در صورت تقاضای وراث با تقسیط مالیات در مدت/
متناسبی موافقت نماید./
/
فصل دوم حق تمبر/
/
ماده ۲۰۵- از هر برگ چک که از طرف بانک‌ها چاپ می‌شود در موقع چاپ بیست دینار حق تمبر اخذ/
می‌شود./
/
ماده ۲۰۶- از کلیه اسناد تجارتی قابل انتقال که در ایران صادر یا معامله و مورد استفاده قرار داده می‌شود (به/
استثنای اوراق مذکور در مواد ۲۰۸ و ۲۰۹) و اسناد کاشف از حقوق مالکیت نسبت به مال التجاره از قبیل بارنامه/
دریایی و هوایی و قبض تحویل مال‌التجاره به حواله کرد و همچنین اوراق بیمه مال التجاره ۵۰ ریال و از بدرنامه/
زمینی ۲۰ ریال حق تمبر دریافت خواهد شد./
/
ماده ۲۰۷- از کلیه قراردادها و اسناد مشابه آن‌ها که بین بانک‌ها یا مؤسسات صرافی و مشتریان آن‌ها مبادله یا از/
طرف مشتریان تعهد می‌شود و مربوط به ودایع نقدی یا سهام یا هر نوع اوراق بهادار یا اسناد ذمه‌ای یا انتقال/
طلب یا حواله یا التزامنامه است در صورتی که در دفتر اسناد رسمی ثبت نشده معادل ۲۰ ریال حق تمبر اخذ/
می‌شود./
/
ماده ۲۰۸- سهام شرکت سهامی و مختلط سهامی ایرانی خواه طبع و منتشر شده یا نشده باشد بر اساس/
ارزش اسمی سهام به قرار دو در هزار مشمول حق تمبر خواهد بود و کسور صد ریال هم صد ریال محسوب/
می‌شود./
/
تبصره ۱- حق تمبر سهام شرکت‌های سهامی باید ظرف یک ماه از تاریخ ثبت قانونی شرکت و در مورد افزایش/

سرمایه و سهام اضافی از تاریخ ثبت افزایش سرمایه در اداره ثبت شرکت‌ها از طریق ابطال تمبر پرداخته/
شود./
/
تبصره ۲- سهام شرکت‌های تعاونی و شرکت‌های پس‌انداز و وام مسکن از پرداخت تمبر تمبر معاف است./
/
تبصره ۳- حق تمبر سهام شرکت‌هایی سرمایه آن صددرصد متعلق به دولت است از دو میلیون ریال تجاوز نخواهد/
کرد و مازاد آن بخشوده خواهد شد./
/
معافیت حق تمبر شرکت‌های آب منطقه‌ای موضوع ماده ۲۲ قانون آب و نحوه ملی شدن آن مصوب ۲۷ تیر ماه/
۱۳۴۷ ناظر به حق تمبر موضوع این فصل نیست و وزارت دارایی می‌تواند جریمه حق تمبرهای پرداخت نشده/
شرکت‌های مذکور مربوط به قبل از تاریخ تصویب این اصلاحیه را در صورتی که تا سه ماه پرداخت گردد معاف/
کند./
/
تبصره ۴- جریمه تخلف مشمولین موضوع این ماده یک برابر اصل مالیات متعلق خواهد بود./
/
ماده ۲۰۹- از اوراق مشروحه ذیل نسبت به مبلغ آن‌ها معادل دو در هزار حق تمبر اخذ می‌شود: برات، فته‌طلب/
(سفته) و حواله نقدی و اوراق قرضه غیر دولتی و نظایر آن‌ها./
/
تبصره حق تمبر مقرر در این ماده بابت کمتر از هزار ریال معادل حق تمبر هزار ریال خواهد بود./
/
ماده ۲۱۰- در صورتی که اسناد مشمول حق تمبر موضوع ماده ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ در ایران صادر شده باشد/
صادرکنندگان باید تمبر مقرر را به روی آن‌ها الصاق و ابطال نمایند و هر گاه اسناد مذکور در خارجه صادر شده باشد/
اولین شخصی که در ایران اسناد مزبور را متصرف می‌شود باید قبل از هر نوع امضا اعم از ظهرنویسی یا معامله/
یا قبولی یا پرداخت به ترتیب فوق عمل نماید و در هر صورت کلیه مؤسسات یا اشخاصی که در ایران اسناد مذکور/
را معامله و دریافت یا تأدیه می‌نمایند متضامناً مسئول پرداخت حقوق مقرر خواهند بود./
/
ماده ۲۱۱- وزارت دارایی مجاز است سفته و برات و بارنامه و اوراق دیگر مشمول حق تمبر را چاپ و در دسترس/
متقاضیان بگذارد. وزارت دارایی می‌تواند در مواردی که مقتضی بداند به جای الصاق و ابطال تمبر به دریافت حق/
تمبر در قبال صدور قبض مالیات اکتفا نماید./
/
تبصره در صورت تخلف از مقررات این فصل علاوه بر اصل حق تمبر مقرر معادل دو برابر جریمه اخذ خواهد/
شد./
/
ماده ۲۱۲- از کلیه نقل و انتقالات قطعی املاک از قبیل اراضی داخل و خارج شهر مستغلات - ساختمان‌ها /
املاک مزروعی و همچنین از انتقال حق واگذاری محل برای اولین بار از طرف مالک معادل یک درصد ارزش مورد/
معامله حق تمبر دریافت خواهد شد./
/
تبصره نقل و انتقالات بلاعوض در صورتی که انتقال گیرنده دولت یا شهرداری‌ها یا اشخاص حقوقی دولتی یا/
شهرداری که صددرصد سرمایه آن‌ها متعلق به دولت یا شهرداری است یا اشخاص و مؤسسات موضوع بندهای/
۷ و ۹ ماده ۲ این قانون باشد و همچنین مواردی مذکور در بند ۴ ماده ۱۸۳ از پرداخت حق تمبر موضوع این ماده/
معاف است./
/
ماده ۲۱۳- در صورتی که معاملات مذکور در ماده ۲۱۲ در دفتر خانه اسناد رسمی انجام گردد صاحب دفتر مکلف/

است به میزان مقرر در روی سند معامله تمبر الصاق و ابطال نماید./

/

تبصره ۱- ارزش مورد معامله از نظر ابطال تمبر عبارت است از قیمت مذکور در سند مگر در مورد املاکی که برای/ آن‌ها در اجرای تبصره ماده ۲۳ ارزش معاملاتی یا به موجب مقررات قبلی قیمت منطقه‌ای سابق تعیین شده/ است که در این صورت در مورد اول ارزش معاملاتی و در مورد دوم قیمت منطقه‌ای سابق مناط اعتبار است. ولی/ هر گاه قیمت مذکور در سند بیش‌تر باشد قیمت مزبور مناط اعتبار است./

/

تبصره ۲- در مورد انتقال حق واگذاری محل چنانچه به موجب تشخیص قطعی معلوم شود که از مأخذ کم‌تری تمبر/ باطل شده است ما به التفاوت قابل مطالبه و وصول است./

/

فصل سوم مالیات اراضی بایر/

/

ماده ۲۱۴- کلیه اراضی بایر واقع در محدوده شهر تهران و شهرهایی که به موجب تصویبنامه دولت تعیین و اعلام/ می‌شود به شرح زیر مشمول مالیات سالیانه در هریک از شهرهای مشمول مالیات به طور جداگانه است:/

/

-۱ یک یا چند قطعه زمین که ارزش آن‌ها دو میلیون ریال و متعلق به یک نفر باشد تا یک میلیون ریال معاف از/ پرداخت مالیات و مازاد از یک میلیون ریال تا دو میلیون ریال به نرخ یک درصد./

/

-۲ یک یا چند قطعه زمین که ارزش آن تا پنج میلیون ریال باشد مازاد بر دو میلیون ریال به نرخ دو درصد./

/

-۳ یک یا چند قطعه زمین که ارزش آن تا ده میلیون ریال است نسبت به مازاد بر پنج میلیون ریال به نرخ سه/ درصد./

/

-۴ یک یا چند قطعه زمین که ارزش آن بیش از ده میلیون ریال باشد نسبت به مازاد ده میلیون ریال به نرخ چهار/ درصد./

/

پنجاه درصد اصل مالیات بلافاصله پس از وصول به شهرداری محل پرداخت خواهدشد./

/

ارزش اراضی بر اساس ارزش معاملاتی موضوع تبصره ماده ۲۳ و در صورتی که ارزش معاملاتی اعلام نشده/ باشد بر اساس قیمت منطقه ای و در صورتی که قیمت منطقه ای تعیین نشده باشد بر اساس ارزش روز/ محاسبه خواهد شد./

/

تبصره ۱- زمین‌های بایر متعلق به دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات وابسته به دولت و شهرداری‌ها و مؤسسات/ خیریه و عام‌المنفعه و سفارتخانه‌ها از پرداخت مالیات معاف است./

/

تبصره ۲- تعیین حدود شهر به عهده انجمن شهر و در غیاب انجمن شهر به عهده وزارت کشور است./

/

تبصره ۳- منظور از اراضی بایر مذکور در این ماده زمین‌هایی است که ظرف مدت دو سال از تاریخ اجرای این قانون/ مستحدثاتی متناسب در آن ایجاد نشود و یا تبدیل به باغ نگردد. مبدأ دو سال مذکور نسبت به اراضی که بعداً به/ موجب مصوب انجمن شهر داخل محدوده خدمات شهری اعلام می‌شود تاریخ مزبور خواهد بود./

/

تبصره ۴- آیین‌نامه اجرایی این ماده و همچنین تشخیص تناسب مستحدثات از طرف وزارت دارایی تهیه و بعد از/ تصویب کمیسیون دارایی مجلس شورای ملی به موقع اجرا گذاشته خواهد شد./

/

باب سوم سازمان تشخیص و وصول مالیات/

/

قسمت اول سازمان تشخیص مالیات/

/

فصل اول– کلیات/

/

ماده ۲۱۵– تشخیص درآمد مشمول مالیات و تعیین مالیات موضوع این قانون به عهده مراجع تشخیص مالیات/ است که طبق مقررات این قانون صلاحیت رسیدگی و تشخیص را خواهند داشت./

/

ماده ۲۱۶– رسیدگی به درآمد مشمول مالیات و تعیین مالیات متعلق در دو مرحله صورت می‌گیرد که عبارت است/ از:/

/

مرحله اول رسیدگی اداری به وسیله مأموران تشخیص./

/

مرحله دوم رسیدگی به اختلافات به وسیله مراجع حل اختلاف./

/

ماده ۲۱۷– مأموران تشخیص به ۴ درجه به شرح زیر تقسیم می‌شوند:/

/

–۱ کمک ممیز./

/

–۲ ممیز مالیاتی./

/

–۳ سرممیز./

/

–۴ ممیز کل./

/

ماده ۲۱۸– مراجع حل اختلاف عبارت خواهد بود از:/

/

–۱ کمیسیون تشخیص مالیاتی./

/

–۲ شورای عالی مالیاتی./

/

ماده ۲۱۹– وظایف و مسئولیت مأموران تشخیص منحصراً در حوزه مالیاتی است که در آن حوزه به خدمت منصوب/ شده‌اند (حوزه مالیاتی از طرف وزارت دارایی تعیین خواهد شد)./

/

ماده ۲۲۰– بنا بر اقتضا کار تحت نظر هر ممیز مالیاتی یک یا چند نفر کمک ممیز قرار خواهد گرفت کمک ممیز تحت/ نظر ممیز مالیاتی و بر طبق تعلیمات او وظایف محوله را به موقع اجرا خواهد گذاشت و از جهت تشخیص درآمد و/ مالیات مسئول اقدامات خود در حدود قانون و وظایف محوله می‌باشند./

/

مسئولیت کمک ممیزین رافع مسئولیت قانونی ممیزین مالیاتی نخواهد بود./

/

ماده ۲۲۱– برای یک یا چند حوزه مالیاتی یک سر ممیز تعیین می‌شود که علاوه بر اجرای وظایفی که اختصاصاً به/

موجب این قانون برعهده دارد نسبت به کار ممیزین مالیاتی نظارت خواهد نمود./

/

ماده ۲۲۲- برای هر چند حوزه سر ممیزی یک ممیز کل تعیین می‌شود که علاوه بر اجرای وظایفی که اختصاصاً به/ موجب این قانون برعهده اوست به طرز کار کلیه مأموران تشخیص حوزه خود نظارت خواهد نمود و مسئول حسن/ اجرای قانون مالیاتی در حوزه‌های مربوط خواهد بود./

/

تبصره وزارت دارایی می‌تواند عندالاقتضا وظایف اختصاصی و عمومی ممیز کل را در بعضی از حوزه‌ها موقتاً به/ عهده سرممیز قرار دهد./

/

ماده ۲۲۳- آیین‌نامه طرز انتخاب و امتحان و ارتقا و همچنین شرایط استخدام مأموران تشخیص با رعایت مقررات/ استخدام کشوری و سایر مقرراتی که برای ترتیب و تشریفات رسیدگی مأموران تشخیص و مراجع حل اختلاف/ مالیاتی و هیأت عالی انتظامی لازم باشد از طرف وزارت دارایی تنظیم و به عنوان آیین‌نامه سازمان تشخیص به/ موقع اجرا گذارده خواهد شد./

/

فصل دوم وظایف و اختیارات مأموران تشخیص/

/

ماده ۲۲۴- ممیزین مالیاتی طبق مقررات این قانون به اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان تسلیمی مؤدی/ رسیدگی و آن را قبول یا رد خواهد نمود./

/

تبصره عدم تسلیم اظهارنامه از طرف مؤدی در موعد مقرر قانونی مانع رسیدگی به ترازنامه او که در موعد/ قانونی تسلیم داشته نخواهد بود./

/

ماده ۲۲۵- قبولی ممیزین مالیاتی در حدود فعالیت‌های مندرج در اظهارنامه موثر است و در مواردی که تمام یا/ قسمتی از فعالیت‌های مؤدی کتمان شده باشد ممیزین مالیاتی موظف به تشخیص درآمد و مطالبه مالیات/ متعلق به آن خواهند بود./

/

ماده ۲۲۶- در مواردی که اظهارنامه یا ترازنامه و حساب سود و زیان مؤدی مورد قبول واقع نشود و یا اساساً مؤدی/ اوراق مزبور را در موعد مقرر قانونی تسلیم نکرده باشد ممیزین درآمد مشمول مالیات مؤدی را طبق مقررات این/ قانون علی‌الرأس تشخیص خواهند داد./

/

ماده ۲۲۷- ممیزین مالیاتی می‌توانند رسیدگی به ترازنامه و حساب سود و زیان مؤدی را با اطلاع سرممیز و پس/ از جلب موافقت ممیز کل به حسابداران رسمی ارجاع نمایند./

/

ماده ۲۲۸- ممیزین مالیاتی می‌توانند برای رسیدگی به اظهارنامه یا تشخیص هرگونه درآمد مؤدی به کلیه دفاتر و/ اسناد و مدارک مربوط مراجعه و رسیدگی نمایند و مؤدی مالیات مکلف به ارائه و تسلیم آن می‌باشد وگرنه بعداً/ به نفع او در امور مالیاتی آن سال قابل استناد نخواهد بود مگر آن که قبل از تشخیص قطعی درآمد معلوم شود/ که ارائه آن در مراحل قبلی به عللی خارج از حدود اختیار مؤدی میسر نبوده است./

/

ماده ۲۲۹- در مواردی که مدارک و اسنادی حاکی از تحصیل درآمد مؤدی نزد اشخاص ثالث به استثنای اشخاص/ مذکور در ماده ۲۳۰ موجود باشد اشخاص ثالث مکلفند با مراجعه و مطالبه مأموران تشخیص دفاتر و همچنین اصل/ یا رونوشت اسناد مربوط و هرگونه اطلاعات مربوط به درآمد مؤدی یا مشخصات او را ارائه دهند وگرنه در صورتی/ که در اثر استنکاف آن‌ها زیانی متوجه دولت شود به جبران زیان وارد به دولت محکوم خواهند شد./

/

مرجع ثبوت زیان بر اثر استنکاف و صدور حکم طبق مفاد این ماده مراجع صالحه قضایی است./

/

در مورد بانک‌ها وزارت دارایی اسناد و اطلاعات مربوط به درآمد مؤدی را از طریق دادستان کل کشور مطالبه/ خواهند نمود./

/

ماده ۲۳۰- در مواردی که مأموران تشخیص کتباً از وزارتخانه‌ها و شهرداری‌ها و شرکت‌های و مؤسساتی که با/ سرمایه دولت اداره می‌شوند اطلاعات و اسناد لازم را در زمینه فعالیت و معاملات و درآمد مؤدی بخواهند ادارات/ و مؤسسات مزبور مکلفند رونوشت گواهی شده اسناد مربوط و هرگونه اطلاعات لازم را در اختیار آنان بگذارند/ مگر این که مسئول امر ابراز آن را مخالف مصالح مملکت اعلام نماید که در این صورت با موافقت وزیر مسئول و/ تأیید وزیر دارایی از ابراز آن خودداری می‌شود و در غیر این صورت مسئول امر از خدمت منفصل خواهد شد ولی/ در مورد اسناد و اطلاعاتی که نزد مقامات قضایی است و مقامات مزبور ارائه آن را مخالف مصلحت بدانند ارائه آن/ منوط به موافقت دادستان کل خواهد بود./

/

ماده ۲۳۱- مأموران تشخیص و سایر مراجع مالیاتی باید اطلاعاتی را که ضمن رسیدگی به امور مالیاتی مؤدی به/ دست می‌آورند محرمانه تلقی و از افشای آن جز در امر تشخیص درآمد و مالیات خودداری نمایند و در صورت/ افشا مورد مشمول ماده ۱۳۸ قانون کیفر عمومی خواهد بود./

/

ماده ۲۳۲- در صورتی که مأموران تشخیص مالیات ضمن رسیدگی‌های خود به تخلفات مالیاتی مؤدی موضوع ماده/ ۱۴۵ برخورد نمودند مکلفند مراتب را برای تعقیب به دادستان انتظامی مالیاتی گزارش دهند./

/

ماده ۲۳۳- ممیزین مالیاتی مکلفند نسبت به مؤدیانی که بدهی مالیاتی قطعی خود را پرداخت نموده‌اند منتهی/ ظرف ۵ روز از تاریخ تقاضای مؤدی مفاصا حساب مالیاتی تهیه و برای امضای سرممیز ارسال کنند سرممیز/ مالیاتی مکلف است مفاصا حساب‌های ارسالی از طرف ممیز مالیاتی را ظرف ۳ روز امضا نموده و به مؤدی آن/ تسلیم کند./

/

فصل سوم/

/

ترتیب رسیدگی مأمورین تشخیص مالیاتی/

/

ماده ۲۳۴- در مواردی که اظهارنامه یا ترازنامه مورد قبول ممیز مالیاتی واقع شود ممیز آن را با نظر خود برای/ رسیدگی و اظهارنامه نزد سرممیز ارسال می‌دارد./

/

سر ممیز در صورت قبول اظهارنامه یا ترازنامه نظر ممیز را تأیید وگرنه نسبت به میزان درآمد مؤدی پس از/ رسیدگی اظهارنظر می‌کند و پرونده را نزد ممیز بر می‌گرداند در صورت اخیر ممیز بر اساس نظر سرممیز برگ/ تشخیص را تهیه و برای امضا و صدور نیز سرممیز ارسال خواهد داشت مگر این که نظر سر ممیز را قبول کند که/ در این صورت برگ تشخیص را به مسئولیت خود امضا و صادر خواهد کرد./

/

ماده ۲۳۵- در موارد تشخیص علی‌الرأس ممیز مالیاتی برگ تشخیص مالیات را براساس اطلاعات مکتسبه تنظیم/ و شخصاً امضا خواهد نمود مگر آن که ترتیب دیگری در این قانون مقرر شده باشد که در این صورت به ترتیب مقرر/ رفتار خواهدشد./

/

ماده ۲۳۶- برگ تشخیص مالیات باید بر اساس مأخذ صحیح و متکی به دلایل و اطلاعات کافی باشد و به نحوی/ تنظیم گردد که کلیه فعالیت‌های مربوط و درآمدهای حاصل از آن به طور صریح در آن قید و برای مؤدی روشن/

باشد امضا کنندگان برگ تشخیص مالیات باید نام کامل و سمت خود را در برگ تشخیص قید کنند و مسئول/ مندرجات برگ تشخیص و نظریه خود از هر جهت خواهند بود./

/

ماده ۲۳۷- هرگاه ترازنامه و حساب سود و زیان مؤدیان که در مهلت قانونی تسلیم شده است به تقاضای ممیز/ مالیاتی یا مراجعه مستقیم مؤدی مورد رسیدگی و تصدیق حسابدار رسمی واقع شده باشد نسبت به نتیجه/ رسیدگی حسابدار رسمی طبق مقررات مواد ۲۷۹ و ۲۸۰ رفتار خواهد شد./

/

ماده ۲۳۸- در مواردی که برگ تشخیص مالیات صادر و به مؤدی ابلاغ می‌شود مؤدی می‌تواند ظرف سی روز از/ تاریخ ابلاغ برای رفع اختلاف خود با ممیز یا سرممیز شخصاً یا به وسیله وکیل تام‌الاختیار خود به ممیز کل مراجعه/ و با ارائه اسناد و مدارک تقاضای رسیدگی مجدد نماید ممیز کل به موضوع رسیدگی و در صورتی که دلایل و/ مدارک ابراز شده را برای رد مندرجات برگ تشخیص کافی دانست آن را رد و مراتب را ظهر برگ تشخیص درج و/ امضا می‌کند و در صورتی که مدارک ابرازی را موثر در تعدیل مالیات تشخیص داد و نظر او مورد قبول مؤدی قرار/ گرفت در این صورت مراتب ظهر برگ تشخیص منعکس می‌گردد و به امضای ممیز کل و مؤدی می‌رسد./

/

تبصره ممیز کل در صورتی که به شرح این ماده برگ تشخیص را رد یا آن را بیش از بیست درصد تعدیل کند/ مکلف است رونوشت برگ تشخیص و همچنین نظریه خود را برای تعقیب نزد دادستان انتظامی مالیاتی ارسال/ دارد./

/

ماده ۲۳۹- در صورتی که مؤدی ظرف ۳۰ روز مذکور اختلاف موجود بین خود و ممیز یا سرممیز را به شرح ماده/ فوق با ممیز کل رفع نماید یا قبولی خود را نسبت به برگ تشخیص کتباً اعلام کند یا مالیات مورد مطالبه را به/ مأخذ برگ تشخیص پرداخت یا ترتیب پرداخت آن را با دارایی بدهد پرونده امراز لحاظ میزان درآمد مشمول مالیات/ مختوم تلقی می‌گردد و در این صورت هفتادو پنج درصد جریمه مقرره معاف خواهد بود و در غیر این صورت مؤدی/ در حکم معترض به برگ تشخیص مالیات شناخته می‌گردد و پرونده امر برای رسیدگی ظرف ۱۰ روز به کمیسیون/ تشخیص ارجاع می‌شود./

/

ماده ۲۴۰- در موقع طرح پرونده در کمیسیون تشخیص ممیز یا سرممیزی که برگ تشخیص را امضا نموده است/ باید در جلسات مقرر کمیسیون شرکت کند و برای توجیه مندرجات برگ تشخیص و نظریات خود دلایل کافی اقامه/ کند و توضیحات لازم را بدهد./

/

ماده ۲۴۱- در هر مورد که مطابق مقررات این قانون میزان درآمد قطعی گردید ممیز مالیاتی برگ مالیات قطعی به/ نام مؤدی در پنج نسخه تنظیم می‌کند که یک نسخه آن را باید به مرکز سجل مالیاتی و یک نسخه برای محاسبه/ جمع درآمد و مالیات مؤدی نزد ممیز مالیاتی محل سکونت مؤدی ارسال دارد./

/

ماده ۲۴۲- در هر مورد که به علت اشتباه در محاسبه مالیات اضافی دریافت شده و همچنین در مواردی که/ مالیاتی طبق مقررات این قانون قابل استرداد می‌باشد ممیز موظف است گزارشی با ذکر مورد و جهات قانونی و/ تعیین رقم قطعی مالیات و مالیات پرداختی و مبلغ اضافه دریافتی به انضمام سوابق مربوط بسرممیز تسلیم دارد/ سرممیز نیز پس از رسیدگی در صورتی که مراتب را تأیید نمود آن را نزد ممیز کل ارسال می‌دارد./

/

ممیز کل پس از رسیدگی در صورت تأیید برگ استرداد مالیات اضافی صادر و یک نسخه آن را تسلیم مؤدی/ می‌کند و نسخه دیگر آن را به اداره دارایی مربوط می‌فرستد و اداره دارایی مکلف است وجه آن را از محل وصولی/ جاری ظرف یک ماه به مؤدی پرداخت کند و یک نسخه از رسید وجه را برای ممیز ارسال دارد./

/

ماده ۲۴۳- در صورتی که درخواست استرداد از طرف مؤدی به عمل آمده باشد و مأموران تشخیص آن را وارد/

ندانند مؤدی می‌تواند ظرف ۳۰ روز از تاریخ اعلام نظر مأموران تشخیص از کمیسیون تشخیص مالیاتی درخواست/
رسیدگی کند رأی کمیسیون تشخیص مایاتی در این مورد قطعی و غیر قابل تجدیدنظر است و در صورت صدور/
رأی به استرداد مالیات اضافی ممیز کل طبق جز اخیر ماده ۲۴۲ ملزم به اجرای آن خواهد بود./

/

فصل چهارم کمیسیون‌های تشخیص مالیات و وظایف آن‌ها/

/

ماده ۲۴۴- مرجع رسیدگی به کلیه اختلافات مالیاتی جز در مواردی که ضمن مقررات این قانون مراجع دیگری/
پیش‌بینی شده کمیسیون تشخیص مالیات است هر کمیسیون تشخیص مالیات از (۳) نفر به شرح زیر تشکیل/
خواهد شد:/

/

۱- یک نفر نماینده وزارت دارایی./

/

۲- یک نفر قاضی در تهران به انتخاب وزارت دادگستری و در شهرستان‌ها به انتخاب رئیس دادگستری یا دادگاه/
محل./

/

۳- نماینده اتاق صنایع در مورد صاحبان صنایع نماینده سندیکای پزشکان در مورد درآمد مربوط به امور پزشکی به/
طور کلی نماینده کانون وکلا در مورد درآمد حاصل از وکالت و مشاوره حقوقی نماینده سندیکاهای مهندسین/
مربوط در مورد امور ساختمانی و تأسیسات یا مهندسی مشاور و دفاتر فنی نماینده اتحادیه بازرگانان و/
پیشه‌وران تهران در مورد رسته‌بازرگانان و پیشه‌وران وابسته به اتحادیه مزبور نماینده شورای عالی اصناف در/
مورد اصناف نماینده کانون سردفتران در مورد صاحبان دفاتر اسناد رسمی نماینده اتاق بازرگانی برای انواع/
درآمدهای دیگر و در نقاطی که مراجع مزبور تشکیل نشده است یکی از معتمدین محل که به امور مالیاتی رشته/
مخصوص به هر نوع فعالیت بصیر و مطلع باشد به انتخاب انجمن شهر و در غیاب انجمن به انتخاب فرماندار./

/

تبصره در مورد این ماده در صورتی که از صاحبان یک شغل سندیکاهای متعدد تشکیل شده باشد نماینده/
منتخب کلیه سندیکاها در کمیسیون شرکت خواهند نمود و در صورتی که عضو کمیسیون موضوع بند (۳) این/
ماده معرفی نشود و یا به اطلاع از تشکیل جلسه کمیسیون غیبت نماید کمیسیون با حضور دو عضو دیگر به/
پرونده رسیدگی و رأی صادر خواهد کرد. در صورت اختلاف رأی بین دو عضو نامبرده پرونده کمیسیون دیگری/
ارجاع می‌شود./

/

ماده ۲۴۵- نمایندگان وزارت دارایی عضو کمیسیون از بین مأموران تشخیص که حداقل دارای چهار سال سابقه/
خدمت در شغل ممیزی کل باشند انتخاب می‌گردند./

/

تبصره مادام که برای عضویت کمیسیون کارمند واجد شرایط مطابق مقررات این قانون وجود نداشته باشد از/
بین کارمندان وزارت دارایی که لااقل دارای ده سال سابقه خدمت در وزارت دارایی باشند انتخاب خواهند/
شد./

/

ماده ۲۴۶- اوقات رسیدگی کمیسیون تشخیص مالیات در مورد هر پرونده باید به مأمور تشخیص مربوط و مؤدی/
ابلاغ گردد. فاصله تاریخ ابلاغ و روز تشکیل جلسه رسیدگی کمیسیون در هیچ مورد نباید کمتر از یک ماه/
باشد./

/

تبصره عدم حضور مأمور تشخیص مربوط یا مؤدی و یا نماینده او در جلسه مانع رسیدگی کمیسیون و صدور رأی/
نخواهد بود./

/

ماده ۲۴۷- در صورتی که کمیسیون صادر کننده رأی در محاسبه اشتباهی کرده باشد مکلف است با درخواست/ مؤدی یا مامور تشخیص مالیاتی مربوط به موضوع رسیدگی و رأی را اصلاح کند./

/

ماده ۲۴۸- آرا صادره از کمیسیون تشخیص جز در مواردی که به موجب مقررات این قانون قطعی شناخته شده/ است به شرح زیر قابل تجدید رسیدگی است:/

/

الف در صورتی که ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ از طرف مؤدی به آن اعتراض شده باشد./

/

ب- در صورتی که درآمد مورد رأی با مبلغ مذکور در برگ تشخیص مالیات بیست درصد یا بیشتر اختلاف داشته/ باشد و ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی از طرف مأمور تشخیص مربوط اعتراض شده باشد./

/

تبصره در صورتی که پرونده فقط از لحاظ یکی از طرفین قابل تجدید رسیدگی باشد در مرحله تجدید رسیدگی/ فقط نسبت به اختلاف همان طرف رسیدگی و رأی صادر خواهد شد./

/

ماده ۲۴۹- آرا غیر قطعی کمیسیون‌های تشخیص قابل تجدید رسیدگی در شعبه دیگر کمیسیون تشخیص مالیات/ خواهد بود که دو نفر عضو کمیسیون تشخیص نماینده دارایی و دادگستری قبلا نسبت به موضوع مطروحه رأی/ نداده باشند آرا صادره در مرحله تجدید رسیدگی قطعی و لازم‌الاجرا می‌باشد./

/

ماده ۲۵۰- در مواردی که طبق مقررات این قانون رأی کمیسیون مالیاتی در مرحله رسیدگی بدوی قطعی است/ در صورتی که مؤدی قبل از صدور برگ اجرایی اقدام به پرداخت مالیات نماید و یا ترتیب پرداخت آن را بدهد و در/ سایر موارد در صورتی که مؤدی به رأی صادره در مرحله بدوی اعتراض نکند از شصت درصد جریمه متعلق معاف/ است./

/

ماده ۲۵۱- در صورتی که مؤدی مالیات مورد رأی کمیسیون تشخیص را در مرحله تجدید رسیدگی که بر اثر/ اعتراض مؤدی صادر شده است قبل از صدور برگ اجرایی پرداخت نماید یا ترتیب پرداخت آن را بدهد از بیست و/ پنج درصد جریمه معاف است./

/

ماده ۲۵۲- در مواردی که کمیسیون تشخیص برگ تشخیص را رد نماید یا این که تشخیص ممیز یا سرممیز را با/ بیست درصد اختلاف یا بیشتر تغییر دهد باید نسخه‌ای از رأی خود را به انضمام رونوشت برگ تشخیص برای/ تعقیب نزد دادستان انتظامی مالیاتی ارسال دارد./

/

ماده ۲۵۳- مؤدی یا مأمور تشخیص مربوط می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ آرا قطعی کمیسیون‌های تشخیص/ مالیاتی (در غیر از مواردی که رأی به علت عدم اعتراض از طرف مؤدی یا دارایی به مرحله قطعیت می‌رسد) به/ استناد عدم رعایت قوانین موضوعه و با اعلام دلایل کافی به شورای‌عالی مالیاتی شکایت کنند و نقض رأی و/ تجدید رسیدگی را بخواهند./

/

فصل پنجم شورای‌عالی مالیاتی و وظایف و اختیارات آن/

/

ماده ۲۵۴- شورای‌عالی مالیاتی مرکب خواهد بود از پنج عضو اصلی و هشت نفر عضو علی‌البدل که از بین/ کسانی که مدارج مقرر در ماده ۲۱۷ را به ترتیب طی کرده و حداقل شش سال سابقه عضویت کمیسیون‌های/ تشخیص مالیات را داشته باشند از طرف وزیر دارایی منصوب خواهند شد./

/

تبصره ۱- رئیس شورای‌عالی مالیاتی از بین اعضا اصلی شوری از طرف وزیر دارایی انتخاب می‌شود./

/

تبصره ۲- هریک نفر از اعضای اصلی به اتفاق دو نفر از اعضای علی‌البدل شورای‌عالی مالیاتی تشکیل/ هیأت‌های به نام هیأت تحقیق می‌دهند که مأمور رسیدگی به شکایات مؤدیان یا مأموران تشخصی از آرا صادره از/ کمیسیون‌های تشخیص می‌باشند./

/

شکایات واصله در صورتی قابل طرح در شورای‌عالی مالیاتی می‌باشند که به تشخیص اکثریت اعضای یکی از/ هیأت‌های تحقیق دلایل و مدارک ارائه شده ضمن شکایت مربوط به عدم رعایت مقررات باشد./

/

ماده ۲۵۵- مادام که برای عضویت شورای عالی مالیاتی کارمند واجد شرایط مطابق مقررات ماده فوق وجود/ نداشته باشد از بین کارمندان عالی مقام وزارت دارایی که دارای پانزده سال سابقه خدمت در وزارت دارایی بوده/ و شش سال آن را در امور مالیاتی اشتغال داشته‌اند به شرح فوق انتخاب و منصوب می‌شوند./

/

ماده ۲۵۶- دوره عضویت اعضا شورای عالی مالیاتی سه سال از تاریخ انتصاب است و در این مدت قابل تغییر/ نیستند مگر به تقاضای خودشان یا به موجب حکم قطعی دادگاه اختصاصی اداری موضوع ماده ۲۶۹ و پس از/ انقضای این مدت انتصاب مجدد آنان بلامانع است./

/

ماده ۲۵۷- وظایف و اختیارات شورای عالی مالیاتی به شرح زیر است:/

/

۱- رسیدگی به آرا قطعی کمیسیون‌های مالیاتی که از لحاظ عدم مطابقت با قوانین و مقررات موضوعه مورد/ شکایت مؤدی یا ممیز کل واقع و طبق تشخیص اکثریت اعضای یکی از هیأت‌های تحقیق قابل طرح باشد./

/

۲- اعلام نظر در زمینه اجرای قوانین و مقررات مالیاتی و تهیه آیین نامه‌ها و بخشنامه‌ها و مطالعه به منظور/ پیشنهاد اصلاح و تغییر قوانین و مقررات مالیاتی به وزیر دارایی./

/

۳- اظهارنظر در مورد موضوعات و مسائل مالیاتی که وزیر دارایی حسب اقتضا برای مشورت و اظهار نظر به/ شورای‌عالی مالیاتی ارجاع می‌نماید./

/

ماده ۲۵۸- در صورتی که از طرف مأموران تشخیص و یا مؤدی شکایتی در موعد مقرر از رأی کمیسیون تشخیص/ مالیات واصل شود که ضمن آن با اقامه دلایل و ارائه اسناد و مدارک ادعای نقض قوانین موضوعه شده باشد/ شورای عالی مالیاتی موظف است بدون این که وارد رسیدگی به ماهیت امر گردد صرفاً از لحاظ رعایت تشریفات/ و رسیدگی‌های قانونی و مطابقت مورد با قوانین و مقررات مربوط به موضوع رسیدگی نموده و مستنداً به جهات/ و اسباب و دلایل قانونی رأی مقتضی بر نقض رأی کمیسیون و یا رد شکایت مزبور صادر نماید./

/

تبصره شورای‌عالی مالیاتی با حضور پنج نفر تشکیل و آرا صادره به اکثریت مناط اعتبار است و نظر اقلیت باید/ در متن رأی منعکس شود./

/

ماده۲۵۹- رأی شورای عالی مالیاتی در مورد ماده ۲۵۸ لازم‌الاتباع است و کمیسیون‌های مالیاتی و مأموران/ تشخیص مالیات و همچنین سایر مأموران مالیاتی در موارد مشابه موظف به تبعیت از آن می‌باشند و برای آن که/ روش واحدی اتخاذ شود آرا مزبور ماهی یک بار جمع‌آوری و منتشر می‌شود./

/

ماده ۲۶۰- در صورتی که رأی مورد شکایت از طرف شورای‌عالی مالیاتی نقض گردد پرونده باید به شعبه دیگر/ کمیسیون تشخیص ارجاع و مورد رسیدگی مجدد قرار گیرد در صورتی که در آن محل کمیسیون یک شعبه بیشتر/ نداشته باشد به کمیسیون تشخیص مرکز استان ارجاع می‌شود مرجع مزبور با تبعیت از مفاد رأی شوری مجدداً/

به موضوع و اختلاف مالیاتی بر طبق مقررات فصل پنجم رسیدگی می‌کند و رأی مقتضی می‌دهد و رأیی که/
بدین ترتیب صادر می‌شود قطعی و لازم‌الاجرا است./
/
تبصره در مورد آرا کمیسیون‌های مالیاتی که در مهلت مقرر نسبت به آن شکایت نشده در صورتی که به نظر/
شورای عالی مالیاتی مطابق مفاد ماده ۲۵۸ قابل نقض باشد در این صورت شوری به منظور حفظ قوانین و اتخاذ/
روش واحد به موضوع رسیدگی و رأی بلاارجاع صادر می‌نماید و این رأی شوری موجب تجدید رسیدگی نیست و/
تأثیری در میزان مالیات و رأی کمیسیون ندارد./
/
در این صورت مؤدی می‌تواند به عنوان جبران خسارت به استناد رأی شورای عالی مالیاتی علیه مأموران/
تشخیص و اعضا کمیسیون تشخیص مربوط در محاکم دادگستری طرح دعوی نماید دعوی مزبور خارج از نوبت/
مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت./
/
ماده ۲۶۱- هرگاه شکایت از رأی کمیسیون تشخیص از طرف مؤدی به عمل آمده باشد و مؤدی به میزان مالیات/
مورد رأی به دارایی وجه نقد یا تضمین بانکی بسپرد و یا وثیقه ملکی معرفی کند یا ضامن معتبر که اعتبار ضامن/
مورد قبول دارایی باشد بدهد رأی کمیسیون تا صدور رأی شورای عالی مالیاتی موقوف الاجرا میماند در غیر این/
صورت عملیات اجرایی جز در مورد توقیف مؤدی قابل اجرا خواهد بود./
/
تبصره ۱- در صورتی که رأی شورای‌عالی مالیاتی مبتنی بر نقض رأی کمیسیون و تجدید رسیدگی باشد تأمین/
مزبور رد خواهد شد./
/
تبصره ۲- در مواردی که شورای عالی مالیاتی رأی کمیسیون‌های مالیاتی را نقض می‌نماید موظف است یک/
نسخه از رأی خود را به انضمام یک نسخه از رأی کمیسیون برای تعقیب نزد دادستان انتظامی مالیاتی ارسال/
دارد./
/
فصل ششم هیأت عالی انتظامی مالیاتی و وظایف آن/
/
ماده ۲۶۲- هیأت عالی انتظامی مالیاتی مرکب خواهد بود از یک نفر رئیس و دو نفر عضو اصلی و یک نفر عضو/
علی‌البدل که از بین کارمندان عالی‌مقام وزارت دارایی که در امور مالیاتی بصیر و مطلع هستند از طرف وزیر/
دارایی به این سمت منصوب می‌شوند./
/
تبصره دوره عضویت اعضا هیأت عالی انتظامی سه سال از تاریخ انتصاب است و در این مدت قابل تغییر نیستند/
مگر به تقاضای خودشان یا به موجب حکم قطعی مرجع انتظامی مذکور در ماده ۲۶۹ و پس از انقضای این مدت/
انتصاب مجدد آنان بلامانع است./
/
ماده ۲۶۳- وظایف و اختیارات هیأت عالی انتظامی به شرح زیر است:/
/
الف رسیدگی به تخلفات اداری کلیه مأموران تشخیص مالیاتی و نمایندگان وزارت دارایی در کمیسیون‌های/
تشخیص مالیات و سایر مأمورینی که طبق این قانون مسئول وصول مالیات هستند به درخواست دادستان/
انتظامی مالیاتی. تعقیب و رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در دادستانی و هیأت عالی انتظامی مالیاتی سابق/
به عهده مراجع موضوع این فصل خواهد بود./
/
ب نفی صلاحیت شاغلین مقامات مذکور در ادامه خدمات مالیاتی به جهات اخلاقی و اعمال و رفتار منافی با/
حیثیت و شئون مأمورین مالیاتی و سو شهرت و اهمال و مسامحه مکرر آنان در انجام وظایف خود به درخواست/

دادستان انتظامی مالیات./

/

ماده ۲۶۴- دادستان انتظامی مالیاتی به انتخاب وزیر دارایی از بین سه نفر که از طرف هیأت عالی انتظامی از بین/ کسانی که مدارج مقرر در ماده ۲۱۷ را به ترتیب طی کرده و حداقل شش سال سابقه عضویت کمیسیون‌های/ تشخیص مالیات را داشته باشند پیشنهاد می‌گردد به این سمت منصوب می‌شود./

/

تبصره مادام که برای احراز سمت دادستانی انتظامی شخص واجد شرایط بر طبق این ماده وجود ندارد/ دادستان انتظامی مالیاتی از بین سه نفر کارمند عالی‌مقام وزارت دارایی که دارای ۲۰ سال سابقه خدمت در/ وزارت دارایی بوده و شش سال آن را در امور مالیاتی کار کرده باشند از طرف هیأت عالی انتظامی پیشنهاد/ می‌شود از طرف وزیر دارایی انتخاب و به این سمت منصوب می‌شود./

/

ماده ۲۶۵- وظایف دادستان انتظامی مالیاتی به شرح ذیل است:/

/

الف رسیدگی و کشف تخلفات و تقصیرات اداری مأموران تشخیص مالیات و اعضا کمیسیون تشخیص و سایر/ مأمورین که طبق این قانون مسئول وصول مالیات هستند و تعقیب آنها./

/

ب- تحقیق در جهات اخلاقی و اعمال و رفتار مأموران مذکور./

/

پ- اعلام نظر نسبت به ترفیع مقام مأموران تشخیص و نمایندگان دارایی عضو کمیسیون‌های تشخیص/ مالیات./

/

ت- اقامه دعوی علیه مؤدیان و مأموران مالیاتی و حسابداران رسمی در مواردی که ضمن این قانون پیش‌بینی/ شده است./

/

ماده ۲۶۶- جهات ذیل موجب شروع رسیدگی و تحقیق خواهد بود./

/

الف شکایت ذی‌نفع./

/

ب- گزارش رسیده از مراجع رسمی./

/

پ- مواردی که موضوعی از طرف هیأت عالی انتظامی مالیاتی ارجاع شود./

/

ت- مشهودات و اطلاعات دادستان انتظامی مالیاتی./

/

ماده ۲۶۷- دادستان انتظامی مالیاتی موارد مذکور در ماده بالا را مورد رسیدگی قرار می‌دهد و حسب مورد پرونده/ را بایگانی یا قرار منع تعقیب صادر و یا ادعانامه تنظیم و به هیأت عالی انتظامی مالیاتی تسلیم می‌نماید./

/

ماده ۲۶۸- مرجع رسیدگی به تخلف مأموران مذکور در بند الف ماده ۲۶۳ مرکب است از دو نفر از اعضای هیأت/ عالی انتظامی (غیر از رئیس هیأت) و یک نفر از اعضای شورای عالی مالیاتی بنا به معرفی رئیس شوری. مرجع/ مذکور بر طبق مقررات این قانون و قانون استخدام کشوری و سایر مقررات موضوعه نسبت به موضوع مرجوع/ رسیدگی و رأی بر برائت یا محکومیت صادر می‌نماید رأی مزبور برای کارمند مورد تعقیب در مورد مجازات‌های/ بندهای الف و ب ماده ۵۹ قانون استخدام کشوری قطعی است و در سایر موارد برای متهم و به طور کلی برای/ دادستان انتظامی مالیاتی قابل تجدیدنظر است. مرجع تجدید نظر مرکب خواهد بود از سه نفر عضو که عبارتند از/

رئیس هیأت عالی انتظامی مالیاتی رئیس شورای عالی مالیاتی یکی از اعضای هیأت عالی انتظامی به/
انتخاب رئیس هیأت عالی انتظامی رأی مرجع تجدید نظر قطعی و لازم‌الاجرا است./
/
ماده ۲۶۹- تخلفات انتظامی اعضا شورای عالی مالیاتی و هیأت عالی انتظامی به دستور وزیر دارایی در دادگاه/
اختصاصی اداری مرکب از یکی از مستشاران دیوان‌عالی کشور به معرفی رئیس دیوان عالی کشور یکی از/
رؤسای شعب دیوان محاسبات به انتخاب وزیر دارایی یکی از کارمندان عالی‌مقام وزارت دارایی به انتخاب وزیر/
دارایی مورد رسیدگی قرار می‌گیرد که بر طبق قانون استخدام کشوری و سایر مقررات مربوط رسیدگی و رأی بر/
برائت یا محکومیت صادر خواهد نمود. رأی صادر برای کارمند مورد تعقیب در مورد مجازات‌های بندهای الف و ب/
ماده ۵۹ قانون استخدام کشوری قطعی است و در سایر موارد برای کارمند مورد تعقیب و به طور کلی برای/
دادستان مربوط قابل تجدیدنظر است./
/
مرجع تجدید نظر مرکب خواهد بود از یکی از رؤسای شعب دیوان‌عالی کشور به معرفی رئیس دیوان عالی کشور/
رئیس کل دیوان محاسبات یکی از معاونین وزارت دارایی به انتخاب وزیر دارایی. رأی مرجع تجدیدنظر قطعی و/
لازم‌الاجرا است./
/
ماده ۲۷۰- تعقیب و اقامه دعوی در مورد تخلفات اعضای شورای‌عالی مالیاتی و هیأت عالی انتظامی وسیله/
یکی از کارمندان عالی‌مقام وزارت دارایی که در هر مورد موقتاً از طرف وزیر دارایی به عنوان دادستان انتخاب/
می‌شود صورت خواهد گرفت./
/
ماده ۲۷۱- در مواردی که به موجب قوانین و مقررات مالیاتی سبب معاملاتی که در دفتر اسناد رسمی انجام/
می‌شود تکالیفی بر عهده صاحبان دفتر گذارده شده است تخلف آنان از انجام تکالیف مذکور به وسیله دادستان/
انتظامی مالیاتی تعقیب خواهد شد./
/
محاکمه و مجازات سر دفتر متخلف در مرجع صلاحیتدار مذکور در قانون دفتر اسناد رسمی به عمل خواهدآمد/
ولی دادستان انتظامی مالیاتی علاوه بر تسلیم ادعانامه می‌تواند یک نفر از مأموران تشخیص تحت اختیار خود را/
برای ادای توضیحات لازم در مرجع مزبور مأمور کند./
/
ماده ۲۷۲- تخلف قضات اعضای کمیسیون‌های تشخیص در انجام تکالیفی که به موجب قوانین و مقررات مالیاتی/
به عهده کمیسیون‌های تشخیص گذارده شده است با اعلام دادستان انتظامی مالیاتی در دادسرای انتظامی/
قضات مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت./
/
ماده ۲۷۳- مجازات تخلف مأموران تشخیص و اعضا کمیسیون تشخیص در موارد زیر عبارت است از:/
/
۱- هر گاه بعد از تشخیص قطعی مالیات و غیر قابل اعتراض بودن آن معلوم شود که مأموران تشخیص و یا/
نمایندگان دارایی یا قضات عضو کمیسیون تشخیص بدون توجه به اسناد و مدارک مؤدی و تحقیقات کافی درآمد/
مؤدی را بیش از دو برابر تشخیص داده‌اند حداقل مجازات اداری متخلف دو سال انفصال از خدمات دولتی خواهد/
بود./
/
۲- در مورد اجرای ماده ۲۸۰ در صورتی که به موجب رأی هیأت رسیدگی ادعای سر ممیز مالیاتی رد شود/
سرممیز یا هر دوی آن‌ها به مجازات اداری که حداقل آن یک سال انفصال از خدمت دولت می‌باشد محکوم/
خواهند شد./
/
۳- در مواردی که مالیات مؤدیان بر اثر مسامحه و غفلت ماموران تشخیص یا اعضا کمیسیون تشخیص مالیاتی/

مشمول مرور زمان یا غیر قابل وصول گردد مقصر به موجب رأی هیأت عالی انتظامی از خدمات مالیاتی معاف و/
حسب مورد به مجازات متناسب مقرر در قانون استخدام کشوری محکوم خواهد شد./
/
ضمناً نسبت به زیان وارده به دولت به میزانی که شورای عالی مالیاتی تشخیص می‌دهد متخلف مسئولیت/
مدنی داشته و وسیله دادستان انتظامی مالیاتی در دادگاه‌های حقوقی دادگستری به این عنوان دعوای جبران/
ضرر و زیان اقامه خواهد شد و در صورت وجود سو نیت متهم وسیله دادستان انتظامی مالیاتی مورد تعقیب/
جزایی قرار خواهد گرفت./
/
ماموران تشخیص که امر مالیاتی مختوم را مجدداً مورد اقدام قرار دهند به موجب حکم هیأت عالی انتظامی به/
انفصال از خدمات دولت از یک الی چهار سال محکوم می‌شوند و در مواردی که با دادن گزارش خلاف واقع در امر/
مالیاتی متعمداً وسایل تعقیب مؤدیانی را که بی‌تقصیرند فراهم سازند به موجب حکم دادگاه‌های دادگستری به/
حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند دادگاه‌ها خارج از نوبت به این جرایم رسیدگی خواهند/
نمود./
/
تبصره تشریفات رسیدگی به تخلفات و مجازات آن‌ها جز در مواردی که مقررات خاصی برای آن در این قانون/
پیش‌بینی شده است مطابق نظام‌نامه محاکمات اداری خواهد بود./
/
ماده ۲۷۴- در کلیه موارد شمول مرور زمان نسبت به تعقیب تخلفات انتظامی مالیاتی سه سال از تاریخ وقوع/
تخلف خواهد بود./
/
فصل هفتم حسابداران رسمی و وظایف آن‌ها/
/
ماده ۲۷۵- به منظور استفاده از نتایج حسابرسی حسابداران متخصص در امور رسیدگی به دفاتر و حساب سود و/
زیان و ترازنامه برای تشخیص درآمد مشمول مالیات مؤدیان عده‌ای به عنوان حسابدار رسمی بر طبق مقررات این/
فصل تعیین می‌شوند./
/
ماده ۲۷۶- انتخاب حسابداران رسمی به عهده شورایی خواهد بود مرکز از وزیر دارایی رئیس بانک مرکزی /
رئیس دیوان محاسبات رئیس اتاق صنایع رئیس اتاق بازرگانی سه نفر از حسابداران متخصص با سابقه به/
تشخیص و انتخاب وزیر دارایی ریاست شوری با وزیر دارایی خواهد بود./
/
تبصره رأی شوری با اکثریت مناط اعتبار است./
/
ماده ۲۷۷- شورای مذکور در ماده فوق در بهمن ماه هر سال تشکیل و از بین داوطلبان کسانی را که حائز شرایط/
برای احراز سمت حسابداری رسمی تشخیص می‌دهد انتخاب می‌نماید و فهرست منتخبین از طرف وزارت/
دارایی منتشر خواهدشد./
/
تبصره ۱- اولین جلسه شوری منتهی ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این قانون تشکیل می‌شود و نسبت به تصویب/
آیین‌نامه موضوع تبصره ۲ این ماده و انتخاب حسابداران رسمی اقدام خواهد نمود./
/
تبصره ۲- شرایط و طرز انتخاب و وظایف و ترتیب رسیدگی حسابدار رسمی و نحوه تشکیل و انجام وظایف شوری/
موضوع ماده ۲۷۶ و حق الزحمه حسابرسی و سایر مقررات لازم به موجب آیین‌نامه‌ای که از طرف وزارت دارایی/
تنظیم و به تصویب شورای مذکور می‌رسد تعیین خواهد شد./
/

ماده ۲۷۸– شورای مذکور در ماده ۲۷۶ در هر سال ۳ نفر از حسابداران رسمی منتخب را که دارای تحصیلات عالی/
در رشته حسابداری یا حسابرسی بوده و لااقل ۱۰ سال سابقه در این رشته داشته باشند به عنوان هیأت/
رسیدگی به موضوعات مذکور در ماده ۲۸۰ تعیین می‌نماید./

/

ماده ۲۷۹– گزارش حسابدار رسمی باید طبق نمونه مخصوص حاوی نکات زیر تنظیم و به ممیز مالیاتی تسلیم/
گردد:/

/

الف اظهارنظر نسبت به قانونی بودن دفاتر مؤدی طبق مقررات قانون تجارت و سایر مقررات این قانون و کافی/
بودن دفاتر و اسناد و مدارک مؤدی برای امر حسابرسی و تعیین درآمد واقعی و انطباق ترازنامه و حساب سود و/
زیان و اقلام مذکور در آن‌ها با مندرجات دفاتر قانونی و اسناد مربوط و همچنین به طور کلی رسیدگی و اظهارنظر/
نسبت به مندرجات دفاتر و اظهارنامه‌های سایر مؤدیانی که دفاتر نگاهداری می‌کنند و ذکر این که تمام اطلاعات و/
توضیحات لازم که حسابرس خواسته است به او داده شده و همچنین اظهارنظر راجع به این که ترازنامه و حساب/
سود و زیان و سایر صورتحساب‌ها و دفاتر و اسناد منطبق با وضع واقعی می‌باشد./

/

ب تعیین میزان درآمد مشمول مالیات مؤدی بر اساس قوانین و مقررات مالیاتی./

/

تبصره ممیز مالیاتی گزارش حسابدار رسمی را در مورد بند الف بدون رسیدگی قبول و در مورد بند ب در صورتی/
که ایرادی داشته باشد نظر خود را با ذکر دلایل نسبت به گزارش حسابدار رسمی اظهار و درآمد مشمول مالیات/
را طبق نظر خود تشخیص خواهد داد./

/

ماده ۲۸۰– هر گاه به تشخیص سرممیز مالیاتی گزارش حسابدار رسمی در مورد بند الف ماده ۲۷۹ برخلاف واقع/
باشد با اظهارنظر صریح سر ممیز مالیاتی و با ذکر مورد و میزان زیان وارده به دولت از طرف دادستان انتظامی/
مالیاتی به هیأت رسیدگی حسابداران رسمی موضوع ماده ۲۷۸ اعلام و تقاضای رسیدگی می‌شود اگر به/
موجب رأی صادره ادعای سرممیز مالیاتی رد شود دادستان انتظامی مکلف است اقدام به تعقیب سرممیز/
مالیاتی در هیأت عالی انتظامی نماید و در صورتی که هیأت ادعای سرممیز مالیاتی را وارد تشخیص دهد با توجه/
به نوع و درجه قصور و تقصیر حسب مورد حسابدار رسمی را به مجازات انتظامی که حداقل آن سلب عنوان/
حسابدار رسمی برای مدت سه ماه است و پرداخت جریمه و خسارتی متناسب با زیان وارده به دولت محکوم/
خواهد کرد رأی هیأت در مورد مجازات انتظامی به طور کلی و از لحاظ جریمه و خسارت تا مبلغ دویست هزار ریال/
قطعی و لازم الاجرا است در صورتی که مبلغ جریمه و خسارت مورد رأی بیش از مبلغ دویست هزار ریال باشد/
حسابدار رسمی حق دارد ظرف ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ رأی هیأت فقط نسبت به جریمه و خسارت از دادگاه/
شهرستان حوزه سرممیزی مربوط تقاضای تجدید نظر کند. دادگاه شهرستان خارج/

/

از نوبت به شکایت رسیدگی و رأی مقتضی صادر خواهد کرد. رأی دادگاه مزبور در این باره قطعی و لازم‌الاجرا/
است./

/

تبصره آرای قطعی هیأت رسیدگی و احکام دادگاه شهرستان در مورد جریمه و خسارت طبق مقررات اجرای/
مالیات‌ها اجرا خواهد شد./

/

ماده ۲۸۱– حکم قسمت اول تبصره ماده ۲۷۹ شامل گزارش حسابداران رسمی در مورد رسیدگی به حساب/
مالیاتی مؤدیانی که در سرمایه یا منافع آنان شریک یا سهیم بوده یا معاملات بازرگانی با آنان دارند یا در اداره/
مؤسسه مربوط دخالت دارند نمی‌باشد و مؤدیان مالیاتی حق ندارند برای تصفیه حساب مالیاتی خود استناد به/
گزارش حسابداران رسمی در موارد مذکور در این ماده کنند و هر زمان کشف شود که برخلاف این ماده عمل شده/
مابه‌التفاوت مالیات به اضافه جریمه‌ای معادل بیست درصد ما به التفاوت مزبور که در هر صورت از ده هزار ریال/

کمتر نخواهد بود از مؤدی وصول خواهدشد./

/

قسمت دوم وصول مالیات/

/

ماده ۲۸۲- هر گاه مؤدی مالیات قطعی شده خود را ظرف ۳۰ روز از تاریخ ابلاغ برگ قطعی پرداخت ننماید اداره/ دارایی به موجب برگ اجرایی به او ابلاغ می‌کند که ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ کلیه بدهی خود را بپردازد یا ترتیب/ پرداخت آن را با دارایی بدهد./

/

تبصره در برگ اجرایی باید نوع و مبلغ مالیات مدارک تشخیص قطعی بدهی سال مالیاتی مبلغ پرداخت/ شده جریمه و زیان دیرکرد متعلق ذکر شود./

/

ماده ۲۸۳- هر گاه مؤدی پس از ابلاغ برگ اجرایی در موعد مقرر مورد مطالبه را کلا پرداخت نکند یا ترتیب پرداخت/ آن را با دارایی ندهد به اندازه بدهی مؤدی اعم از اصل و جرایم و خسارات متعلق به اضافه ده درصد بدهی از/ اموال منقول و یا غیر منقول و مطالبات مؤدی بازداشت خواهد شد. صدور دستور توقیف و دستور اجرای آن به/ عهده اجرائیات دارایی می‌باشد./

/

ماده ۲۸۴- بازداشت اموال زیر ممنوع است:/

/

-۱ دو سوم حقوق حقوق‌بگیران و سه چهارم حقوق بازنشستگی و وظیفه./

/

-۲ لباس و اشیا و لوازمی که برای رفع حوائج ضروری مؤدی و افراد تحت تکفل او لازم است و همچنین آذوقه/ موجود و نفقه اشخاص واجب‌النفقه مؤدی./

/

-۳ ابزار و آلات کشاورزی و صنعتی و وسایل کسب و برای تأمین حداقل معیشت مؤدی لازم است./

/

تبصره ۱- هرگاه ارزش مای که برای بازداشت در نظر گرفته می‌شود زائد بر میزان بدهی مالیاتی مؤدی بوده و/ قابل تفکیک نباشد تمام مال بازداشت و فروخته خواهد شد و مازاد مسترد می‌شود مگر این که مؤدی اموال/ بلامعارض دیگری معادل میزان فوق معرفی نماید./

/

تبصره ۲- هرگاه مؤدی یکی از زوجین باشد که در یک خانه زندگی می‌نمایند از اثاث البیت آنچه عادتاً مورد استفاده/ زنانه است متعلق به زن و بقیه متعلق به شوهر شناخته می‌شود مگر آن که خلاف ترتیب فوق معلوم/ شود./

/

ماده ۲۸۵- ارزیابی اموال مورد بازداشت وسیله ارزیاب دارایی به عمل خواهد آمد ولی مؤدی می‌تواند با تودیع/ حق‌الزحمه ارزیابی طبق مقررات مربوط به دستمزد کارشناسان رسمی دادگستری تقاضا کند که ارزیابی اموال/ وسیله ارزیاب رسمی به عمل آید./

/

ماده ۲۸۶- کلیه اقدامات لازم مربوط به آگهی حراج و مزایده و فروش اموال مورد بازداشت اعم از منقول و غیر/ منقول به عهده مسئول اجرائیات دارایی می‌باشد در مورد فروش اموال غیر منقول در صورتی که پس از انجام/ تشریفات مقرر و تعیین خریدار مالک برای امضا سند انتقال حاضر نشود مسئول اجرائیات دارایی به استناد مدارک/ مربوط از اداره ثبت محل تقاضای انتقال ملک را به نام خریدار خواهد کرد و اداره ثبت اسناد و املاک مکلف به/ اجرای آن است./

/

ماده ۲۸۷- در مورد اموال غیر منقول بازداشت شده در صورتی که پس از دو نوبت آگهی (که در نوبت دوم بدون/ حداقل قیمت آگهی خواهد شد) خریداری برای آن پیدا نشد وزارت دارایی می‌تواند مطابق ارزیابی کارشناس/ رسمی و حداکثر به قیمت منطقه‌ای سابق یا ارزش معاملاتی (در مورد املاکی که قیمت منطقه‌ای سابق یا/ ارزش معاملاتی دارد) معادل کل بدهی مؤدی از مال مورد بازداشت تملک و بهای آن را به حساب بدهی مؤدی/ منظور نماید./

/

تبصره در صورتی که مؤدی قبل از انتقال مال مذکور از طرف وزارت دارایی به غیر حاضر شود که عین مال را با/ پرداخت بدهی قبلی و زیان دیر کرد متعلق تا تاریخ پرداخت مسترد دارد وزارت دارایی مکلف است ملک مزبور را/ مسترد دارد./

/

ماده ۲۸۸- ادارات دارایی می‌توانند پس از یک ماه از تاریخ ابلاغ برگ اجرایی در مورد هر مؤدی که بدهی قطعی او/ بابت اصل مالیات هر سال بیش ز پنجاه هزار ریال باشد و به اموال او دسترسی پیدا نشود و مؤدی مالی که/ متناسب با بدهی او بوده و دسترسی به آن میسر باشد ارائه ندهد و یا برای پرداخت بدهی خود قراری با اداره/ دارایی ندهد و یا ضامن متناسب با بدهی معرفی نکند و یا گواهی تسلیم دادخواست اعسار و یا توقف به دادگاه/ صالح به ظرفیت اداره دارایی ارائه ندهد بازداشت مؤدی را بخواهد./

/

ماده ۲۸۹- درخواست بازداشت ضمن تعیین مبلغ بدهی از اداره ثبت محل می‌شود اداره ثبت مکلف است با/ رعایت مقررات اجرایی مربوط اقدام به بازداشت بدهکار نماید./

/

تبصره هزینه بازداشت مؤدی طبق مقررات مربوط از طرف وزارت دارایی پرداخت و بعد کلیه هزینه ها به/ استثنای هزینه بازداشت در مدت توقیف از بدهکار وصول خواهد شد./

/

ماده ۲۹۰- اداره دارایی مکلف است در موارد ذیل نسبت به رفع بازداشت از بدهکار فوراً اقدام کند:/

/

۱- در صورتی که بدهکار مالی نشان بدهد که با بدهی او متناسب باشد و توقیف آن مال قانوناً از طرف اداره/ دارایی بلامانع باشد./

/

۲- در صورتی که بدهی وصول گردد و یا بدهکار بدهی خود را با تنظیم سند رسمی و دادن ضامن مورد قبول/ دارایی در مدت مناسب به تشخیص وزارت دارایی تقسیط نماید./

/

۳- در صورتی که دادخواست اعسار یا توقف به دادگاه صالح به ظرفیت دارایی تسلیم نماید./

/

ماده ۲۹۱- مرجع رسیدگی به شکایات ناشی از اقدامات اجرایی راجع به مطالبات دولت از اشخاص اعم از حقیقی/ یا حقوقی که طبق مقررات اجرایی مالیات‌ها قابل مطالبه و وصول می‌باشد کمیسیون تشخیص مالیات خواهد بود/ به شکایات مزبور به فوریت و خارج از نوبت رسیدگی و رأی صادر خواهد شد رأی صادره قطعی و لازم‌الاجرا/ می‌باشد./

/

تبصره ۱- در مورد مالیات‌های مستقیم در صورتی که شکایت حاکی از این باشد که وصول مالیات قبل از قطعیت/ به موقع اجرا گذارده شده است هرگاه کمیسیون تشخیص شکایت را وارد دانست ضمن صدور رأی بر بطلان/ اجراییه حسب مورد قرار رسیدگی و اقدام لازم صادر یا نسبت به درآمد مشمول مالیات مؤدی رسیدگی و رأی/ صادر خواهد کرد رأی صادر از کمیسیون تشخیص قطعی و لازم الاجرا می‌باشد مگر در قسمت اخیر که مفاد ماده/ ۲۴۸ لازم‌الرعایه است./

/

تبصره ۲– در مورد مالیات‌های غیر مستقیم هر گاه شکایت اجرایی از این جهت باشد که مطالبه مالیات قانونی/
نیست مرجع رسیدگی به این شکایت نیز کمیسیون تشخیص مالیات مقرر در ماده ۲۴۴ خواهد بود و رأی/
کمیسیون مزبور در این باره هم قطعی و لازم‌الاجرا است./
/
مفاد این تبصره شامل جرایم قاچاق اموال موضوع عایدات دولت و بهای مال قاچاق از بین رفته و نیز آن دسته از/
مالیات‌های غیر مستقیم که طبق مقررات مخصوص به خود در مراجع خاص باید حل و فصل شود نخواهد/
بود./
/
ماده ۲۹۲– دو درصد از وجوهی که بابت مالیات و زیان‌دیرکرد و جرایم موضوع این قانون وصول می‌شود (به/
استثنای مالیات بر درآمد بانک‌ها و شرکت‌ها و مؤسسات دولتی و وابسته به دولت) در حساب مخصوص در خزانه/
منظور می‌گردد تا به مصرف تعلیم و تربیت کارمندان در امور مالیاتی و حسابرسی تخصصی برسد./
/
تبصره وزارت دارایی مجاز است از محل مزبور برای تشویق در امر وصول مالیات علاوه بر مزایای قانونی/
کارمندان سازمان‌های مالیاتی به کارمندان مزبور و سایر کسانی که در امر وصول مالیات‌ها فعالیت‌های موثری/
مصروف داشته یا می‌دارند در موارد خاص پاداش متناسبی به تشخیص خود پرداخت نماید. وجوه پرداختی به/
استناد این تبصره از شمول کلیه مقررات مغایر مستثنی است./
/
ماده ۲۹۳– آیین‌نامه مربوط به قسمت وصول مالیات وسیله وزارت دارایی و وزارت دادگستری تنظیم و از طرف/
وزارت دارایی به موقع اجرا گذارده خواهد شد./
/
قسمت سوم ابلاغ/
/
ماده ۲۹۴– اوراق مالیاتی به طور کلی باید به شخص مؤدی ابلاغ و در نسخه ثانی رسید اخذ گردد./
/
ماده ۲۹۵– هر گاه به خود مؤدی دسترسی پیدا نشود اوراق مالیاتی باید در محل سکونت یا محل کار او به یکی از/
بستگان یا مستخدمین او ابلاغ گردد مشروط بر این که به نظر مأمور ابلاغ سن ظاهری این اشخاص برای تمیز/
اهمیت اوراق مورد ابلاغ کافی بوده و بین مؤدی و شخصی که اوراق را دریافت می‌دارد تعارض منفعت/
نباشد./
/
ماده ۲۹۶– هر گاه مؤدی یا در صورت عدم حضور او بستگان یا مستخدمین او از گرفتن برگ‌ها استنکاف نمایند یا/
در صورتی که هیچ یک از اشخاص مذکور در محل نباشد مأمور ابلاغ باید امتناع آنان را از گرفتن اوراق یا عدم حضور/
اشخاص فوق را در محل با گواهی یک نفر پاسبان یا ژاندارم یا دو نفر گواه از اهل محل در هر دو نسخه قید نموده/
و نسخه اول اوراق را به درب محل سکونت یا محل کار مؤدی الصاق نماید./
/
اوراق مالیاتی که به ترتیب فوق ابلاغ شده قانونی تلقی و تاریخ الصاق تاریخ ابلاغ به مؤدی محسوب/
است./
/
ماده ۲۹۷– مأمور ابلاغ باید مراتب زیر را در نسخه دوم اوراق مالیاتی تصریح و امضا نماید:/
/
الف محل و تاریخ ابلاغ با تعیین روز و ماه و سال./
/
ب– نام کسی که اوراق را به او ابلاغ شده با تعیین این که چه نسبتی با مؤدی دارد./
/

پ- نام و مشخصات گواه‌ها در مورد ماده ۲۹۶./

/

ماده ۲۹۸- اگر مؤدی یکی از ادارات دولتی یا مؤسسات وابسته به دولت باشد اوراق مالیاتی باید به رئیس یا/ قائم‌مقام رئیس یا رئیس دفتر آن اداره یا مؤسسه ابلاغ گردد./

/

ماده ۲۹۹- اگر مؤدی شرکت تجارتی یا سایر اشخاص حقوقی باشد اوراق مالیاتی باید به مدیر یا اشخاص دیگر که/ از طرف شرکت حق امضا دارند تسلیم شود./

/

تبصره مقررات مواد ۲۹۵ و ۲۹۶ در مورد شرکت‌های تجارتی و سایر اشخاص حقوقی نیز مجری است./

/

ماده ۳۰۰- در مواردی که مؤدی محلی را به عنوان محل کار یا سکونت یا محل ابلاغ اوراق مالیاتی معرفی کند و/ در غیر این مورد در صورتی که اوراق مالیاتی در محلی به عنوان محل کار یا سکونت مؤدی ابلاغ شود و در پرونده/ دلیل و اثری حاکی از اطلاع مؤدی از این موضوع بوده و به این نشانی ایراد نکرده باشد مادام که محل دیگری به/ عنوان محل سکونت یا کار اعلام نکند ابلاغ اوراق مالیاتی به همان نشانی قانونی و صحیح است./

/

ماده ۳۰۱- در مواردی که نشانی مؤدی در دست نباشد اوراق مالیاتی یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار حوزه/ دارایی و اگر در حوزه دارایی روزنامه نباشد در روزنامه کثیرالانتشار نزدیک‌ترین محل به حوزه دارایی یا یکی از/ روزنامه‌های کثیرالانتشار مرکز آگهی می‌شود این آگهی در حکم ابلاغ به مؤدی محسوب خواهدشد./

/

ماده ۳۰۲- مقررات آیین دادرسی مدنی راجع به ابلاغ جز مواردی که در این قسمت مقرر گردیده است در مورد/ ابلاغ اوراق مالیاتی اجرا خواهد شد./

/

ماده ۳۰۳- مقررات باب اول و دوم و سوم این قانون از اول فروردین ماه ۱۳۴۶ به موقع اجرا گذاشته می‌شود و/ مقررات آن شامل کلیه اراضی بایر و مالیات بر درآمدهایی که تاریخ تحصیل درآمد و سایر مالیات‌های مستقیم که/ سبب تعلق مالیات بعد از تاریخ اجرای این قانونی می‌باشد و همچنین مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی مربوط به/ سال مالی که در سال اول اجرای این قانون خاتمه می‌یابد خواهد بود و کلیه قوانین و مقررات مالیاتی نسبت به/ آن‌ها ملغی است. در مواردی که در فاصله بین اول فروردین ماه ۱۳۴۶ تا تاریخ ابلاغ این قانون مالیاتی کمتر از/ مأخذ مقرر پرداخت شده باشد در صورتی که مابه‌التفاوت ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ این قانون پرداخت گردد از/ موارد تخلف محسوب نخواهد شد ضمناً اضافه پرداختی نیز در محاسبه مالیاتی منظور خواهد شد./

/

باب چهارم تصفیه بقایای مالیاتی/

/

ماده ۳۰۴- مالیات بر درآمدهایی که تاریخ تحصیل درآمد و سایر مالیات‌های مستقیم موضوع این قانون که سبب/ تعلق مالیات قبل از سال ۱۳۴۶ می‌باشد و مشمول مرور زمان نبوده و هنوز به مرحله قطعیت نرسیده است کلا/ به عنوان بقایای مالیاتی تابع احکام این باب خواهد بود درآمد مشمول مالیات و نرخ مالیاتی بقایای مالیاتی تابع/ احکام قانونی زمان تحصیل درآمد خواهد بود./

/

ماده ۳۰۵- مالکین املاک مزروعی که در هر یک از سنوات قبل از ۱۳۴۶ بیش از بیست و پنج درصد بهره مالکانه/ آن‌ها به علت عوامل خارج از اختیار آنان از بین رفته می‌توانند راجع به مالیات همان سال به دارایی محلی که ملک/ در حوزه آن واقع است تا پایان سال ۱۳۴۹ شکایت کنند در این صورت پرونده برای صدور رأی مقتضی به کمیسیون/ حل اختلاف احاله خواهدشد رأی کمیسیون در این مورد قطعی و لازم‌الاجرا است ولی مالیات‌های وصول شده تا/ تاریخ تصویب این اصلاحیه قابل استرداد نخواهد بود./

/

ماده ۳۰۶– بدهی مالیاتی زارعین املاک و مستغلات پهلوی که در نتیجه تقسیم املاک مزبور تا ۲۰ هکتار ملک به/ آنان واگذار شده نسبت به ملک مزبور بخشوده می‌شود./

/

ماده ۳۰۷– مالیات سود سهام و سود سهم‌الشرکه مربوط به دوره عمل شرکت‌ها تابع قوانین و مقرراتی است که/ اصل مالیات بر درآمد شرکت در آن دوره بر اساس آن قوانین تشخیص می‌شود./

/

ماده ۳۰۸– وجوهی که بعد از پایان سال ۱۳۴۵ به مقاطعه‌کاران موضوع ماده ۱۱ قانون مالیات بر درآمد مصوب/ فروردین ۱۳۳۵ بابت عملیات مقاطعه‌کاری که تا پایان سال ۱۳۴۵ قرارداد آن منعقد شده یا پیمانکار پیشنهاد آن را/ تسلیم کرده باشد پرداخت شود از لحاظ نرخ تابع ماده ۱۱ مذکور و از جهت ترتیب رسیدگی و تصفیه مشمول/ مقررات این باب خواهد بود حکم این ماده در مواردی که کارفرما دولت یا مؤسسات وابسته به دولت نباشد در/ صورتی جاری خواهد بود که به موجب مدارک مثبته معلوم شود که قرارداد قبلا منعقد یا بعداً بر اساس پیشنهاد/ که قبل از سال ۱۳۴۶ تسلیم شده منعقد گردد./

/

ماده ۳۰۹– بقایای مالیاتی کسبه و صنعتگران دستمزدبگیر (پیشه‌وران) که اساسی آنان ضمن صورت ضمیمه/ قانون توافق و تسهیل وصول مالیات‌ها مصوب تیر ماه ۱۳۴۳ ذکر است برای هریک از سال‌هایی که حساب/ مالیاتی آن قطعی نشده است عبارت است از مبلغی معادل مالیات قطعی شده یکی از سال‌های ۳۸ به بعد/ آن‌ها و در صورتی که در این سال‌ها بیش از یک مالیات قطعی شده وجود داشته باشد معدل مالیات‌های قطعی/ شده مزبور ملاک قرار داده می‌شود و مؤدی مکلف است این مالیات را منتهی ظرف چهار ماه از تاریخ اجرای این/ قانون پرداخت یا تقسیط کند./

/

تبصره ۱– پیش آگهی‌های قطعی شده سابقه قطعی از نظر اجرای این ماده محسوب نخواهدشد./

/

تبصره ۲– هر گاه مالیاتی که برای هر سال بر اساس این ماده تعیین یا طبق رأی قطعی کمیسیون حل اختلاف/ موضوع ماده ۳۱۱ تشخیص می‌شود همچنین مالیات‌های قطعی شده سابق مؤدیان فوق که به هر نحوی از انحا/ قطعیت یافته باشد دو هزار ریال یا کمتر باشد نسبت به آن قسمت که وصول نشده است قابل وصول نخواهد/ بود./

/

ماده ۳۱۰– وزارت دارایی مکلف است در آرا قطعی صادره یا توافق‌های انجام شده درباره مالیات بر ارث یا نقل و/ انتقال بلاعوض و محاباتی در صورتی که تمام یا قسمتی از ماترک یا مال مورد انتقال ملک مزروعی باشد و ملک/ طبق قوانین و مقررات اصلاحات ارضی واگذار شده یا ترتیب واگذاری آن داده شود تجدید نظر نماید. در این صورت/ قیمت مندرج در سند معامله‌ای که در اجرای مقررات اصلاحات ارضی تنظیم شده یا می‌شود به جای قیمتی که/ ملاک تشخیص مالیات قرار گرفته است مأخذ محاسبه واقع و بر این مبنا رقم مالیات به نفع مؤدی تعدیل خواهد/ شد./

/

تبصره ۱– تجدیدنظر توسط کمیسیون‌های تشخیص مقرر در این قانون به عمل می‌آید و منحصر به اصلاح قیمت/ املاک مزروعی مذکور در این ماده خواهد بود و کمیسیون از جهات دیگر صلاحیت رسیدگی ندارد./

/

تبصره ۲– زیان دیرکرد مالیات‌هایی که طبق مقررات این ماده در آن‌ها تجدید نظر می‌شود از تاریخ توافق یا رأی/ قطعی اولیه محاسبه و وصول خواهد شد./

/

تبصره ۳– حکم این ماده شامل مواردی که مالیات آن کلاً پرداخت شده نمی‌باشد./

/

تبصره ۴– تقسیط بدهی مالیاتی مانع از تجدیدنظر نخواهد بود ولی در این صورت تفاوتی که در اثر تجدیدنظر در/

میزان مالیات پیدا می‌شود از دورترین اقساط کسر گذاشته خواهدشد. ولی در هر صورت آنچه وصول شده است/ مسترد نخواهد شد./

/

تبصره ۵- ارجاع پرونده برای اصلاح رأی مانع از ادامه اقدامات اجرایی نسبت به مالیات مربوط به سایر اقلام/ ماترک نخواهد بود./

/

ماده ۳۱۱- به منظور تصفیه بقایای مالیاتی غیر از مواردی که تابع حکم ماده ۳۰۹ می‌باشد کمیسیون‌هایی به نام/ کمیسیون حل اختلاف مالیاتی مرکب از سه نفر به شرح زیر تشکیل می‌شود:/

/

الف نماینده وزارت دارایی./

/

ب- یک نفر قاضی در تهران به معرفی وزیر دادگستری و در شهرستان‌ها به معرفی رئیس دادگستری/ محل./

/

پ- نماینده اتاق بازرگانی محل و در صورت عدم تشکیل اتاق بازرگانی یک نفر معتمد محل به معرفی/ فرماندار./

/

ماده ۳۱۲- ادارات دارایی مکلفند پرونده‌های مالیاتی غیر قطعی را مورد رسیدگی قرار دهند و در صورتی که/ مؤدی طبق مندرجات پرونده مشمول مالیات نباشد مراتب را در پرونده منعکس کنند و در مواردی که مالیات مؤدی/ را بر اساس مندرجات پرونده و سوابق مالیاتی تا مبلغ پنجاه هزار ریال برآورد نمایند مجازند با مؤدی توافق کنند و/ این توافق قطعی و لازم‌الاجرا است هرگاه توافق انجام نگیرد همچنین در سایر موارد پرونده مالیاتی ارسال/ خواهد شد./

/

تبصره- فاصله بین ابلاغ دعوتنامه برای حضور در کمیسیون حل اختلافات تا روز تشکیل جلسه رسیدگی نباید/ کمتر از یک ماه باشد./

/

ماده ۳۱۳- کمیسیون حل اختلاف با رعایت قوانین و مقررات مالیاتی حاکم بر زمان تحصیل درآمد به پرونده/ رسیدگی و بر اساس دلایل و قرائن و امارات و مندرجات پرونده و اظهارات مؤدی مالیات متعلق را تشخیص/ می‌دهد عدم حضور مؤدی یا نماینده تام‌الاختیار او به شرط ابلاغ دعوتنامه مانع رسیدگی و صدور رأی نخواهد بود/ و رأی کمیسیون حل اختلاف قطعی است مگر این که مالیات مورد رأی با مبلغی که دارایی برآورد می‌کند و یا با/ مبلغی که مورد قبول مؤدی است بیش از بیست و پنج درصد اختلاف داشته باشد که حسب مورد هریک از/ طرفین می‌تواند ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رأی اعتراض کند./

/

مرجع رسیدگی با اعتراض کمیسیون تجدیدنظری است که اعضای آن به شرح مقرر در ماده ۳۱۱ انتخاب شده و/ نسبت به موضوع قبلا رأی نداده باشند./

/

تبصره ۱- جلسه کمیسیون حل اختلاف با حضور نماینده دارایی و حداقل یکی از اعضا رسمیت می‌یابد. آرا/ کمیسیون به اتفاق یا به اکثریت اعضا حاضر در جلسه مناط اعتبار است./

/

تبصره ۲- در صورتی که مؤدی نتواند در اولین دعوت در جلسه کمیسیون حضور به هم رساند باید مراتب را کتباً به/ اطلاع کمیسیون برساند در این صورت کمیسیون روز دیگری را برای طرح پرونده که فاصله آن از اولین جلسه/ بیشتر از پانزده روز نخواهد بود در ذیل نامه مؤدی تعیین و در جلسه مذکور ولو بدون حضور مؤدی اقدام به صدور/ رأی خواهد کرد./

/

تبصره ۳- در صورتی که کمیسیون حل اختلاف مالیاتی برای صدور رأی رسیدگی و تحقیق بیشتر را لازم بداند/ ضمن صدور قرار لازم تاریخ تشکیل جلسه مجدد را که از یک ماه نباید تجاوز کند در همان جلسه تعیین و به امضای/ مؤدی یا نماینده تام‌الاختیار او (در صورتی که در جلسه حاضر باشد) می‌رساند در این صورت عدم حضور مؤدی یا/ نماینده تام‌الاختیار او در روز مقرر مانع رسیدگی و صدور رأی نیست./

/

ماده ۳۱۴- وزیر دارایی می‌تواند ظرف ۴ ماه از تاریخ تصویب این قانون در مورد آرا صادره از هیأت حل اختلاف/ مالیاتی در صورتی که اصل مالیات مورد رأی از ششصد هزار ریال تجاوز نکند و در سایر موارد در صورتی که بابت/ مالیات مربوط به یک مؤدی و موضوع مشخص و سال معین که قبلا قطعی شده است رأی قطعی از مراجع/ مالیاتی صادر شده باشد به شکایت مؤدی دستور تجدید رسیدگی بدهد. در این صورت پرونده با احضار مؤدی در/ کمیسیون تشخیص موضوع ماده ۲۴۴ این قانون مطرح خواهد شد. هرگاه کمیسیون شکایت مؤدی را وارد/ تشخیص داد رأی مقتضی صادر خواهد کرد وگرنه مؤدی را به جریمه‌ای که از ده درصد مالیات مورد اختلاف کمتر/ نبوده و از پنجاه درصد آن تجاوز نکند محکوم خواهد نمود. کمیسیون صلاحیتدار برای رسیدگی به این گونه/ پرونده‌ها در مورد مؤدیان دارایی‌های تابع پیشکاری کمیسیون متشکل در مرکز استان و نسبت به سایر دارایی‌ها/ کمیسیون متشکل در تهران است رأی کمیسیون در این مورد قطعی و غیر قابل اعتراض خواهد بود ولی زیان/ دیرکرد از تاریخ قطعی رأی قبلی محاسبه خواهدشد./

/

تبصره ۱- مفاد این ماده شامل مالیات‌هایی که کلاً وصول یا تقسیط شده است نخواهد بود. مگر در موردی که/ مربوط به یک مؤدی و موضوع مشخص و سال معین که قبلاً قطعی شده است رأی قطعی دیگر از مراجع مالیاتی/ صادر شده است باشد./

/

تبصره ۲- آرا صادره از کمیسیون‌های تشخیص که در اجرای این ماده صادر می‌شود نباید کمتر از مبلغ مورد قبول یا/ وصول شده از مؤدی نسبت به هر سال مالیاتی باشد./

/

ماده ۳۱۵- بقایای مالیاتی که تا آخر سال ۱۳۵۰ نسبت به آن توافق نشود یا به کمیسیون حل اختلاف مالیاتی/ ارجاع نشده باشد قابل مطالبه نخواهد بود. مفاد این ماده شامل پرونده‌های مربوط به مالیات بر ارث/ نخواهدبود./

/

تبصره - حکم بند ۳ ماده ۲۷۳ در مورد مأموران مالیاتی که بر اثر مسامحه و غفلت آن‌ها مالیات موضوع این باب/ مشمول مرور زمان و غیر قابل مطالبه گردد جاری خواهد بود./

/

ماده ۳۱۶- در موارد زیر جریمه مالیاتی بخشوده خواهد شد:/

/

-۱ در صورتی که ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون مالیات‌هایی که قبلا به مرحله قطعی رسیده نقداً پرداخت یا/ قرار تقسیط با اداره دارایی گذاشته شود./

/

-۲ در صورتی که مالیات موضوع ماده ۳۰۹ تا سررسید مقرر پرداخت یا قرار تقسیط با دارایی گذاشته شود./

/

-۳ در سایر موارد در صورتی که مالیات مورد رأی کمیسیون حل اختلاف مالیاتی ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی/ پرداخت یا قرار تقسیط با اداره دارایی گذاشته شود./

/

تبصره ۱- در صورت تأخیر در پرداخت هر یک از اقساط بدهی مؤدی حال می‌شود و از بخشودگی جریمه موضوع/ این ماده استفاده نخواهد شد./

/

تبصره ۲- مؤدیان مالیات بر ارث که مالیات قطعی شده خود را تا تاریخ تصویب این قانون پرداخت نموده یا در مهلت/ مقرر در بند ۱ این ماده بپردازند در صورتی که حداقل پنجاه درصد سهم‌الارث آنان ملک مزروعی مشمول قانون/ اصلاحات ارضی بوده است از پرداخت زیان دیرکرد نیز معاف خواهند بود آن قسمت از زیان دیرکرد که پرداخت شده/ قابل استرداد نیست./

/

ماده ۳۱۷- مفاد ماده ۱۹۰ این قانون نسبت به مالیات بر ارث که تاریخ فوت مورث قبل از سال ۱۳۴۶ می‌باشد قابل/ اجرا خواهد بود./

/

در مورد انتقالات مشمول مواد ۱۶ و ۱۷ قانون مالیات بر ارث مصوب اسفند ماه سال ۳۵ که معامله فسخ یا اقاله/ شده باشد یا بعداً بشود آن قسمت از مالیات مقرر که تا تاریخ فسخ یا اقاله وصول نشده است قابل مطالبه و/ وصول نخواهد بود مگر این که منتقل الیه از منافع ملک تا تاریخ مذکور بهره‌مند شده باشد که در این صورت مالیات/ متعلق به منافع ملک تا حدودی که استیفا شده است به وسیله کمیسیون حل اختلاف موضوع ماده ۳۱۱ قانون/ مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۴۵/۱۲/۲۸ تشخیص و رأی مقتضی صادر خواهد شد./

/

ماده ۳۱۸- در اجرای باب چهارم این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر ملغی است./

/

ماده ۳۱۹- در مورد بقایای مالیات بر درآمد که تا تاریخ تصویب این اصلاحیه به مرحله قطعیت رسیده و مبلغ آن بابت/ هر سال مالیاتی پنجاه هزار ریال یا کمتر باشد به شکایت مؤدی از قطعیت خارج و کمیسیون حل اختلاف ارجاع/ خواهد شد. رأی کمیسیون در این مورد قطعی و لازم‌الاجرا است./

/

تبصره با اجرای این ماده مالیات‌هایی که تا تاریخ تصویب این اصلاحیه از مؤدی وصول شده مسترد نخواهد/ شد./

/

ماده ۳۲۰- مبدأ احتساب زیان دیرکرد در مورد مالیات‌هایی که از تاریخ تصویب این اصلاحیه به بعد طبق مقررات باب/ بقایا به مرحله قطعیت می‌رسد تاریخ تصویب این اصلاحیه است./

/

بقایای مالیاتی قطعی شده که اصل مالیات از یک میلیون ریال تجاوز نکند و تا تاریخ تصویب این اصلاحیه پرداخت/ شده یا ظرف شش ماه از تاریخ مزبور پرداخت شود از جریمه و زیان دیرکرد معاف است./

/

جرایم و زیان دیرکردهایی که قبلا وصول شده قابل استرداد نمی‌باشد./

/

تبصره بدهی مالیاتی تا آخر سال ۱۳۴۸ مالکین نسبت به املاکی که در اجرای قوانین و مقررات اصلاحات ارضی/ املاک آن‌ها به زارع واگذار شده و یا بشود یا به زارع اجاره داده شده یا بشود اعم از آن که تحت عنوان مالیات/ مزروعی یا مالیات کشاورزی یا مالیات املاک باشد در صورتی که مؤدی تا آخر شهریور ماه ۱۳۴۹ به دارایی محل/ مراجعه و بدهی خود را حداکثر برای مدت سه سال تقسیط کند و اقساط را در سر رسید بپردازد از پرداخت زیان/ دیرکرد معاف خواهدشد. و در صورتی که مؤدی مالیات خود را ظرف مهلت مزبور یک جا و نقداً بپردازد علاوه بر/ معافیت از زیان دیرکرد ۲۵ درصد اصل مالیات مربوط بخشوده خواهد شد./

/

در مواردی که مالکین با گواهی وزارت اصلاحات ارضی مال‌الاجاره و یا بهره مالکانه و یا اقساط اراضی املاک/ واگذاری خود را دریافت نداشته‌اند از پرداخت مالیات مذکور بالا معاف خواهند بود./

/

ماده ۳۲۱- در مورد مالیات بر درآمدهایی که تا تاریخ تصویب این اصلاحیه به مرحله قطعیت رسیده و در مرجع/

دیگری قابل طرح نباشد و ظرف یک سال از تاریخ تصویب این اصلاحیه به ادعای غیر عادلانه بودن مالیات مستنداً/
به مدارک و دلایل کافی از طرف مؤدیان شکایت و یا از طرف ادارات دارایی تقاضای تجدید رسیدگی شود پرونده امر/
با موافقت وزیر دارایی به هیأتی مرکب از ۳ نفر به انتخاب وزیر دارایی ارجاع خواهد شد. در صورتی که غیر/
عادلانه بودن مالیات پس از تحقیقات کافی برای هیأت مزبور که ممکن است در تهران و مراکز استان و/
فرمانداری‌های کل تشکیل شود محرز شود وارد رسیدگی ماهوی شده و با توجه به مدارک و دلایل مالیات را/
حسب مورد کسر یا افزایش و جهات کسر یا افزایش را نیز در رأی ذکر خواهد نمود./

/

شکایت موضوع این ماده مانع مطالبه و وصول مالیات قطعی شده نخواهد بود./

/

تبصره ۱ – با اجرای این ماده مالیات‌هایی که تا تاریخ تصویب این قانون از مؤدی وصول شده مسترد نخواهد شد/
ولی پرداختی بعد از تاریخ تصویب این اصلاحیه بر اساس رأی هیأت قابل استرداد است./

/

تبصره ۲– در مورد مالیات‌هایی قطعی شده بیش از پنجاه هزار ریال در صورتی که شکایت مؤدی مردود تشخیص/
شود علاوه بر مالیات مقرر بیست درصد جریمه غیر قابل بخشش از او وصول خواهد شد./

/

تبصره ۳– هر گاه مالیات چند سال به موجب یک رأی تعیین شده باشد در مواردی که مبلغ مالیات به تفکیک هر/
سال مورد نیاز باشد مبلغ رأی نسبت سه به مدت سنوات مورد رأی تقسیم خواهد شد./

/

تبصره ۴– شکایات مؤدیانی که به استناد ماده ۳۱۹ این اصلاحیه رسیدگی می‌گردد به استناد این ماده قابل/
رسیدگی نخواهند بود./

/

تبصره ۵– وزیر دارایی می‌تواند برای تعیین هیأت‌های موضوع این ماده از قضات و کارمندان بازنشسته دولت نیز/
استفاده نماید./

/

ماده ۳۲۲– تجدیدنظر در آیین‌نامه ها و جداول موضوع قانون مالیات‌های مستقیم مصوب اسفند ۱۳۴۵ و اصلاحیه/
مربوط به آن به عهده همان مراجعی است که قانون برای تصویب آن‌ها مقرر داشته است./

/

ماده ۳۲۳– دولت مأمور اجرای این قانون است./

/

/

/

/